

الله
الرحمن

مستطاب
قائم
وول



هفتگانه

خاتم ولایت / منتخب سخنرانی های حرم مطهر رضوی با موضوع مهدویت

تهیه و تدوین: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

به کوشش: جعفر حسن زاده

ناشر: انتشارات قدس رضوی

صفحه آرایشی: محمود بازدار

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

شمارگان: ۳۰۰۰

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

شابک:

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، مدیریت فرهنگی.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

مقدمه / ۹

فصل اوّل / مفهوم مهدویت / ۱۱

- مهدویت؛ موضوعی کهن / ۱۲
- مهدویت چیست؟ / ۱۳
- مهدویت؛ موضوعی فرامذهبی / ۱۴
- اعتقاد به مهدویت / ۱۵
- خلاصه فصل اوّل / ۱۶

فصل دوم / دلایل عقلی و نقلی وجود امام زمان علیه السلام / ۱۷

- اعتقاد ادیان به مصلح جهانی / ۱۸
- دلیل عقلی بر وجود امام زمان علیه السلام / ۱۸
- ۱. رسیدن به هدف نهایی از آفرینش انسان / ۱۸
- ۲. لازمه حکمت الهی / ۱۹

- منجی در ادیان مختلف / ۱۹
- روایات شیعه و سنی درباره ظهور / ۲۰
- امام زمان علیه السلام در تفسیر قرطبی / ۲۰
- خوش بینی و بدبینی درباره آینده بشر / ۲۱
- سه وعده قرآن در زمان ظهور / ۲۱
- خلاصه فصل دوم / ۲۴

فصل سوم / شناخت امام زمان علیه السلام / ۲۵

- حیات طیبه یا مرگ جاهلی؟ / ۲۶
- کیفیت ولادت امام زمان علیه السلام / ۲۷
- نسب و القاب امام زمان علیه السلام / ۲۸
- ویژگی های امام / ۲۹
- امام زمان علیه السلام؛ رحمت واسعه / ۳۰
- سبک زندگی امام زمان علیه السلام / ۳۱
- ولی خدا؛ واسطه فیض / ۳۲
- داستان حضرت موسی علیه السلام و مُصاحب / ۳۲
- امام زمان علیه السلام؛ ولی پنهان / ۳۴
- شناخت؛ زمینه توجه به امام / ۳۵
- تألیفات زیاد درباره مهدویت / ۳۵
- خلاصه فصل سوم / ۳۶

فصل چهارم / دشمنان مهدویت / ۳۷

- شناسنامه و هابیت / ۳۸
- اهداف شوم و هابیت / ۳۸
- ابن تیمیه؛ منکر وجود امام زمان علیه السلام / ۳۹
- روایت هیثمی / ۳۹

- شبهه قتل عام / ۴۰
- دشمنان و مبارزه با مهدویت / ۴۲
- علت دشمنی غرب با مهدویت / ۴۲
- کنفرانس تل آویو / ۴۲
- روش های مقابله دشمنان با پیامبران و عدالت / ۴۴
- راه های مقابله با تفکر مهدوی / ۴۴
۱. انکار موضوعات مهم مانند اصل مهدویت / ۴۴
۲. تخریب / ۴۵
۳. تحریف / ۴۶
۴. جایگزین سازی / ۴۶
- خلاصه فصل چهارم / ۴۷
- فصل پنجم / آسیب شناسی بحث مهدویت / ۴۹**
- بدل برای چیزهای باارزش / ۵۰
- مدعیان در عصر غیبت / ۵۰
- دجال های آخرالزمان / ۵۱
- تطبیق نادرست علائم ظهور / ۵۲
- تکذیب کنید! / ۵۳
۱. تعیین وقت / ۵۳
۲. ادعای رؤیت / ۵۴
- اعتقاد به دو ظهور! / ۵۴
- علل به وجود آمدن مدعیان / ۵۵
- عامل اول: مشکلات روحی روانی / ۵۵
- عامل دوم: سودجویی / ۵۶
- عامل سوم: مشکلات اخلاقی / ۵۶
- جریان فرقه سازی ها / ۵۷
- عوامل جذب شدن به انحرافات / ۵۸
- عامل اول: ساده لوحی / ۵۸
- عامل دوم: دوری از علم و دین / ۵۸
- جوانان و اهمیت تحصیل علم و دین / ۵۹
- عامل سوم: تشخیص ندادن جادوگری / ۵۹
- عامل چهارم: تنبلی و فرار از تکلیف / ۶۰
- عامل پنجم: ضعف اطلاع رسانی / ۶۰
- خلاصه فصل پنجم / ۶۱
- فصل ششم / مفهوم انتظار / ۶۳**
- تربیت دینی؛ رهبران دینی / ۶۴
- امامان (علیهم السلام) و تربیت نسل منتظر / ۶۴
- دو روش تربیتی امام رضا (علیه السلام) / ۶۵

شاخصه‌های نسل منتظر / ۶۵

۱. باور به آینده / ۶۵

۲. آمادگی / ۶۶

۳. جهانی‌اندیشیدن / ۶۶

۴. یاد امام / ۶۷

ریشه اصلی انتظار / ۶۷

ویژگی‌های کلی نسل منتظر / ۶۸

آمادگی و انتظار / ۶۸

ویژگی‌های سه‌گانه یاران امام زمان عج / ۶۹

ثواب انتظار از دیدگاه ائمه اطهار علیهم‌السلام / ۷۰

انتظار فرج یعنی ... / ۷۱

خلاصه بخش ششم / ۷۲

فصل هفتم / دوران غیبت / ۷۳

انتظار؛ امید و بردباری / ۷۴

شیوه‌های معصومان علیهم‌السلام برای حفظ اعتقادات مهدوی / ۴۷

شیوه اول: ارجاع به قرآن / ۷۵

شیوه دوم: احادیث فراوان / ۷۵

شیوه سوم: آرزوی زیارت مهدی عج / ۷۶

شیوه چهارم: دعا / ۷۶

تأثیر دعا در ظهور / ۷۶

غیبت صغری و اولین نائب / ۷۷

دومین نائب / ۷۸

ولادت شیخ صدوق رحمته‌الله با دعای امام زمان عج / ۷۸

ارجاع دادن شیعیان به ولی فقیه / ۷۹

ولایت فقیه؛ اصلی فقهی / ۷۹

شمشیرکشیدن در برابر حکومت دینی / ۸۰

سومین نائب / ۸۰

چهارمین نائب و شروع غیبت کبری / ۸۱

ادعای مشاهده / ۸۲

گناهان؛ عامل تداوم غیبت / ۸۳

آخرالزمان و تفکر امروزه غرب / ۸۳

هماهنگی بین شیعه و مسیحیت / ۸۴

مردم و یاری ولی خدا / ۸۵

خلاصه فصل هفتم / ۸۶

فصل هشتم / ملاقات با امام زمان عج / ۸۷

انواع رؤیت / ۸۸

حضور و ظهور / ۸۸

- درخواست دیدار امام زمان علیه السلام و پاسخ آقای قاضی رحمته الله / ۸۹
- راه ملاقات با امام زمان علیه السلام / ۹۰
- شرط دیدن / ۹۰
- ملاقات سید بحر العلوم رحمته الله با امام زمان علیه السلام / ۹۱
- پیرمرد قفل ساز / ۹۱
- عطار بصری / ۹۲
- مکیال المکارم / ۹۴
- خلاصه فصل هشتم / ۹۵
- فصل نهم / جهان پس از ظهور / ۹۷**
- انقلاب فرهنگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله / ۹۸
- انقلاب فرهنگی امام زمان علیه السلام / ۹۸
- اولین کار امام زمان علیه السلام / ۹۹
- امام مهر و قهر / ۱۰۰
- حکومت مهربانی / ۱۰۰
- اسامی حکومت مهدوی / ۱۰۱
- برکات ظهور / ۱۰۲
- اول: جانشینی / ۱۰۲
- دوم: گسترش اسلام / ۱۰۳
- سوم: امنیت / ۱۰۳
- چهارم: عبادت خالصانه / ۱۰۴
- پنجم: تمام ثروت های زمین؛ ارث صالحان / ۱۰۴
- ششم: عدالت و مبارزه با ظلم / ۱۰۴
- امنیت و عدالت و رفاه در زمان ظهور / ۱۰۵
- حضرت مسیح علیه السلام و زمان ظهور / ۱۰۶
- جهش علمی پس از ظهور / ۱۰۷
- پرونده ظلم و دوران عدالت! / ۱۰۸
- احیای حق و از بین رفتن ظلم / ۸۰۱
- دوران ظهور در روایت طبری / ۱۰۹
- خلاصه فصل نهم / ۱۱۰
- فصل دهم / عصر غیبت؛ نسل منتظر / ۱۱۱**
- امام رضا علیه السلام و احترام به امام زمان علیه السلام / ۱۱۲
- دعای قوم حضرت یونس علیه السلام / ۱۱۲
- دعا برای امام زمان علیه السلام در قنوت نماز جمعه / ۱۱۳
- تفاوت بین امام زمان علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام / ۱۱۳
- خلاصه فصل دهم / ۱۱۴
- حرف آخر / ۱۱۵**

مقدمه

آغاز سخن به نام خداوند بخشاینده مهربان؛ سپس سلام بر آخرین فرستاده او ﷺ و خاندان پاک ایشان ﷺ.

سخنوری، عمری به درازای تفکر بشری دارد؛ از دوره باستان تا روزگار معاصر، سخنرانان برجسته‌ای داشته‌ایم که نامشان، ثبت و ضبط شده است. در تمدن اسلامی نیز خطبا و واعظان زیادی سراغ داریم که آوازه آن‌ها در تاریخ پیچیده است.

هنوز می‌توان از لابه لای سطور نهج البلاغه، ندای بزرگ‌ترین خطیب تاریخ اسلام، امیرالمؤمنین علی علیه السلام را شنید که با تاسی به خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم، بر بالای منبر کوفه فریاد برمی‌آورد و راه ورسم زیستن و بندگی را به تشنگان معرفت می‌آموخت.

بهره‌گیری از منبر، به عنوان یکی از بلیغ‌ترین و رساترین شیوه‌های تبلیغ دینی، روش عملی تمامی ائمه معصومان علیهم السلام بوده است. در میان پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام نیز در قرون میانه تمدن اسلامی، خطبا و واعظان بزرگی برخاسته و در تبیین آموزه‌های دینی نقش بسزایی را ایفا کرده‌اند.

خطابه و منبر از ظرفیت‌های عظیم حوزه و روحانیت است که هنوز هم با وجود توسعه و گسترش انقلاب اطلاعاتی و عصر دیجیتال، می‌تواند در پیشبرد رسالت تبلیغ و تربیت، بسیار مؤثر باشد.

آشنایی هرچه بیشتر امت اسلامی با سنت و سیره معصومان علیهم السلام، توبه بسیاری از گنهکاران، اسلام آوردن بسیاری از غیرمسلمانان و مقابله با نحله‌های فکری انحرافی، از مهم‌ترین برکات و ثمرات منبر و وعظ و خطابه است.

پس از انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی قدس سره و خلف صالح ایشان، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی، آستان قدس رضوی با مدیریت فقیه عالی مقام، حضرت آیت‌الله واعظ طبسی دامت توفیقاته، ضمن بهره‌گیری از ظرفیت منبر و دعوت از سخنرانان برجسته، توانسته است پذیرای ۲۵ میلیون زائر و مجاور حریم رضوی باشد و به جایگاه والای عالی‌ترین پایگاه نشر معارف دینی دست یابد. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی در جهت بهره‌وری بیشتر از محتوای ارزشمند سخنرانی‌های ایرادشده در حرم مطهر رضوی، پس از

پژوهش، آن‌ها را فهرست‌برداری، مستندسازی و خلاصه‌نویسی کرده و با هدف بهره‌مندی هرچه بیشتر تشنگان معرفت، در قالب‌های مختلف ارائه می‌کند. به همین منظور، با هدف مستندسازی سخنرانی‌های ارزشمند سخنوران و به‌همت خادمان فرهنگی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، **مجموعه کتاب‌های مشکات** تهیه و تدوین شده است.

نوشتار حاضر با عنوان **خانم ولایت** و موضوع مهدویت در سخنرانی‌های ایرادشده در حرم مطهر رضوی، مجلد سوم از دوّمین مجموعه مشکات است که تقدیم ارادتمندان امام مهربانی‌ها، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌شود. امید است این اثر، مورد قبول مولا و ولی نعمت‌مان، حضرت ولی عصر علیه السلام و استفاده شما گرامیان قرار گیرد؛ ان شاء الله.

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی آستان قدس رضوی



ہفت سگاہ

خاتم ولایت

۱۱

فصل اوّل

مفہوم مہدویت

مهدویت؛ موضوعی کهن

مهدویت یک جریان کهن و ریشه‌دار است. حالا اگر نخواهیم دربارهٔ قبل از اسلام هم بحث کنیم، لااقل مهدویت، موضوعی نیست که با تولد امام‌زمان علیه السلام در سال ۲۵۵ق مطرح شده باشد. نه! سال‌ها قبل از ولادت ولی عصر علیه السلام، در سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و همهٔ ائمه علیهم السلام، موضوع امام‌زمان علیه السلام مطرح بوده است. آن قدر در این باره روایت داریم که حتی اهل سنت هم در کتاب‌هایشان موضوع مهدویت را آورده و انکار نکرده‌اند.

این تیمیه، خودش از تئورسین‌ها و متفکرانی است که وهابی‌ها خیلی از حرف‌هایشان را از او گرفته‌اند. او منکر بخش زیادی از عقاید است و در خیلی از جاها با شیعه مخالفت کرده است؛ اما با این وجود، در کتابی که با نام *منهاج السنه النبویه* نوشته، بحثی را به امام‌زمان علیه السلام اختصاص داده است. یعنی علی‌رغم عنادی که با شیعه دارد، نتوانسته است این موضوع را انکار کند!

حتی بعضی از دانشمندان اهل سنت کتابی مستقل راجع به امام‌زمان علیه السلام نوشته‌اند؛ مثل شافعی گنجی که کتابی به نام *البیان فی اخبار صاحب الزمان* نوشته است. بنابراین تقریباً قضیهٔ انکار امام‌زمان علیه السلام در میان مسلمین منتفی است. هم شیعه و هم سنی، ده‌ها کتاب در این رابطه نوشته‌اند و احادیث فراوانی نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله داریم؛ گرچه ممکن است اختلاف هم وجود داشته باشد. مثلاً بعضی از دانشمندان اهل سنت معتقدند که امام‌زمان علیه السلام هنوز متولد نشده‌اند! برخلاف بسیاری دیگر از اهل سنت و دانشمندان شیعه که ایشان را فرزند امام عسکری علیه السلام می‌دانند و معتقدند که بیش از هزار سال از تولد آن بزرگوار می‌گذرد. ممکن است این اختلاف وجود داشته باشد؛ اما اصل قیام و ظهور و اصل وجود حضرت حجت علیه السلام را کسی انکار نکرده است.

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر رفیعی، رواق امام خمینی رحمته الله علیه، ۸ مهر ۹۰



مهدویت چیست؟

مهدویت صفتی نسبی است؛ یعنی آنچه به نوعی به حضرت مهدی علیه السلام نسبت پیدا می‌کند. این امور ممکن است آموزه‌ها و اعتقادات باشند؛ یعنی آنچه ما درباره حضرت مهدی علیه السلام می‌دانیم؛ مثل: زندگی حضرت، غیبت حضرت، همچنین رفتارها و عمل‌ها و کردارهایی که به حضرت مهدی علیه السلام منتسب می‌شود؛ یعنی وظایف منتظران. این‌ها در مجموع می‌شود مهدویت. اینکه ما در مقابل حضرت باید چه کارهایی انجام دهیم و دشمنان در مقابل حضرت چه کارهایی انجام می‌دهند، می‌شود مهدویت.

مهدویت با این معنا، شامل دوران غیبت و دوران ظهور حضرت می‌شود؛ یعنی دورانی که امام حسن عسکری علیه السلام زندگی می‌کردند و نیز پس از شهادت ایشان و دوران امامت امام مهدی علیه السلام. این، می‌شود مهدویت.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، صحن جمهوری اسلامی، ۱۴ مرداد ۸۸

مهدویت؛ موضوعی فرامذهبی

مسئله مهدویت، یک مسئله فرامذهبی و فرادینی است. نمی‌خواهم در رابطه با فرادینی بودن مهدویت سخن بگویم؛ چراکه در آیین حضرت مسیح علیه السلام، یهود، زرتشت، بودایی و حتی هندویی و... موضوع منجی و مصلح کل طوری ترسیم شده است که غیر از وجود مقدس امام زمان علیه السلام هیچ راه دیگری ندارد. نکته مهم این است که حتی قبل از ولادت امام زمان علیه السلام صدها کتاب توسط علمای شیعه و سنی درباره ظهور ولی عصر علیه السلام و قیام و حکومت جهانی امام علیه السلام و صلح عالم‌گیر ایشان نگارش یافته است.

آیت‌الله حسینی قزوینی 'حفظه الله تعالی'، رواق شیخ طوسی رحمته الله علیه، ۲۸ آبان ۸۸



اعتقاد به مهدویت

موضوع مهدویت به‌عنوان یک مسئله مهم کلامی، از جنبه اعتقاد به وجود یک امام زنده غایب و منجی موعودی که در آینده قرار است جامعه جهانی را با تمام شمولش در معرض عدل و گسترش عدالت و خوبی‌ها قرار دهد، بخش ویژه‌ای از اعتقادات ما مسلمانان و پیروان مکتب تشیع را تشکیل می‌دهد.

این اعتقاد ما یک اعتقاد کلامی است، یک باور عقیدتی است؛ اما در همین موضوع مهدویت و اعتقاد به امام غائب، یکی از موضوعات بسیار مهم و اولویت‌دار، مسئله انتظار است.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۲۲ تیر ۹۲

خلاصه فصل اول

- * مهدویت یک جریان کهن و ریشه‌دار است.
- * آن قدر در این باره روایت داریم که حتی اهل سنت هم در کتاب‌هایشان موضوع مهدویت را آورده و انکار نکرده‌اند.
- * در آیین حضرت مسیح علیه السلام، یهود، زرتشت، بودایی و حتی هندویی و... موضوع منجی و مصلح کُل طوری ترسیم شده است که غیر از وجود مقدس امام‌زمان علیه السلام هیچ راه دیگری ندارد.
- * در همین موضوع مهدویت و اعتقاد به امام غائب، یکی از موضوعات بسیار مهم و اولویت‌دار، مسئله انتظار است.



فصل دوم

دلایل عقلی و نقلی وجود امام زمان

اعتقاد ادیان به مصلح جهانی

اعتقاد به وجود مصلح جهانی، فقط عقیده اسلامی نیست؛ بلکه شرایع دیگر مانند مسیحیت و یهود هم چنین عقیده‌ای دارند که بشریت، روزی باید به وسیله یک مرد مصلح جهانی اصلاح شود. شاهدش زیور و تورات است. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾

و درحقیقت، در زیور، بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد.»

در کتاب عهدین که قریب به دویست سال قبل، در لندن چاپ شده است، چنین آمده است: «زمین را صالحان وارث خواهند شد.»
این عیناً همان جمله‌ای است که آیه ۱۰۵ سوره مبارکه انبیاء می‌گوید.

حجت الاسلام و المسلمین سید ابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۲ تیر ۹۲

دلیل عقلی بر وجود امام زمان

۱. رسیدن به هدف نهایی از آفرینش انسان

ما قبول داریم که انسان، هدفمند آفریده شده است. فعلاً خطاب ما به مسلمانان و موحدان است. خداوند که ما را بی‌هدف نیافریده است. قرآن هم این مطلب را تصریح می‌کند. کتاب‌های آسمانی دیگر هم تصریح کرده‌اند. استدلال عقلی اگر یک بندش پاره بشود، مشکل به وجود می‌آورد. خداوند عزّ و جل همه ما را آفرید؛ هدفمند هم آفرید. هدف کجاست؟ آیا پیامبر اسلام ﷺ و انبیا علیهم السلام هدف هستند؟ امامان معصوم علیهم السلام هدف هستند؟

هدف، آخرین نقطه است. هدف نهایی آفرینش، آخرین نقطه زندگی و اوج کمال بشری است که آن، تحقق مدینه فاضله امام زمان ﷺ است. یعنی انبیا آمده‌اند و واسطه‌اند که انسان را حرکت داده و به امامت تحویل دهند. یازده امام آمده‌اند تا مردم را از انبیا تحویل بگیرند و به دوره امام زمان ﷺ برسانند؛ چون همه خوبی‌ها در آن دوره تحقق پیدا می‌کند.

آیت‌الله العظمی سبحانی 'حفظه الله تعالی'، صحن جمهوری اسلامی، ۱۹ مرداد ۸۷



۲. لازمه حکمت الهی

خداوند، حکیم و منظم است. نگاهی به ساختمان بدنت کن؛ در همه جایش نظم است. می دانی اگر رگ ها و مویرگ های بدن ما را جدا کنند و در کنار هم بگذارند، چندین هزار کیلومتر می شود؟! تمام این ها باز است و کار خودش را می کند؛ ولی گاهی رگ های قلب می گیرد و سکنه رخ می دهد. این نشان می دهد که این دستگاه چقدر دارای حساب و برنامه است. دانشمندان می گویند کبد ما سیصد نوع ماده سمی را خنثی می کند!

آیا خداوند حکیم و عادل است که این عالم را با این نظام آفریده، اجازه می دهد که بشر به این ظلم و بیدادگری و بی نظمی ادامه دهد یا سرانجام نماینده خودش را مبعوث می کند تا جهان را همان طور که از ظلم و جور پر شده است، پراز عدل و داد کند؟ عقل، بشارت می دهد؛ قرآن بشارت می دهد؛ روایات اسلامی و کتب اسلامی دیگر هم، همه بشارت این ظهور را می دهند.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی 'حفظه الله تعالی'، صحن جامع رضوی، ۲۴ مرداد ۸۷

منجی در ادیان مختلف

مسئله مهدویت در همه ادیان توحیدی: مسیحیت، یهودیت، اسلام و ... وجود دارد و یک مسئله قطعی است؛ اما نه به صورتی که ما معتقدیم؛ بلکه به صورت وجود یک منجی که می آید و در آینده جهان، وضع جوامع را بهتر می کند و هدایت های عمومی بیشتر و بهتری دارد. اما این انسان کیست؟ همان طور که ما معتقدیم و می گوییم، [این بزرگوار]، فرزند امام عسکری علیه السلام است. آن ها تطبیق می کنند بر عیسای پیامبر صلی الله علیه و آله و افراد دیگر؛ اما روشن ترین عقیده در باب مهدویت مربوط به شیعه است.

حجت الاسلام والمسلمین سید ابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۲ تیر ۹۲

روایات شیعه و سنی درباره ظهور

دردزمینه ظهور را روایات متواتر بی شماری از طرف سنی و شیعه نقل شده است. خیال نکنید در این مسئله، بین شیعه و سنی تفاوتی است. تنها این تفاوت است که ما می‌گوییم آن امامی که باید این پرچم را در تمام کره زمین برافرازد، الان زنده و در پشت پرده غیبت است و آن‌ها می‌گویند: «سَيُؤَلَّدُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ در آخر الزمان متولد می‌شود.»

اما همه معتقدیم که همان پیامبر ﷺ و از خاندان ایشان است و بعد از اینکه ظلم و ستم همه جا را فرا گرفته باشد، جهان را پیر از عدل و داد می‌کند.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی 'حفظه الله تعالی'، صحن جامع رضوی، ۲۴ مرداد ۸۷

امام زمان عجل الله تعالی فرجه در تفسیر قرطبی

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

یکی از بزرگان اهل سنت و شخصیت‌های برجسته و ارکان علمی آنان، قرطبی (صاحب تفسیر قرطبی)، از شخصیت‌های کم‌نظیر اهل سنت است و تفسیر او (تفسیر قرطبی) در نزد اهل سنت عصاره تفاسیر آنان تا قرن هفتم هجری است.

ایشان در جلد هشتم تفسیر خود، صفحه ۱۲۱، از قول سدی که خود از مفسران بنام عصر پیامبر ﷺ است، می‌گوید این آیه درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است که به هنگام ظهور او در کره زمین جز اسلام، هیچ دین دیگری حاکم نیست و [در زمان ایشان] در کره زمین و عرصه هستی، غیر از مسلمانان، از دیگر ادیان و تابعین آن‌ها خبری نیست.

آیت‌الله حسینی قزوینی 'حفظه الله تعالی'، رواق شیخ طوسی، ۲۴ مرداد ۸۷



خوش بینی و بدبینی درباره آینده بشر

بدبین‌ها معتقدند که [در حال حاضر] بشر در مسیر مادی‌گری سیر می‌کند. عالم ماده هم عالم جنگ و نزاع است؛ دائماً در میان بشر جنگ خواهد بود. مجامع بین‌المللی حقوق بشر، دموکراسی و امثال این موضوعات هم نه تنها مشکل را حل نمی‌کند؛ بلکه ابزاری می‌شود در دست جهان‌خواران که ملت‌های محروم را بیشتر در فشار قرار دهند. سرانجام کار به جایی می‌رسد که جنگ جهانی سوم شروع می‌شود و برخلاف جنگ جهانی اول و دوم، ابزار کشتار جمعی به اندازه‌ای زیاد است که می‌تواند تمام بشریت را نابود کند؛ بنابراین، سرانجام [دنیا]، تیره و تاریک و وحشتناک است.

گروه خوشبین‌ها برخلاف این پیش‌بینی می‌گویند بشریت از دنیای مادی و قوانین مادی خسته می‌شود. می‌بیند هیچ‌کدام از این‌ها مشکل او را حل نکرده‌اند؛ سرانجام به سوی ادیان الهی و پیام‌های آسمانی می‌آید. معنویت و اخلاق، حاکم می‌شود و صلح و عدالت جای جنگ و خون‌ریزی را خواهد گرفت.

سه وعده قرآن در زمان ظهور

خداوند در شش آیه از قرآن مجید، سه وعده به همه مسلمانان داده است. آیه اول، آیه پنج سوره مبارکه قصص است:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾

ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین ممت‌نهییم و آنان را پیشوایان [مردم] و وارثان روی زمین قرار دهیم!

نُرید، فعل مضارع است. [فعل مضارع] دلیل بر استمرار است. این آیه درباره بنی‌اسرائیل در مقابل فرعونیان است؛ اما چون به صورت فعل مضارع و مستمر بیان شده است، همه‌جا را شامل می‌شود. این آیه، بشارتی است برای همه مستضعفان تاریخ و نشان می‌دهد که سرانجام، حکومت عدل، همه‌جا را فرا می‌گیرد.

وعده دوم خداوند در دو آیه از قرآن مجید است: آیه ۱۰۵ سوره مبارکه انبیاء و آیه ۵۵ سوره مبارکه نور:



﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱
در زبور، بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث [حکومت]
زمین خواهند شد.»

و اما آیه ۵۵ سوره مبارکه نور:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ
مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ
هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^۲

خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند،
وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که
به پیشوایان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای
آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد کرد و ترسشان را به امنیت و
آرامش مبدل می‌کند، [آن چنان‌که] تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک
من نخواهند کرد و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن‌ها فاسقان هستند.
سومین وعده خداوند در سه آیه از قرآن مجید آمده است؛ ابتدا در آیه ۳۳ سوره
مبارکه توبه و آیه ۹ سوره مبارکه صف که می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ
كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه
دین‌ها غالب (پیروز) کند؛ هرچند مشرکان کراهت داشته باشند!
هدف نهایی این است که اسلام بر تمامی ادیان پیروز شود و همه ادیان در آن
ادغام شوند و بانگ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و «مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» همه دنیا را فرا گیرد؛
هرچند مشرکان، همان ماده پرستان، آن‌هایی که خدایشان پول است، نخواهند!
ولی خداوند وعده حتمی داده است که اسلام، همه جهان را خواهد گرفت.

آیه دیگر، باز هم همین مضمون را دارد:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ



۱. انبیاء، ۱۰۵.

۲. نور، ۵۵.

پَاللهِ شَهِيداً ۱۶

او کسی است که رسولش را با [قصد] هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه دین‌ها پیروز کند و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد. در این دو آیه، خداوند که به همه چیز قادر است، شهادت داده است که دین اسلام همه عالم را [دربر] خواهد گرفت.

این‌ها سه وعده الهی است: ۱. حاکمیت مستضعفان؛ ۲. حاکمیت مؤمنان صالح؛ ۳. حاکمیت اسلام بر تمام جهان. این‌ها بشارت‌های واضحی است که درباره حضرت مهدی علیه السلام و قیام ایشان، برای ما آمده است.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی 'حفظه الله تعالی'، صحن جامع رضوی، ۲۴ مرداد ۸۷



خلاصه فصل دوم

* اعتقاد به وجود مصلح جهانی، فقط عقیده اسلامی نیست؛ بلکه شرایع دیگر مانند مسیحیت و یهود هم چنین عقیده‌ای دارند که بشریت، روزی باید به وسیله یک مرد مصلح جهانی اصلاح شود.

* هدف نهایی آفرینش، آخرین نقطه زندگی و اوج کمال بشری است که آن، تحقّق مدینه فاضله امام زمان عج است.

* آیا خداوند حکیم و عادلّی که این عالم را با این نظام آفریده، اجازه می‌دهد که بشر با این ظلم و بیدادگری و بی‌نظمی ادامه دهد یا سرانجام نماینده خودش را مبعوث می‌کند تا جهان را همان‌طور که از ظلم و جور پر شده است، پراز عدل و داد کند؟

* روشن‌ترین عقیده در باب مهدویت مربوط به شیعه است.

* پنجمین آیه سوره مبارکه قصص، بشارتی است برای همه مستضعفان تاریخ و نشان می‌دهد که سرانجام، حکومت عدل، همه‌جا را فرا می‌گیرد.

* سه وعده الهی برای زمان ظهور: ۱. حاکمیت مستضعفان؛ ۲. حاکمیت مؤمنان صالح؛ ۳. حاکمیت اسلام بر تمام جهان.



فصل سوم

شناخت امام زمان
علیه السلام

حیات طیبه یا مرگ جاهلی؟

پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَأَنَّ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ
زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً^۱.

زمین [تا روز قیامت] از حجت الهی بر خلائق خالی نمی‌ماند و کسی که
بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

منظور از «إِمَامَ زَمَانِهِ»، امام معصوم علیه السلام است. [هر انسانی، در هر زمانی،] باید
حجت حق را بشناسد و بداند که او واسطه فیض است:

وَيُؤْمِنُهُ زُرْقُ الْوَرَى وَ يُؤْجُودُهُ تَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ^۲.

و به برکت او خلق روزی می‌خورند و به وجود او زمین و آسمان برجاست.

این شناختن هم، شناختن شناسنامه‌ای نیست! پدرش کیست؟ ازدواج کرده
یا نه؟ اولاد دارد یا ندارد؟ این‌ها مهم نیست و در معرفت، تأثیری ندارد. منظور از
این معرفت، معرفت به سیره و روش و منش اهل بیت علیهم السلام است که اگر مثل آن‌ها
زندگی کردیم، حیات ما حیات طیبه انسانی است و اگر مثل آن‌ها زندگی نکردیم،
منش ما منش جاهلی خواهد بود.

آیت الله خاتمی 'حفظه الله تعالی'، مدرسه پریزاد، ۶ فروردین ۹۲



۱. محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۴۶؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۴۲؛
محمدبن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه پهلوان، ج ۲، ص ۱۲۰.
۲. فرازی از دعای شریف عدیله: محمدباقر مجلسی، زاد المعاد، ص ۴۲۳؛ عباس قهی، مفاتیح الجنان، ص ۱۱۶.

کیفیت ولادت امام زمان علیه السلام

[شب پانزدهم شعبان] حکیمه خاتون خدمت امام حسن عسکری علیه السلام آمد و می‌خواست اوایل شب خداحافظی کند و برود. امام عسکری علیه السلام فرمودند: «امشب بمان!» حکیمه خاتون عرض کرد: «چرا بمانم؟!» حضرت علیه السلام فرمودند: «برای اینکه امشب، موعود مسعودی هست؛ خداوند تبارک و تعالی در امشب حجت را آشکار خواهد کرد و ولادت او در خانه من است.» حکیمه خاتون عرض کرد: «آقا جان، من هرچه نگاه می‌کنم، اثری نمی‌بینم! چه کسی این موعود مسعود را به دنیا می‌آورد؟!» امام علیه السلام فرمودند: «نرجس.» عرض کرد: «آقا جان، آثاری از بارداری در او نمی‌بینم!» حضرت علیه السلام فرمودند: «خدا خواسته است که بارداری او همچون حضرت موسی علیه السلام در شکم مادر پنهان بماند؛ چون دشمنان در انتظارند!» حکیمه می‌گوید: «من در خانه ماندم. آخر شب شد. بلند شدم تا نماز شب بخوانم؛ دیدم نرجس خاتون هم برای خواندن نماز شب بلند شد. هیچ آثاری از این موعود نمی‌دیدم...!»

روایت، نزدیک به این موضوع است. امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «عمه جان! شک و تردید به خودت راه نده؛ نزدیک است.» یک وقت دیدند مولودی سر به سجده گذاشته است و دارد این آیه را می‌خواند:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَىٰ آلِ الدِّينِ اسْتِضْعَافًا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الْأَوَارِيثَ﴾

و ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین ممت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] و وارثان روی زمین قرار دهیم!
یعنی اراده کرده‌ایم که مستضعفان دنیا را تقویت و امامان را خلفای زمین کنیم و [آن‌ها] وارث همه امکانات جهان شوند.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی 'حفظه الله تعالی'، صحن جامع رضوی، ۱۵ مرداد ۸۸

نَسَب و القاب امام زمان

پدر امام زمان علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام و مادر آن بزرگوار، جناب نرجس خاتون هستند. امام زمان علیه السلام یک اسم بیشتر ندارند که همان اسم معروف رسول خدا صلی الله علیه و آله است. [حضرت علیه السلام] دو کنیه دارند: «ابالقاسم» و «اباعبدالله». ما سه امام داریم که کنیه اباعبدالله دارند: امام حسین علیه السلام و امام صادق علیه السلام و امام مهدی علیه السلام.

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «کنیه امام زمان علیه السلام اباعبدالله است.»

[امام عصر علیه السلام] ۱ اسم، ۲ کنیه و ۱۸۲ لقب دارند. در *نجم الثاقب*، نوشته میرزا حسین نوری رحمته الله علیه که استاد مرحوم محدث قمی است، برای امام زمان علیه السلام ۱۸۲ لقب آورده شده است. مهدی، اسم امام زمان علیه السلام نیست؛ لقب ایشان است. قائم، منتظر، حجت، صاحب الزمان و... لقب های ایشان هستند. ۶۸ تا از لقب های امام زمان علیه السلام در دعای شریف ندبه آمده است.

امام زمان علیه السلام، سال ۲۵۵ قمری در سامرا متولد شدند و در سال ۲۶۰ قمری در حالی که پنج ساله بودند، پدرشان حضرت عسکری علیه السلام به شهادت رسیدند.

امام زمان علیه السلام تنها فرزند پدر و مادرشان هستند؛ یعنی نه خواهر دارند، نه برادر. ما دو امام داریم که خداوند به آن ها فقط یک فرزند داده است: امام رضا علیه السلام و امام عسکری علیه السلام.

حجت الاسلام و المسلمین عبدوس، صحن جامع رضوی، ۱۸ تیر ۹۰



ویژگی های امام

امام رضا علیه السلام که به مرو وارد شدند، خدمت ایشان عرض شد: «بعضی فکر می کنند که همین طوری می شود امام را انتخاب کرد و بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد!» امام رضا علیه السلام فرمودند: «آیا قدر امامت و جایگاه آن نسبت به امت را می شناسند تا [اختیار ایشان] در آن جایز باشد؟ همانا امامت از نظر قدر، بالاتر و شأنش بزرگ تر... از آن است که مردم با عقل های خود به آن برسند...» بعد فرمودند:

امام مونسی دلسوز، پدري مهربان، برادری همدل و از مادر به فرزندش مهربان تراست...^۱

امام، سمبل محبت است. خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله می فرماید: «پیامبر! تو می خواهی به خاطر مردم خودت را اذیت کنی؟! چقدر برای این ها غصه می خوری؟!»^۲ پیامبر صلی الله علیه و آله را اذیت می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمودند:

اللَّهُمَّ اِهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.^۳

خداوندا، قوم من را هدایت فرما؛ آن ها نمی دانند!

حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، صحن جمهوری اسلامی، ۱۴ مرداد ۸۸

۱. عزیزالله عطاردی قوجانی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۹.
۲. اشاره به کهف، ۶: «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا»؛ گویی می خواهی به خاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاک کنی، اگر به این گفتار ایمان نیاورند.
۳. قطب الدین سعید بن عبدالله راوندی، الخرائج و المراتب، ج ۱، ص ۱۶۴؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۸۳؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۱۱۸، ح ۱۷.

امام زمان علیه السلام؛ رحمت واسعه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «رَحْمَةٌ لِلْعَالَمِينَ» هستند؛ امام زمان علیه السلام هم همین طورند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ... وَالرَّحْمَةُ الْوَابِعَةُ... ۱.

سلام بر تو ای رحمت گسترده خداوند.

شاد از وی شو؛ مشواز غیر وی

السَّلَامُ عَلَى رِبِيعِ الْأَنْثَامِ... ۲.

سلام بر بهار مردمان...

در روایتی نورانی، امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

وَاللَّهِ أَنَا أَرْحَمُ بِكُمْ مِنْكُمْ يَا نُفُسَكُمْ. ۳.

به خدا سوگند، من از خودتان به شما مهربان‌ترم!

امام، این ویژگی را دارد. امام، مردم را به محبت و عدالت دعوت می‌کند؛ اما منفعت طلبان مگر آرام می‌نشینند؟ در مقابل امام علیه السلام می‌ایستند و حضرت مجبور است با آن‌ها درگیر شود. به تعبیر امام رضا علیه السلام، امام زمان علیه السلام امام مهربانی هستند؛ اما طبیعی است این امام با سران استکبار که زبانی جز زور و ظلم ندارند، به اجبار درگیر شوند.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، صحن جمهوری اسلامی، ۱۴ مرداد ۸۸



۱. احمدین علی طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۳؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱؛ محمدباقر مجلسی، زاد المعاد، ص ۵۴۱.

۳. قطب‌الدین سعیدبن عبدالله راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۲، ص ۷۱۴.

سبک زندگی امام زمان علیه السلام

سیره، یعنی سبک زندگی. هر نوع زندگی، سبک ندارد. اغلب مردم می آیند و می روند و زندگی می کنند؛ اما سبک ندارند. پیامبران بزرگ الهی علیهم السلام، امامان شیعه علیهم السلام، بزرگان دین ما و اولیای خدا سبک زندگی (روش زندگی) دارند که همیشه می شود از این روش استفاده کرد. به دور روایت در زمینه سبک زندگی امام زمان علیه السلام اشاره می کنم.

امام صادق علیه السلام درباره سبک زندگی امام زمان علیه السلام می فرماید:

أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ يَعْمَلَ فِيهِمْ بِعَمَلِهِ^۱.

متعهد می شود که در میان مردم سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله را جاری کند و خود

نیز به روش آن حضرت عمل کند.

سیره امام زمان علیه السلام همان سیره جدشان، رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ مانند پیغمبر صلی الله علیه و آله عمل می کنند. امام زمان علیه السلام مهربان هستند؛ مثل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دلسوزند. [حضرت علیه السلام]، کسانی را می گشند که به هیچ عنوان در مسیر هدایت قرار نمی گیرند و لجاجت دارند؛ و الا با کسانی که اهل منطق و هدایت اند، با منطق برخورد می کنند.

عبدالله بن عطاء مکی از امام صادق علیه السلام روایت کرده و می گوید:

سَأَلْتُهُ عَنْ سِيرَةِ الْمَهْدِيِّ كَيْفَ سِيرَتُهُ فَقَالَ يَصْنَعُ كَمَا [مَا] صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً^۲.

از آن حضرت (امام صادق علیه السلام) درباره سیره و روش حضرت مهدی علیه السلام پرسیدم که: «سیره او چگونه خواهد بود؟» حضرت علیه السلام فرمودند: «همان طور عمل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل کرد: آنچه پیش از او بود، نابود می کند؛ همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله جاهلیت را نابود کرد و [به این صورت] اسلام را از نو برپا می کند.»

الآن خیلی از چیزها بین ما مسلمانان جا افتاده است و به آن عمل می کنیم که جزء اسلام نیست!

حجت الاسلام والمسلمین عبدوس، صحن جامع رضوی، ۱۹ تیر، ۹۰.

۱. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۶۰؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصيرة المتعظین، ج ۲، ص ۲۶۵؛ محمدحسن بن شاه مرتضی فیض کاشانی، الوافی، ج ۲، ص ۴۶۸؛ ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان بغدادی (شیخ مفید)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ص ۳۴۲ تا ۳۵۳.
۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغيبة للنعمانی، ص ۲۳۱.

ولّی خدا؛ واسطه فیض

امروز، امام مهدی علیه السلام به عنوان امام عزیزی هستند که در بزنگاه‌ها هدایت می‌کنند؛ چنان‌که خداوند وقتی از فرشتگان سخن می‌گوید، آن‌ها را به عنوان مأمور و تدبیرگران اراده الهی می‌داند و می‌فرماید:

﴿فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا﴾

و آن‌ها که امور [بندگان] را تدبیر می‌کنند.

این‌ها مأمور دستگاه الهی‌اند. ولّی خدا کسی است که واسطه فیض الهی است؛ یعنی فیضی که خداوند می‌خواهد برساند، از طریق ولّی خداست و امروز امیر این درگاه، حضرت ولّی عصر علیه السلام هستند.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، صحن جمهوری اسلامی، ۱۴ مرداد ۸۸

داستان حضرت موسی علیه السلام و مُصاحب

در سوره مبارکه کهف، خداوند در داستان حضرت موسی علیه السلام با مُصاحب خودش، برای ما دو نوع ولی معرفی کرده است: ولّی ظاهر و ولّی پنهان. نمی‌دانیم این مُصاحب اسمش خضر است یا نه؛ ما می‌گوییم مُصاحب. در این سوره مبارکه، خداوند مَثان برای بشریت دو نوع ولی معرفی کرده است که یکی آشکار است؛ مثل حضرت موسی علیه السلام و دیگری هم مُصاحب موسی که گره‌گشاست؛ در بین مردم است: مردم او را می‌بینند؛ ولی نمی‌شناسند.

موسی بن عمران علیه السلام از خداوند مَثان حاجتی خواست؛ حالا بماند که آن حاجت چه بود. بالاخره خدا فرمود: «برو لب دریا؛ آنجا یکی از اولیای ما را ببین و از او آموزش بگیر!» داستان مفصل است. بالاخره آمد این مصاحب را لب دریا پیدا کرد. مصاحب گفت: «من فکر نمی‌کنم که شما تاب و توانایی کارهای مرا داشته باشی!» موسی علیه السلام فرمود: «قول می‌دهم که با شما باشم؛ اما اعتراضی نکنم و سخن نگویم.» سوار کشتی شدند. کشتی مملو از جمعیت راه می‌افتد. یک مرتبه، مُصاحب موسی، همان ولّی مخفی، این ولّی که در خدمت مستضعفان است و خود مسکینان او را نمی‌بینند، اما برایشان کار می‌کند؛ شروع کرد به سوراخ کردن کشتی. موسی علیه السلام نتوانست در مقابل این علم لدنی سکوت کند و فرمود: «این چه



کاری است؟! کشتی را سوراخ می‌کنی؟!»

مصاحب پاسخ داد: «من به شما گفتم که سکوت کن!» موسی علیه السلام گفت:

«چشم.»

آمدند یک جایی، دیدند دیواری درحال افتادن است. وارد آن باغ شدند. [صاحبان باغ] گفتند: «ما به شما چیزی نمی‌دهیم.» مصاحب گفت: «بیا برویم دیواری که درحال افتادن است، بسازیم!»

موسی علیه السلام فرمود: «این‌ها به ما آب و نان هم ندادند؛ حالا می‌خواهی خدمتشان کنی!» مصاحب باز گفت: «بنا بود که شما اعتراض نکنی؛ [اما حالا اسرار کارم را برایت می‌گویم...]: آن کشتی مال فقرا بود، وسیله ارتزاق آن‌ها بود. پیش روی این‌ها پادشاهی بود که هر کشتی زیبا و کاملی را می‌دید، غصب می‌کرد. من کشتی را معیوب کردم تا پادشاه غصب نکند و نان آن فقرا قطع نشود. خدا خواست من این کشتی را معیوب کنم تا مورد توجه نباشد!»

موسی علیه السلام پرسید: «دیوار را چرا چنین کردی؟!» مصاحب گفت: «زیر این دیوار، گنجی بود برای دو بچه یتیم. اگر دیوار افتاده بود، گنج را به یغما می‌بردند. خداوند امر کرد که من این دیوار را به پا دارم تا این گنج مخفی باشد و هر موقع ورثه بزرگ شدند، خودشان گنج را درآورند.»

معلوم می‌شود که خدا در عالم آفرینش تنها ولی آشکار ندارد؛ ولی پنهان و مخفی هم دارد که کار می‌کند، مستضعفان را نجات می‌دهد، فقرا را نجات می‌دهد؛ طوری که خودشان نمی‌بینند؛ حتی موسی علیه السلام هم [او را] نمی‌شناسد.

آیت‌الله العظمی سبحانی 'حفظه الله تعالی'، صحن جمهوری اسلامی، ۱۹ مرداد ۸۷

امام زمان علیه السلام؛ ولی پنهان

الان امام زمان علیه السلام از اولیای الهی هستند؛ در بین ما هستند، در جمع ما هستند. امام زمان علیه السلام در آسمان نیستند؛ در زمین‌اند، در بین بشرند؛ مانند مُصاحب حضرت موسی علیه السلام که در دل جامعه بود و کار می‌کرد.

همان طوری که این مُصاحب در خدمت مردم است و مردم نمی‌شناسند، امام زمان علیه السلام هم روزگار ما را، دین ما را، وضعیت ما را پیوسته ترمیم می‌کنند؛ ولی ما ایشان را نمی‌بینیم. خدمات امام برای ما روشن است؛ ولی توجه نداریم!

وقتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در صحبت‌هایشان به امر غیبت اشاره کردند، جابر بن عبدالله انصاری از حضرت صلی الله علیه و آله پرسید: «آیا شیعه از وجود قائم در مدت غیبتش، بهره‌مند می‌شود؟» رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «آری، سوگند به خدایی که مرا به نبوت برگزید، مردم از نور رهبری او در دوران غیبتش بهره‌مند می‌گیرند؛ همان‌گونه که از خورشید، هنگام قرارگرفتن پشت ابرها.»^۱

از امام صادق علیه السلام هم پرسیدند: «در زمان غیبت، مردم چگونه از امام غائب بهره‌مند می‌شوند؟» حضرت علیه السلام فرمودند: «همچنان که از خورشید، هنگامی که در پشت ابرهاست، بهره‌مند می‌شوند.»^۲

مردم خیال می‌کنند این آفتاب پشت ابر، بی‌اثر است! نه؛ آفتاب پشت ابر، از لابه‌لای ابر، نور و حرارت و گرما و انرژی خودش را می‌فرستد [و با این‌هاست که] درختان، سبز و جهان، روشن می‌شود. این پرده غیبت، بین ما و اوست؛ ولی او (امام زمان علیه السلام) در مقابل ما مانعی ندارد و ما را می‌بیند.

آیت‌الله العظمی سبحانی 'حفظه الله تعالی'، صحن جمهوری اسلامی، ۱۹ مرداد ۸۷

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۳: «أَنَّهُ سَأَلَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هَلْ يَنْتَفِعُ الشَّيْخَةُ بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَام فِي غَيْبَتِهِ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوَّةِ إِنَّهُمْ لَيَنْتَفِعُونَ بِهِ وَيَسْتَعِضُونَ بِنُورِ وِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَأَنْتَفَاعِ النَّاسِ بِالسَّمْسِ وَإِنْ جَلَّتْهَا السَّحَابُ.»

۲. محمدبن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۷.

شناخت؛ زمينه توجه به امام

به طور معمول، توجه و محبوبيت، تابع معرفت است؛ مگر در استثنائاتی که احساسات دخالت داشته باشد. هرچه شناخت ما درباره یک مسئله بیشتر شود، توجه ما به آن بیشتر می شود. مثال بزنم: ما چون آتش را شناخته ایم و می دانیم که می سوزاند، دستمان را نزدیک آن نمی بریم. از بچه مان هم مواظبت می کنیم که به آتش نزدیک نشود و نسوزد یا چون شناخته ایم که نتیجه افتادن در چاه، غرق شدن و مرگ است، دست بچه مان را می گیریم که در چاه نیفتد. اما گناه را شناخته ایم؛ برای همین، به گناه نزدیک می شویم! نمی دانیم گناه مثل آتش است! [درباره امام زمان علیه السلام هم همین طور است؛] چون امام زمان علیه السلام را شناخته ایم، به ایشان نزدیک نمی شویم و یادمان می رود و غافل می شویم!

یعنی چطور ایشان را بشناسیم؟ منظور این است که بدانیم پدرش کیست؟ برادرش کیست و...؟ نه؛ باید بفهمیم که حضرت علیه السلام چه نقشی در زندگی ما دارند. اگر بدانیم که روزیمان از راه امام زمان علیه السلام، به واسطه امام زمان علیه السلام می رسد و اگر بدانیم که همه خوبی های عالم از کانال وجود امام زمان علیه السلام به ما می رسد، قطعاً توجه مان به آن حضرت علیه السلام بیشتر خواهد شد!

حجت الاسلام والمسلمین سیدابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۲ تیر ۹۲

تالیفات زیاد درباره مهدویت

کتاب هایی که علمای شیعه و سنی درباره حضرت ولی عصر علیه السلام نوشته اند، از مرز ۱۱۴۵ تالیف گذشته است.

در کتب شیعه و سنی، بیش از سه هزار روایت در رابطه با امام زمان علیه السلام آورده شده است. در کدام یک از حوزه های معرفت اسلامی، این همه روایت دارید؟ این ها همه نشان می دهد که نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام برای نشر فرهنگ مهدویت، نهایت اهتمام را داشته اند. این بزرگواران علیهم السلام نهایت تلاش خود را کرده اند که موضوع مهدویت در فرهنگ اسلامی نهادینه شود؛ آن هم نه به صورت عادی؛ بلکه به صورتی که برای عموم، غیر قابل انکار باشد.

آیت الله حسینی قزوینی 'حفظه الله تعالی'، دارالحجه (رواق شیخ طوسی رحمته)، ۲۸ آبان ۸۸

خلاصه فصل سوم

* پیامبر اکرم ﷺ «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» هستند؛ امام زمان ﷺ هم همین طورند.
* امام صادق (ع) درباره سبک زندگی امام زمان ﷺ می فرماید: «متعهد می شود که در میان مردم سیره رسول خدا ﷺ را جاری کند و خود نیز به روش آن حضرت عمل کند.»

* سیره امام زمان ﷺ همان سیره جدشان، رسول خدا ﷺ است.
* ولی خدا کسی است که واسطه فیض الهی است؛ یعنی فیضی که خداوند می خواهد برساند، از طریق ولی خداست و امروز امیر این درگاه، حضرت ولی عصر ﷺ هستند.

* در سوره مبارکه کهف، خداوند در داستان حضرت موسی (ع) با مُصاحب خودش، برای ما دو نوع ولی معرفی کرده است: ولی ظاهر و ولی پنهان.
* الان امام زمان ﷺ از اولیای الهی هستند؛ در بین ما هستند، در جمع ما هستند. امام زمان ﷺ در آسمان نیستند؛ در زمین اند، در بین بشرند؛ مانند مُصاحب حضرت موسی (ع) که در دل جامعه بود و کار می کرد.

* رسول اکرم ﷺ فرموده اند: «...سوگند به خدایی که مرا به نبوت برگزید، مردم از نور رهبری قائم ﷺ در دوران غیبتش بهره می گیرند؛ همان گونه که از خورشید هنگام قرارگرفتن پشت ابرها.»

* ما چون آتش را شناخته ایم و می دانیم که می سوزاند، دستمان را نزدیک آن نمی بریم؛ اما گناه را شناخته ایم؛ برای همین، به گناه نزدیک می شویم! نمی دانیم گناه مثل آتش است! [درباره امام زمان ﷺ هم همین طور است؛ چون امام زمان ﷺ را شناخته ایم، به ایشان نزدیک نمی شویم و یادمان می رود و غافل می شویم!]



هفتکاه

خاتم ولایت

۳۷

فصل چهارم دشمنان مهدویت

شناسنامه وهابیت

وهابیت یکی از فرقه‌هایی است که در قرن هشتم هجری، در کشورهای اسلامی، به قصد ایجاد اختلاف به وجود آمد. تئوریسین وهابیت فردی است به نام: ابن تیمیه حُرّانی، متوفای ۷۲۸ ق. پس از ظهور افکار ابن تیمیه، علمای اهل سنت و شیعه با تمام وجود، در صحنه حاضر شدند و با افکار فاسد او مبارزه کردند و در کمتر از نیم قرن، افکار ابن تیمیه به فراموشی سپرده شد.

در قرن یازدهم و دوازدهم هجری قمری، استعمار بریتانیا برای اینکه دولت بزرگ و اسلامی عثمانی را در هم بکوبد و در میان کشورهای اسلامی تفرقه ایجاد کند، توطئه‌هایی را در خاورمیانه انجام داد.

در ایران، علی محمد باب را بزک کرده و فرقه کثیف و ضد دینی بهائیت را تأسیس کردند، در عراق اخباری‌گری را راه انداختند و در عربستان سعودی هم وهابی‌گری را احیا کردند. در این مرحله، فردی به نام محمد بن عبدالوهاب که وهابیت به نام او رقم خورده است، تحت تأثیر استعمار بریتانیا قرار گرفت و با کمک مستشاران نظامی انگلستان در جزیره العرب، حکومت وهابیت را تأسیس کرد. از همان زمان، تفرقه و تشّت و اختلاف، میان امت اسلامی، حتی میان اهل سنت اوج گرفت.

وهابی‌ها با مشرک خواندن تمام مسلمانان، اعم از شیعه و سنی، مسلمانان را قتل عام کردند، اموالشان را به عنوان غنائم جنگی تصاحب کردند و آن‌ها را با انواع شکنجه‌ها عذاب دادند؛ آثار اسلامی را در مکه و مدینه و کربلا و نجف نابود کردند، در کنار بیت الحرام خانه خدیجه کبری علیها السلام که مدت مدیدی محل جبرئیل و نزول وحی بود را ویران و به جای آن، سرویس‌های بهداشتی درست کردند! محل ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را هم ویران و به محل خرید و فروش حیوانات تبدیل کردند؛ همچنین ده‌ها خیانت دیگر را مرتکب شدند.

اهداف شوم وهابیت

یکی از اهداف شوم وهابیت این بوده است که [نام] اهل بیت عصمت و طهارت را از واژگان و قاموس اسلامی حذف کنند. ابن تیمیه حُرّانی، تئوریسین وهابیت و نظریه پرداز بزرگ آنان کتابی دارد به نام: *منهاج السنّة النبویة* که در آنجا، تاوانسته است در تنقیص امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام سخن

گفته است؛ به طوری که دربارهٔ امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعضی نسبت‌های ناروا و قبیح را داده است که حتی بزرگان اهل سنت مثل سقاف می‌گویند: «ما در ناصبی بودن ابن تیمیه شبهه‌ای نداریم.» او به صدیقۀ طاهره، حضرت فاطمه (علیها السلام)، با کمال وقاحت، نسبت نفاق می‌دهد! فاطمه‌ای که در شأنش آیهٔ تطیهر نازل شده است؛ در شأنش آیهٔ مباحله نازل شده است؛ در شأنش سورهٔ مستقلی به نام «هل ائی» نازل شده است! این‌ها در هر حوزه‌ای از حوزه‌های شیعی مطالبی بس وقیح و زننده دارند؛ به ویژه در رابطه با حوزهٔ مهدویت.

ابن تیمیه؛ منکر وجود امام زمان (علیه السلام)

ابن تیمیه و محمدبن عبدالوهاب، سخنان زیادی در رابطه با موضوع مهدویت دارند: منکر وجود مقدس حضرت ولی عصر (علیه السلام) و ویژگی‌هایی هستند که در منابع اسلامی دربارهٔ امام زمان (علیه السلام) وارد شده است؛ به طوری که «شیعیان را برای اعتقاد به مسئلهٔ سرداب و غائب شدن امام زمان (علیه السلام) در سرداب مقدس و نیز عقیده به مسائل مربوط به کیفیت ظهور و حکومت جهانی حضرت (علیه السلام) و مبارزه ایشان با مظاهر ظلم و فساد و استبداد، متهم به حماقت و بی‌عقلی می‌کنند!»^۱

روایت هیشمی

بسیاری از بزرگان اهل سنت مثل آقای «ابن حجر هیشمی مکی» متوفای ۹۷۴ق می‌گویند:

من انکر المهدی فقد کفر.^۲

هرکه منکر مهدی باشد، کافرست.

یعنی قضیه تا به اینجا رسیده است: انکار مهدویت، یعنی انکار یک اصل از اصول اسلام و انکار ضرورتی از ضروریات دین!

آیت الله حسینی قزوینی 'حفظه الله تعالی'، دارالحججه (رواق شیخ طوسی رحمه الله)، ۲۸ آبان ۸۸



۱. نک: منهاج السنه، ج ۱، ص ۴۴.

۲. قاضی محمدبن علی شوکانی، التوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر.

شبهه قتل عام

یکی از شبهه‌های وهابیت برای ایجاد تفرقه و تشکیل قومیت در جامعه اسلامی، این است که می‌گویند: «ای مردم، فردا که مهدی شیعیان بیاید، تمام عرب را از دم، قتل عام می‌کند! یکی از ویژگی‌های مهدی شیعیان این است که ظهورش برابر است با نابودی هرچه عرب در کره زمین!»

وهابی‌ها رفتند چند تا روایت ضعیف و دروغ را از اطراف جمع کردند؛ مخصوصاً آقای دکتر ناصرالدین غفاری که از لیدرهای وهابی عربستان سعودی است، در کتابش به نام *اصول مذهب الشیعه* که الان کتاب درسی دانشگاه مدینه است، روی این شبهه، حسابی مانور داده است.

در روایات متعدد داریم که هم شعیه و هم سنی نقل کرده‌اند:

تدخل العرب و العجم و اهل الحرب و الروم و غیرهم فی طاعته من غیر قتال^۱.

عرب و عجم، ستیزه‌جویان، رومیان و دیگران، بدون جنگ و درگیری، اطاعت او را گردن می‌نهند.

یکی از ویژگی‌های ظهور آقا امام زمان علیه السلام این است که تمام عرب و عجم، بدون آنکه جنگی صورت بگیرد، مطیع حجة بن الحسن علیه السلام می‌شوند و به لشکر امام زمان علیه السلام می‌پیوندند. این را چه می‌گویید؟!

حتی بزرگان شما مثل آقای متقی هندی در کتاب *کنز العمال*، این روایت را نقل می‌کنند. ما کدام سخن شما را بپذیریم؟ اینکه مهدی، تمام عرب را از بین می‌برد یا این روایت که تمام عرب، داخل در طاعت آقا امام زمان علیه السلام می‌شوند و پیرو فرامین آن بزرگوار خواهند شد؟!

امام زمان علیه السلام هم مثل رسول الله صلی الله علیه و آله «أَشِدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ» و «رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ»^۲ هستند.

یکی از آسیب‌هایی که به آن مبتلا شده‌ایم این است که همیشه امام زمان علیه السلام را با قهر و خشونت معرفی کرده‌ایم. گرفتن و کشتن، مال دشمن است؛ نه مال

۱. علاءالدین علی بن حسام (متقی هندی)، کنز العمال، ج ۲، ص ۲۶۱؛ معجم احادیث الانام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۱۹؛ سیدابن طاووس، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیه السلام، ص ۶۶؛ فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ترجمه سیدمرتضی فیروزآبادی، ج ۳، ص ۳۴۱.

۲. اشاره به آیه ۲۹ سوره مبارکه فتح.



دوست! چرا بعضی‌ها این اشتباه را می‌کنند؟! حتی درباره مسیحی‌ها هم در روایت داریم که کل عالم مسیحیت به امام‌زمان علیه السلام ایمان می‌آورد.

وقتی حضرت عیسی علیه السلام را پشت سر امام‌زمان علیه السلام می‌بینند، بسیاری از اهل‌کتاب، حتی مشرکین ایمان می‌آورند و یار امام‌زمان علیه السلام می‌شوند. بسیاری از فرقه‌های انحرافی، وقتی امام‌زمان علیه السلام را می‌بینند، انحراف را کنار می‌گذارند. ولی عصر علیه السلام فقط با کسی برخورد می‌کند که جلوی امام، مخالفت و مقاومت کند. یکی دیگر از شبهات آن‌ها این است که می‌گویند: «اگر حضرت مهدی علیه السلام بیایند، تمام مردم غیر از تعدادی شیعه، همه را از لب شمشیر می‌گذرانند. با آمدن مهدی، نسل بشر نابود می‌شود!»

البته مقداری هم از خطبا و مداحان گلایه کنم که وقتی می‌خواهند از حضرت مهدی علیه السلام سخن بگویند، همان اول حرف می‌روند سراغ شجاعت حضرت علیه السلام؛ مثلاً می‌گویند: «چنان کشتاری می‌کنند که تا زیر زانوی اسبشان را خون فرا می‌گیرد!»

چرا ما که چهل سال است در حوزه هستیم، این روایات را ندیده‌ایم؟ چرا بزرگانی چون شیخ مفید رحمته الله علیه، سیدمرتضی رحمته الله علیه، علامه حلی رحمته الله علیه و امثالهم که قبل از ما بودند، این روایات را ندیدند و در کتاب‌ها نیاوردند؟! این حضرات از کجا این روایات را بیرون می‌آورند که جز ضربه زدن به فرهنگ مهدویت، هیچ اثری در جامعه حتی شیعی ندارد؟!

به عکس، ما در روایات متعددی، آن‌هم از زبان خود رسول اکرم، محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله داریم که آقا ولی عصر علیه السلام می‌آیند و یکی از شاخصه‌های ایشان «رحمة للعالمین» است؛ مثلاً ایشان صلی الله علیه و آله از طرف خداوند متعال پس از بیان ویژگی‌های تک‌تک معصومان علیهم السلام، درباره امام‌زمان علیه السلام می‌فرمایند: «... و این [امامت] را با فرزندش (فرزند امام حسن عسکری علیه السلام) کامل می‌کنم که رحمت برای همه جهانیان است. در او کمال موسی و روشنی عیسی و صبر ایوب هست.»^۱

آیت‌الله حسینی قزوینی 'حفظه الله تعالی'، دارالحدیث (رواق شیخ طوسی رحمته الله علیه)، ۲۸، ۸۸

۱. محمد بن یقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۲۸؛ زین‌العابدین کاظمی خلخالی (محدث عاملی)، الجواهر السنیه (کلیات حدیث قدسی)، ص ۴۰۴: «... وَ أَكْمَلَ ذَلِكَ بِأَبْنِهِ مُحَمَّدٍ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَ نَبَاهُ عِيسَى وَ صَبْرُ أَيُّوبَ ...»

دشمنان و مبارزه با مهدویت

خواهران و برداران! دشمنان اسلام اصرار دارند که مسئله مهدویت را به عنوان یک فکر خرافی مطرح کنند! مسئله مهدویت باعث نشاط است؛ باعث امیدآوری و زنده بودن دل هاست؛ باعث حرکت و قیام است. آن‌ها می‌دانند که این مسئله برایشان خطرناک است؛ بنابراین می‌خواهند به آن، رنگ خرافی بدهند. برای این کار، در اطراف اعتقاد به وجود مهدی عج، یک مشت خرافات درست می‌کنند! بیدار باشید! این خرافات زائیده فکر دشمنان است که می‌خواهند تفکر ایمان به مهدی عج را از بین ببرند.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی 'حفظه الله تعالی'، صحن جامع رضوی، ۲۴ مرداد ۸۷

علت دشمنی غرب با مهدویت

چرا دشمنان با مهدویت مبارزه می‌کنند؟ چون اثراتش را فهمیده‌اند: فهمیده‌اند که مهدویت به معنای این است که امروز با ظلم و ستم همراه نشوید؛ چون فهمیده‌اند که اگر جامعه بخواد دچار رکود شود، مهدویت مخالف رکود و سستی است. متکبران عالم، جامعه‌ای می‌خواهند که حرکت نکند.

متأسفانه باید این درد را گفت که بیگانگان دانا و دوستان نادان، طوری مسئله مهدویت را مطرح کرده‌اند که افراد در دوران غیبت، وظیفه خودشان را انجام نمی‌دهند و در مقابل مستکبران عالم که ظلم را بر این‌ها تحمیل کرده و منافع آن‌ها را چپاول می‌کنند، سکوت می‌کنند.

کنفرانس تل‌آویو

بیگانگان، در فلسطین اشغالی در تل‌آویو، کنفرانسی به نام کنفرانس تل‌آویو گرفتند. در این کنفرانس عده زیادی جمع شدند؛ از جمله سید نصر شیعه‌شناس مثل «مارتین کرامر» و «برنارد لوئیس» که تألیفات زیادی هم دارند و بعضی‌هایش به فارسی ترجمه شده است. صاحب‌نظران جمع شدند؛ برای اینکه دو سؤال را پاسخ دهند.

سؤال اول: چرا مسلمانان، به‌ویژه شیعیان، دائماً قیام می‌کنند؟!

سؤال دوم: انقلاب اسلامی ایران، چطور پیروز شد؟



این‌ها آمدند این جواب‌ها را آوردند. جواب اول را که جواب خیلی مهمی است، قبلاً «فرانسیس فوکویاما» نظریه‌پرداز غربی، شاگرد «هانتینگتون» گفته بود. جواب این بود: علت اینکه شیعه، جنبش خیز است و این نگاه جنبش خیزانه را به عالم منتقل کرده است، دو نگاه است: نگاه اول، نگاه سرخ یا شهادت و نگاه دوم، نگاه سبز یا ظهور.

نگاه سرخ

[شیعیان] بر این باورند: خون ما که از خون امام حسین علیه السلام رنگین‌تر نیست؛ جان ما که از جان عزیز امام حسین علیه السلام و جان عزیزانی مثل علی اکبر علیه السلام عزیزتر نیست! خدا رحمت کند شهدای ما را! افرادی فرزندانمان را به جبهه می‌فرستادند و بعد می‌گفتند: «پسر من که از علی اکبر امام حسین علیه السلام عزیزتر نیست!» خواهر شهیدی می‌گفت: «مگر برادر من از برادر حضرت زینب علیها السلام بالاتر است؟!» این‌ها خودشان را با امام حسین علیه السلام مقایسه می‌کنند. همان حرفی که رهبر هند، «گاندی» گفت که: «من فقط به یک درس حسین بن علی علیه السلام عمل کردم و آن عزتش بود و توانستم هند را به استقلال برسانم.»

نگاه سبز

نگاه سبز یعنی چه؟ یعنی امید؛ یعنی آینده روشن؛ یعنی اینکه در نگاه شیعه، آینده کاملاً روشن است. شیعه و سنی می‌دانند که آن حضرت صلی الله علیه و آله از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام هستند. در روایتی از ام سلمه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

الْمَهْدِيُّ مِنْ عَنَّتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ^۱

مهدی از عنترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

اهل سنت هم این را قبول دارند؛ اما فرقی این است که در نگاه شیعه، سخن از امامی است که به دنیا آمده است و در طول تاریخ، جلوه‌گری و هدایت و محبت او و در بزنگاه‌ها دست مقدسش را دیده‌ایم.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، صحن جمهوری اسلامی، ۱۴ مرداد ۸۸

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، ج ۲، ص ۴۳۸؛ فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ترجمه سیدمرتضی فیروزآبادی، ج ۳، ص ۳۳۱، نقل از مستند الامام احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۷.

روش های مقابله دشمنان با پیامبران و عدالت

دشمن وقتی مسئله مهدویت را جدی ببیند، در مقابلش موضع گیری می کند. با خود حضرت مهدی علیه السلام مشکل دارند؛ چنان که با حضرت موسی علیه السلام، چنان که با پیامبر گرامی خودمان، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله مشکل داشتند. پیامبران علیهم السلام نیامدند که جنگ را شروع کنند. این تهمت است که بیگانان به ساحت مقدس پیامبران علیهم السلام و اولیای خدا زدند؛ آغازگر جنگ، همیشه دشمنان بوده اند.

دشمن دید تفکر مهدوی قرار است عدالت را مطرح کند و در مقابل ظلم و ستم آن ها بایستد؛ بنابراین، قبل از اینکه امام متولد بشود، این ها برنامه ریزی داشتند که جلوی تولد ایشان را بگیرند؛ چنان که برای حضرت موسی علیه السلام این کار را کردند. برای حضرت ابراهیم علیه السلام هم این کار را انجام دادند. دنبال این بودند که نگذارند حضرت مهدی علیه السلام به دنیا بیایند؛ چه جاسوسانی گماردند تا این عزیز متولد نشود؛ ولی خداوند اراده کرد که حضرت مهدی علیه السلام متولد و حفظ شوند. الان هم مستکبران عالم آماده شده اند برای اینکه ظهور این ولی خدا تحقق پیدا نکند.

راه های مقابله با تفکر مهدوی

۱. انکار موضوعات مهم مانند اصل مهدویت

وقتی دشمنان و مستکبران عالم، تفکر مهدویت را مقابل خودشان می بینند، در برابر آن، چهار رفتار را انجام می دهند:

اول اینکه شروع می کنند به انکار کردن اصل مهدویت! می گویند اصل مهدویت دروغ است؛ درحالی که در تمام ادیان وعده آمدن مردی الهی مطرح شده است! در دین اسلام، هم شیعه و هم اهل سنت، از زبان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله روایت دارند که فرموده اند:

أَبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ...^۱

شما را به ظهور مهدی مژده می دهم....

روش دشمن انکار است؛ چنان که در طول تاریخ دستاوردهای انقلاب را انکار کردند! علومی که مسلمانان به عالم عرضه کردند: رازی ها، جابرین حیان ها، ابوعلی سیناها و... که به عالم عرضه کردند؛ [دشمنان] همه این علوم را انکار می کنند.

۱. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، ج ۲، ص ۴۷۱؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ترجمه سیدمرتضی فیروزآبادی، ج ۳، ص ۳۳۶، به نقل از مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۲۷.

می بینید در بازی ها و فیلم ها و انیمیشن هایشان، این ها را استناد می دهند به دانشمندان خودشان! تعبیر را تغییر می دهند و بعد از مدتی، اصلاً فراموش می شود که ریشه این تعابیر از کجا بوده است! همه این ها مدیون مسلمانان هستند.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر جعفری، صحن جمهوری اسلامی، ۱۴ مرداد ۸۸

اصولاً هر چیز که مهم باشد، [مخالفان] سعی می کنند یا انکارش کنند یا خرابش کنند! اول سعی می کنند که انکار کنند؛ مثلاً قضیه غدیر، قضیه بسیار مهمی است؛ ولایت امیرالمؤمنین، ولایت ائمه علیهم السلام است؛ جانشینی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله است. اول خواستند اگر بشود، انکارش کنند و بگویند چنین چیزی نبوده است! وقتی دیدند نمی شود انکار کرد؛ چون صدها صحابی پیغمبر صلی الله علیه و آله این را گزارش کرده اند، آمدند دستکاری اش کردند! گفتند: «در 'من کنت مولاه'، کلمه 'مولی' به معنای سرپرست [و ولی] نیست!» در معنای واژه دست بردند. وقتی دیدند اصلش را نمی شود انکار کرد؛ سعی کردند یک طوری جریان غدیر را کم رنگ کنند. این کار خطرناکی است!

حجت الاسلام و المسلمین دکتر رفیعی، رواق امام خمینی رحمته الله علیه، ۸ مهر، ۹۰

۲. تخریب

دومین کاری که دشمن انجام می دهد، تخریب است. چهره پیامبر صلی الله علیه و آله را در قرآن نگاه کنید؛ برادران! خواهان! قرآن بخوانید:

﴿...فَأَقْرَهُوْا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ...﴾

...هر چه برایتان میسر است، قرآن بخوانید...

در ترجمه و تفسیر قرآن تأمل کنید. ببینید چه تهمت هایی به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله زدند؛ ساحر گفتند، مجنون گفتند، کذاب و دروغ گو گفتند! ببینید الان در غالب فیلم ها و بازی ها، مسلمان ها را در عالم چطور معرفی می کنند! تمام جنایت کاران عالم جمع شده اند و بالاترین جنایت ها را انجام می دهند؛ آن وقت از حقوق بشر سخن می گویند!

چهره اسلام را، چهره مسلمانان را، چهره ایران را، چهره شیعه را تخریب می کنند! چهره اهل بیت علیهم السلام را تخریب می کنند! مگر این نگاهی که امام زمان عجل الله فرجه را سمبل خشونت و شمشیر معرفی می کند، چیزی جز توهین به امام زمان عجل الله فرجه است؟!

۳. تحریف

کار سوّم دشمن، تحریف است؛ یعنی می‌آید در مقابل امام زمان علیه السلام و در مقابل اسلام، واژه‌ها را تغییر می‌دهد؛ معناها را بی‌هویت می‌کند؛ شروع می‌کند به وارد کردن خرافه؛ شروع می‌کند به وارد کردن بدعت.

انتظار به معنای زمینه‌سازی است. انتظار یعنی رصد کردن امام؛ یعنی ببینی امام از تو چه می‌خواهد؛ اما دشمن می‌آید این انتظار را این‌گونه معرفی می‌کند و معنایش را این‌طور عوض می‌کند که انتظار یعنی صبر کنیم تا امام زمان علیه السلام خودش بیاید و کارها را درست کنند! یعنی به جای اینکه من وظیفه‌ام را انجام بدهم، به این فکر می‌کنم که حضرت علیه السلام بیاید و خودش کارها را درست کند! معنا و مفهوم، کاملاً تغییر می‌کند؛ این می‌شود تحریف!

۴. جایگزین‌سازی

کار چهارمی که دشمن انجام می‌دهد، جایگزین‌سازی است؛ یعنی می‌آید در مقابل طلای ناب، بدل درست می‌کند: در مقابل پیامبران، پیامبر دروغین را مطرح کردند! مُسیلمه‌ها پیدا شدند! الان نگاه کنید در ایران و غیر ایران چه آدم‌هایی آمده‌اند که ادعاهای متفاوتی هم دارند؛ مثلاً خود را به‌عنوان منجی یا به‌عنوان کسی مطرح می‌کنند که ارتباط ویژه با امام زمان علیه السلام دارد! بدانید این‌ها دروغ است.

صورت بعدی جایگزین‌سازی، کسانی هستند که مسیر علمی را نرفته‌اند؛ ولی خود را به‌جای علما و مراجع قرار می‌دهند! شاید از رو هم بلد نباشند قرآن را بخوانند یا می‌توانند بخوانند؛ اما گمراهانه تفسیر و تبیین می‌کنند! [بعضی هم] خودشان را به‌عنوان پاسخ‌گوی دین معرفی می‌کنند که این هم باطل است؛ چون اهل بیت علیهم السلام فرموده‌اند: «به علمایی مراجعه کنید که دین‌دار هستند.»

در صورت بعدی، امروزه در جهان، غرب خودش را به‌عنوان نجات‌بخش بشریت معرفی می‌کند؛ گرچه دوره این حرف‌ها تمام شده است! در خود غرب، اندیشمندان بسیاری هستند که پایان لیبرال‌دموکراسی را اعلام کردند. همین را بگویم که غرب با این همه ادعای مردمی بودن، با این همه ادعای لیبرالیسم، برگشته به دوران چنگیز مغول! با جنگ و خون‌ریزی وارد کشورها می‌شود؛ این یعنی پایان لیبرالیسم.



خلاصه فصل چهارم

* کتاب‌هایی که علمای شیعه و سنی درباره حضرت ولی عصر علیه السلام نوشته‌اند، از مرز ۱۱۴۵ تألیف گذشته است.

* در کتب شیعه و سنی، بیش از سه هزار روایت در رابطه با امام‌زمان علیه السلام آورده شده است.

* وهابیت یکی از فرقه‌هایی است که در قرن هشتم هجری، در کشورهای اسلامی، به قصد ایجاد اختلاف به وجود آمد. تئوریسین وهابیت فردی است به نام: ابن تیمیّه حُرّانی، متوفای ۷۲۸ ق.

* یکی از اهداف شوم وهابیت این بوده است که [نام] اهل بیت عصمت و طهارت را از واژگان و قاموس اسلامی حذف کنند.

* بسیاری از بزرگان اهل سنت مثل آقای «ابن حجر هیثمی مکی» متوفای ۹۷۴ ق می‌گویند: «من انکر المهدی فقد کفر؛ هر که منکر مهدی باشد، کافرست.»

* یکی از ویژگی‌های ظهور آقا امام‌زمان علیه السلام این است که تمام عرب و عجم، بدون آنکه جنگی صورت بگیرد، مطیع حجة بن الحسن علیه السلام می‌شوند و به لشکر امام‌زمان علیه السلام می‌پیوندند.

* یکی از آسیب‌هایی که به آن مبتلا شده‌ایم این است که همیشه امام‌زمان علیه السلام را با قهر و خشونت معرفی کرده‌ایم. گرفتن و کشتن، مال دشمن است؛ نه مال دوست! دشمنان اسلام اصرار دارند که مسئله مهدویت را به عنوان یک فکر خرافی مطرح کنند! مسئله مهدویت باعث نشاط است؛ باعث امیدواری و زنده بودن دل هاست؛ باعث حرکت و قیام است. آن‌ها می‌دانند که این مسئله برایشان خطرناک است؛ بنابراین می‌خواهند به آن، رنگ خرافی بدهند.

* چرا دشمنان با مهدویت مبارزه می‌کنند؟ چون اثراتش را فهمیده‌اند: فهمیده‌اند که مهدویت به معنای این است که امروز با ظلم و ستم همراه نشوید؛ چون فهمیده‌اند که اگر جامعه بخواد دچار رکود شود، مهدویت مخالف رکود و سستی است. متکبران عالم، جامعه‌ای می‌خواهند که حرکت نکند.

* علت اینکه شیعه، جنبش خیز هست و این نگاه جنبش‌خیزانه را به عالم منتقل کرده است، دو نگاه است: نگاه اول، نگاه سرخ یا شهادت و نگاه دوم، نگاه سبز یا ظهور.

* در روایتی از امّ سلمه، پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «الْمَهْدِيُّ مِنْ عَثْرَتِي مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ؛ مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.»

* دشمن دید تفکر مهدوی قرار است عدالت را مطرح کند و در مقابل ظلم و ستم آن‌ها بایستد؛ بنابراین، قبل از اینکه امام متولد بشود، این‌ها برنامه‌ریزی داشتند که جلوی تولد ایشان را بگیرند؛ چنان‌که برای حضرت موسی عليه السلام این کار را کردند.

* راه‌های مقابله دشمنان با تفکر مهدوی عبارت‌اند از: ۱. انکار موضوعات مهم مانند اصل مهدویت؛ ۲. تخریب؛ ۳. تحریف؛ ۴. جایگزین‌سازی.

* اصولاً هر چیز که مهم باشد، [مخالفان] سعی می‌کنند یا انکارش کنند یا خرابش کنند!



هفتکاه

۴۹

خاتم ولایت

فصل پنجم

آسیب شناسی بحث مهدویت

بدل برای چیزهای باارزش

یکی از مسائلی که باید به آن توجه کرد، بحث آسیب‌ها یا مشکلاتی است که در بحث مهدویت پیش می‌آید. یکی از این آسیب‌ها این است که همیشه در مقابل طلای ناب و یک امر باارزش، بدل درست می‌کنند. همیشه یک سری اموری مثل طلا، مثل مسائل ارزشمند، بدلیجاتی هم دارد و افرادی می‌آیند بدل آن‌ها را درست می‌کنند و درواقع بدلی را به جای اصل آن به دیگران عرضه می‌کنند و اگر کسی تشخیص ندهد، ممکن است به سمت خطا و اشتباه برود. معمولاً هم برای چیزهایی باارزش بدل درست می‌کنند.

اگر فرض کنیم یک چیزی بی‌ارزش باشد و قیمت پایینی داشته باشد که نمی‌آیند زحمت بدل‌سازی آن را به خودشان بدهند؛ اما وقتی یک امر، مهم است، تقلبی‌اش را درست می‌کنند. درباره مهدویت هم، به همین صورت است.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، صحن جمهوری اسلامی، ۶ تیر ۹۲

مدعیان در عصر غیبت

مردم تشنه وجود حضرت‌اند. وقتی مردم تشنه یک متاع خالص شدند، افراد سودجو، نادرست و تقلبی‌اش را درست می‌کنند و به بازار می‌آورند. یکی ادعا می‌کند من «سید حسنی» هستم! دیگری می‌گوید من نماینده خاص امام‌زمان علیه السلام هستم! یکی می‌گوید به من مأموریت داده‌اند که بیایم به شما مراجع دستور بدهم! نامه می‌نویسند که دستور داریم به شما دستور بدهیم! بعضی‌هایشان کارهایی می‌کنند که واقعاً مضحک و شرم‌آور است.

گروهی از آن‌ها را در تهران دستگیر کردند. این‌ها می‌رفتند در کوه‌های اطراف تهران، یک کعبه درست می‌کردند و دورش طواف می‌کردند؛ بعد هم می‌گفتند: «همه‌مان حاجی شدیم!» روزی قرار می‌گذاشتند برای بخشیدن سیادت؛ آن رئیس گمراهان، شال سبزی می‌گرفت و دور کمر هرکسی می‌بست، سید می‌شد!

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی 'حفظه الله تعالی'، صحن جامع رضوی، ۲۴ مرداد ۸۷



دجال‌های آخرالزمان

در [روایات] داریم که در آخرالزمان، دجال‌ها می‌آیند؛ نه یک دجال! دجال در لغت عرب، یعنی دروغ‌گو. متأسفانه بعضی از جوانان عزیز مجذوب این‌ها می‌شوند؛ بعداً معلوم می‌شود چقدر مردم را سرکیسه کرده‌اند و چه کارهای خلاف اخلاقی مرتکب شده‌اند! مراقب این دجالان باشید.

دجالانِ دیگر، این ماهواره‌ها و سایت‌های اینترنتی فاسد هستند: فریب‌کارند؛ دروغ‌گویند. دینتان را تنها از کسانی بگیرند که شناخته شده‌اند؛ یعنی عالمان باتقوای آگاه به زمان و آگاه به مطالب قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی 'حفظه‌الله‌تعالی'، صحن جامع رضوی، ۲۴ مرداد ۸۷

تطبیق نادرست علائم ظهور

یکی از جریان‌هایی که مهدویت را دچار آسیب می‌کند، مسئله تطبیق‌های نادرست در علائم و نشانه‌های ظهور است. تطبیق یعنی چه؟ مثلاً ما حدیث داریم که قبل از قیام امام زمان علیه السلام سید حسنی باید قیام کند. این درست است و ما هم منکرش نیستیم؛ اما اینکه این حدیث را به کسی تطبیق بدهیم که سید حسنی کیست، ما نمی‌دانیم! نه در روایت مشخصات دقیق آمده و نه ما حق داریم که این کار را بکنیم یا بگوییم: فلانی دجال است! فلانی سید حسنی است! نه. علائم و نشانه‌های ظهور دو قسم است: ۱. علائم حتمی؛ ۲. علائم غیر حتمی.

خیلی‌ها غیر حتمی است؛ یعنی اگر تحقق پیدا کند، به معنای این نیست که قیام حتماً صورت می‌گیرد؛ [این‌ها] نشانه است. به عبارت دیگر، بعضی از علائم ظهور، متصل به ظهور نیست؛ یعنی ممکن است اتفاق بیفتد و سیصد سال بعد از آن، ظهور رخ دهد؛ مثلاً گفته‌اند: «سقوط بنی عباس از نشانه‌های ظهور است.»

خب بنی عباس هفتصد سال است که سقوط کرده است؛ این، دلیل نمی‌شود. بعضی از علائم هم حتمی است؛ دو سه تا هم بیشتر نیست؛ مثل خروج سفیانی و دجال و سید حسنی. اما اینکه این‌ها چه افرادی هستند و کجا و چه ساعتی خروج می‌کنند را نمی‌دانیم؛ بنابراین سی‌دی‌هایی که به این اسم تولید می‌شود و جلساتی که عده‌ای به اسم تطبیق علائم و نشانه‌های ظهور، با آن دکان باز می‌کنند، یک انحراف است. من کتاب‌هایی دارم که متأسفانه در بعضی‌هایش این مطالب آمده است! این‌ها درست نیست و ما حق نداریم دنبالش برویم. به ما گفته‌اند که به جای این‌ها، دنبال وظایفمان در زمان غیبت بگردیم؛ این‌ها خودبه‌خود تحقق پیدا می‌کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رفیعی، رواق امام خمینی رحمته، ۸ مهر ۹۰



تکذیب کنید!

دو چیز را در زمان غیبت، محکم تکذیب کنید: ۱. تعیین وقت؛ ۲. ادعای رؤیت.

۱. تعیین وقت

ممکن است کسی بیاید و بگوید فلان سال، سال ظهور است! از کجا می‌گوید؟! در خواب دیده است! مگر خواب برای ما پیام شرعی می‌آورد؟! مگر حجت را ثابت می‌کند؟! من کتابی دارم؛ آقایی به من داده است. در آن کتاب، نویسندهٔ محترم که متأسفانه بی‌احتیاطی کرده است، می‌گوید فردی آقا ولی عصر علیه السلام را در خواب دید و گفت: «آقا! قیام شما را در چه سالی می‌بینیم؟» آقا فرمودند: «آن سالی که سپتامبر اتفاق می‌افتد!» بعد دیدم نویسنده هم از خودش تحلیلی گذاشته که منظور آن، حادثهٔ یازده سپتامبر است و آن سال را به‌عنوان سال ظهور امام زمان علیه السلام معرفی می‌کند! حُب، از حادثهٔ یازده سپتامبر، چند سال است که گذشته و تمام شده است؛ اما ظهور پیش نیامد. این‌ها عقاید مردم را سست می‌کند. شما براساس یک خواب، کتاب می‌نویسید؟! با عقاید مردم بازی می‌کنید! مگر می‌شود یک نفر با خواب بیاید و مسئلهٔ مهمی را اثبات کند؟!

گفته‌اند: «کسی حق ندارد [برای ظهور] وقت تعیین کند.» بله، فلان مرجع فرموده‌اند: «پیرمردهای ما هم امید ظهور داشته باشند.» این، حرفِ درستی است؛ همه باید امید ظهور داشته باشند. باید آن قدر امید ظهور داشته باشیم که بگوییم ان شاء الله همین جمعه اتفاق بیفتد؛ اما آیا می‌توانیم بگوییم که [حتماً] این جمعه اتفاق می‌افتد؟! نه نمی‌توانیم؛ امید داشتن به ظهور، غیر از تعیین زمان برای ظهور است.

آن مرجع بزرگوار [، مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت رحمته الله] فرموده‌اند: «همه امید داشته باشند.»

از زمان غیبت کبری که سال ۳۲۹ ق شروع شده است تا الان که بیش از ۱۱۰۰ سال می‌گذرد، علمای ما منتظر بوده‌اند. شما ببینید، شیخ طوسی رحمته الله کتاب غیبت را هزار سال پیش نوشته است؛ همچنین کتاب غیبت نعمانی و کتاب شیخ مفید رحمته الله و دیگر آثار علما. از آن زمان، خیلی از افراد هم از دنیا رفتند؛ اما منتظر بودند. اینکه کسی برای ظهور، وقت تعیین کند، یک آسیب است.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر رفیعی، رواق امام خمینی رحمته الله، ۸ مهر، ۹۰

۲. ادعای رؤیت

فردی ادعای رؤیت می‌کند که ولی عصر علیه السلام آمدند خانه ما یا فلان جا نور سبز دیدیم! این حرف‌ها اگر هم برای کسی اتفاق بیفتند، تجربه شخصی است؛ حق تبلیغ و ترویج و بازکردن دفتر دستک و دکان ندارد. در همین کشور، در مجله، دستخط به نام امام زمان علیه السلام چاپ کرده‌اند! این جایز نیست.

بحث ملاقات در عصر غیبت، یک بحث کلامی است. جناب شیخ مفید رحمته الله علیه می‌فرمایند: «امکان ندارد.» جناب شیخ طوسی رحمته الله علیه می‌فرمایند: «امکان دارد.» هر کدام هم ادله‌ای دارند. ما با فهم قاصرمان معتقدیم که در عصر غیبت کبری ملاقات امکان دارد؛ ولی با شرایطی. یکی از این شرط‌ها پاکی و تقواست: آن‌هایی که توفیق دیدار پیدا می‌کنند، در بوق و کرنا نمی‌کنند. باید سید بحر العلوم رحمته الله علیه بود که ضرب‌المثل تقواست؛ باید مقدس اردبیلی رحمته الله علیه بود که آدم برای تقوای او قسم می‌خورد. این‌ها توفیق تشریف پیدا می‌کنند؛ [نه هرکسی].

اعتقاد به دو ظهور!

ما دو ظهور نداریم؛ یکی ظهور صغری و یکی ظهور کبری! پشت این تحلیل انحرافی، یک جریان انحرافی است. ظهور صغری و ظهور کبری [را به دروغ] درست کرده‌اند! می‌گویند در ظهور صغری، عده‌ای خاص می‌توانند محضر امام زمان علیه السلام تشریف پیدا کنند و در ظهور کبری همه می‌توانند آقا را ببینند! این یک انحراف بین (آشکار) و به تعبیر صریح‌تر گمراهی محض است؛ این خلاف همه معارف محکم در باب غیبت کبری است.

هیچ‌کس این را نگفته است؛ منحرفان گفته‌اند! دلیل حساسیت روی این حرف این است که این شیوه، شیوه مدرن رویارویی با نائب امام زمان علیه السلام است. وقتی که می‌گویند ظهور صغری هست؛ یعنی در این عصر، عده‌ای می‌توانند به‌طور مستقیم با آقا در ارتباط باشند. بعدش چه! بعدش هم اینکه دیگر لازم نیست از نائیش حرف شنوی داشته باشند!

آیت‌الله خاتمی 'حفظه الله تعالی'، صحن جامع رضوی، ۶ مرداد ۹۰



علل به وجود آمدن مدعیان

بعد از بررسی معلوم می‌شود که بعضی از این مدعیان، اصلاً مشکل روحی روانی ندارند. بعضی از آن‌ها هم فسادهای اقتصادی و اخلاقی و سیاسی داشته‌اند. مدعیان دروغین از کجا پیدا می‌شوند؟ چرا عده‌ای جذب این‌ها می‌شوند؟

عامل اول: مشکلات روحی روانی

خوش بینانه‌اش این است که بگوییم یکی از عواملی که باعث می‌شود افرادی ادعاهای مختلف بکنند، مشکلات روحی روانی است. این هم مخصوص ایران نیست. در کشورهای دیگر هم افرادی داریم که به علت بیماری‌ها و عقده‌های مختلفی که دارند و برای اینکه این عقده‌ها و حقارت‌ها را برطرف کنند، گاهی وقت‌ها دچار توهم می‌شوند. یکی از روان‌شناسان ایران که زمانی هم رئیس انستیتوی روان پزشکی بود، این‌طور مطرح می‌کرد که: «همکاران ما که روان پزشک هستند، بعضی وقت‌ها هفته‌ای چند مریض دارند که دچار چنین توهمات می‌شوند!» یکی خودش را پیامبر می‌داند! یکی خودش را امام می‌داند! یکی خودش را مالک اشتر امام می‌داند!

بیرون از ایران هم [از این اتفاق‌ها داریم؛] حتی گاهی وقت‌ها فردی مذهبی هم نیست؛ اما دچار این بیماری‌ها می‌شود و خودش را جای فلان بازیگر می‌بیند! این‌ها بعضی وقت‌ها از راه مصرف داروهای مختلف، طول درمان دارند تا آرام آرام مشکل روانی‌شان حل بشود. آدم‌هایی هستند که دچار نوعی بیماری دوشخصیتی هستند؛ یک روز خودشان را این می‌بینند و یک روز آن می‌دانند!

اگر دیدید فردی، حتی از نزدیکانتان مدل حرف زدن و نماز خواندن و رفتارهای مختلفش، غیر از رفتار عادی است، به او شک کنید. باید یک جوری بررسی کرد و اگر از حالت عادی خارج شد و به حالت افراط و تفریط رسید، [به متخصص] مراجعه کرد؛ گاهی باید به روان‌شناس مراجعه کرد، گاهی هم باید به کارشناسان دینی مراجعه کرد تا بفهمیم که چه طور شده و چه حالتی برایش پیش آمده است. حداقلش مثلاً وسواس است یا اینکه درگیر گروه‌ها و جریان‌های منحرف و مدعی شده است!

عامل دوّم: سودجویی

بحث سودجویی‌ها عامل دوّمی است که باعث می‌شود عده‌ای ادعاهای مختلفی بکنند؛ مثلاً می‌بینند رویکرد به مهدویت جدی است، علاقه به امام‌زمان عج زیاد است؛ مؤمن و غیرمؤمن، مسلمان و غیرمسلمان، مطابق دین خودشان یا دین اسلام به این موعده و وعده الهی علاقه‌مندند؛ براین اساس، درواقع برای سودجویی، ادعاهای مختلفی می‌کنند. از نظر روحی‌روانی مریض نیستند؛ اما مرض‌های دیگری دارند؛ دنبال سودجویی هستند؛ گاهی وقت‌ها دنبال سودجویی اقتصادی هستند، گاهی هم دنبال مریدبازی. چقدر افرادی بوده‌اند که از ساده‌لوحی دیگران استفاده و جیب‌هایشان را خالی کرده‌اند!

مدعیان به بهانه‌های مختلف می‌آیند و می‌گویند: «شما یک همزاد داری؛ یک جن داری که اذیتت می‌کند! چند میلیون به من بده؛ این را دستگیر می‌کنم!» با این شیادبازی‌ها پول‌های فراوانی می‌گیرند!

یا اینکه می‌گویند: «شما فلان کار را انجام بده، من بهشت را برایت تضمین می‌کنم!» مثل زمانی که مسیحی‌ها در کلیساهایشان بهشت فروشی می‌کردند و می‌گفتند: «شما یک گناه کردی؛ فلان پول را بده به من؛ گناهت را برایت حل می‌کنم!» هیچ‌کدام از مراجع و علمای ما همچنین حرف‌هایی نزده‌اند.



عامل سوّم: مشکلات اخلاقی

عامل بعدی [این ادعاها]، مشکلات اخلاقی است. گاهی وقت‌ها بعضی آدم‌ها به‌علت برخی عقاید یا مفاسد یا مشکلات اخلاقی‌شان ادعاهای مختلفی می‌کنند تا افراد را بفریبند؛ حتی بعضی وقت‌ها با چهره و اداهای دینی می‌آیند؛ اما هدفشان فریب دیگران است. گاهی وقت‌ها اسم مقدسات را می‌آورند؛ اما هدفشان فریفتن دیگران است! بنابراین باید در این موضوعات احتیاط کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، صحن جمهوری اسلامی، ۶ تیر ۹۲

جریان فرقه‌سازی‌ها

جریان فرقه‌سازی‌ها، عرفان‌های نوظهور، معنویت‌های نو و... اموری هستند که در حال حاضر، از طرف بیرون کاملاً هدایت می‌شوند. گاهی یک نفر را در سایت‌های مختلف معرفی می‌کنند؛ به عنوان قطب عرفانی، قطب معنوی، قطب درویشی! روی آن تبلیغ می‌کنند؛ برای اینکه فطرت پاک افرادی را که به سمت معنویت و امام زمان عجله الله تعالی فرجه و خوبی‌هاست، به سمت دیگران وصل کنند. این، یعنی شیطان با همه وجود آمده است و از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کند تا یاران امام زمان عجله الله تعالی فرجه و معتقدان به آن حضرت عجله الله تعالی فرجه را از صف یاران امام عجله الله تعالی فرجه جدا کند و به سمت یاری شیطان سوق دهد.

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر جعفری، صحن جمهوری اسلامی، ۶ تیر ۹۲



عوامل جذب شدن به انحرافات

چرا عده‌ای جذب این آدم‌های شیاد (مدعیان و سودجویان) می‌شوند؟! برادران، خواهران، خیلی برایتان عجیب و غریب نباشد! یک وقت نگوئید الحمدلله ما که جذب این شیادان نمی‌شویم! نه، معلوم نیست. آن‌ها هم که جذب این شیادان شدند، آدم‌هایی مثل من و شما بودند؛ اما چطور جذب این شیادان شدند؟!

عامل اول: ساده‌لوحی

یکی از عواملی که افراد را به این شیادان جذب می‌کند، ساده‌لوحی است. آدم‌های ساده و زودباور، هرچه دیگران بگویند، فوری باور می‌کنند! در روایت داریم: «یکی از عواملی که جهل آدم را می‌رساند، این است که هرچه به او گفتند، یا فوری بگوید دروغ است یا فوری بگوید راست است!» خب آدم باید کمی فکر کند تا متوجه شود که درست است یا غلط.

عامل دوم: دوری از علم و دین

دومین عاملی که باعث می‌شود عده‌ای جذب این شیادان شوند، این است که دستشان را از علم و دین جدا کرده‌اند! قبلاً می‌گفتند: «بره‌ای که از گله‌گوسفندها جدا بشود، نصیب گرگ می‌شود.» اگر انسان اندیشمندی از جمع علمی و دینی جدا بشود، نصیب چه کسانی می‌شود؟ نصیب شیادان و گرگ‌ها. چطور است که در مسائل پزشکی مراجعه به پزشک و متخصص را لازم می‌دانیم، اما در مسائل مختلف دینی گاهی وقت‌ها دچار غرور می‌شویم! دچار جهل می‌شویم! دچار یک جور ساده‌انگاری می‌شویم! جالب است! وقتی با بعضی از این آدم‌ها صحبت می‌کنیم، می‌بینیم که مطالعه دینی ندارند!

شما وقتی مشکل دینی داشتی یا سؤالی برایت پیش می‌آمد، به یک کارشناس دینی مراجعه می‌کردی؟! حالا بنده را قبول نداری، اشکال ندارد؛ فلان آقا را که قبول داری؛ [به او مراجعه می‌کردی!] بالاخره نباید دستمان را از کارشناس [دینی] جدا کنیم؛ این آقا را قبول ندارید؛ [بروید سراغ] آن آقا؛ [البته فردی که صلاحیت داشته باشد و بزرگان دین تأییدش کنند].

مثلاً فرض بفرمایید که می‌گویید باید به پزشک مراجعه کرد. حالا این آقای



پزشک را قبول ندارید، بسیار خب؛ اما دیگر این طور نباشد که بگویید ما دیگر به پزشک مراجعه نمی‌کنیم!

جوانان و اهمیت تحصیل علم و دین

امام رضا علیه السلام فرمودند:

رَحِمَ اللهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا.

خداوند رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را زنده بدارد.

عبدالسلام بن صالح هروی پرسید: «چگونه امر شما را زنده می‌کند [و شما این طوری برایش دعا می‌فرمایید که رحمت خدا برا او]؟»

امام رضا علیه السلام در پاسخ فرمودند:

يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا! علوم ما را یاد می‌گیرد و به مردم یاد می‌دهد؛ زیرا اگر مردم زیبایی‌های گفتار ما را بدانند، از ما پیروی می‌کنند.

برادران و خواهران، فرزندان و جوانان آن را بفرستید که علم دین یاد بگیرند. علوم دیگر [هم] محترم‌اند؛ به شرط اینکه مفید باشند؛ لا اقل برای دنیا مفید باشند. علم اگر برای دنیا مفید باشد، اگر انسان قصد قربت کند (رضای خداوند را در نظر بگیرد)، ثواب دارد. هیچ اشکالی ندارد؛ اما بفرستید علم دین را هم یاد بگیرند. در شهرها و روستاهایی که رفتیم و دیدیم و آمار گرفتیم، آنجایی که از یک عالم خوب جدا بودند، بیشتر دچار بهائیت و بابیت و گروه‌های منحرف شده‌اند. آن‌هایی که با علم و عالم سروکار داشتند، آن‌هایی که با دین و کارشناس دینی سروکار داشتند، معمولاً سالم مانده‌اند. آدمی که واکسینه شود و با دکتر سروکار داشته باشد و پیشگیری کند، سالم ت راست.

عامل سوّم: تشخیص ندادن جادوگری

بعضی از افرادی که جذب [شیادان] می‌شوند، درست تشخیص نمی‌دهند؛ هر چیز عجیب و غریبی که دیدند، فکر می‌کنند معجزه و کرامت است! مثلاً می‌دانید الان انواع شعبده بازی‌ها، انواع تله‌پاتی‌ها و انواع هیپنوتیزم‌ها وجود دارد؛ حتی عده‌ای علمش را دارند و آموزش می‌دهند.

خدا رحمت کند شیخ بهایی را! در زمان ایشان، ساحران و جادوگرانی پیدا شدند



که انواع جادوگری‌ها را انجام می‌دادند و داشتند افراد را از دین خارج می‌کردند. شیخ بهایی رحمته تشخیص می‌دادند که جادوگری چیست، سحر چیست و غیر سحر چیست! [این بزرگوار] این‌ها را باطل کرد و از بین برد. بنابراین اگر بعضی از آدم‌ها کار عجیب‌وغریبی کردند و مثلاً گفتند: فلانی! گمشده شما فلان جاست! این، خیلی مهم است؛ اما دلیل نمی‌شود که این آدم، آدم بامعنویتی باشد و ربطی به امام‌زمان علیه السلام داشته باشد. بعضی از این کارها، روش‌های آموزشی دارد؛ در بعضی هم از قدرت جن و... استفاده می‌کنند.

عامل چهارم: تنبلی و فرار از تکلیف

بعضی از آدم‌ها به علت تنبلی و فرار از تکلیف، جذب این مدعیان می‌شوند. به تعبیر روایات هرکه حق و تحمل حق برایش سخت باشد، باطل برایش سخت‌تر و مشکل‌دارتر فرود می‌آید! یعنی چه؟ بعضی‌ها برای اینکه از تکلیف فرار کنند، به پستی و بدبختی و رذالتی می‌افتند که دل آدم می‌سوزد! مثلاً در مقابل یک آدم پست کنیف که مدت‌ها استحمام نکرده و در نجاست زندگی کرده است تا قدرت‌هایی پیدا کند، سر فرود می‌آورند و زانو می‌زنند! پول به او می‌دهند و دست او را می‌بوسند!

هرکه دست ولایت اهل بیت علیهم السلام را نفشارد، هرکه برای خدا بندگی نکند، هرکه تحمل ذکر خدا برایش سخت بیاید؛ یک عمر، اسیر این جریانات می‌شود.



عامل پنجم: ضعف اطلاع‌رسانی

عامل دیگر جذب شدن به این افراد، ضعف اطلاع‌رسانی است؛ یعنی: گاهی وقت‌ها ضعف از رسانه‌ها، مبلغان، گویندگان و برنامه‌سازان است. گاهی در بعضی از مسائل دینی، به تعبیر امام‌رضا علیه السلام زیبایی کلام اهل بیت علیهم السلام را ارائه نداده‌ایم تا مردم ببینند. من این را در صداوسیما هم گفتم. گفتم برای اینکه کمربند بستن [حین رانندگی] بین مردم فرهنگ شود، انواع انیمیشن‌ها ساخته شد. زمانی مردم خجالت می‌کشیدند که کمربند ببندند؛ اما این قدر این انیمیشن‌ها و کارتون‌ها در تلویزیون تکرار شد تا الان که اگر کسی کمربند نبندد، خجالت می‌کشد و خودش را بی‌فرهنگ می‌داند!

برنامه‌سازان و مبلغان ما کم‌کاری کرده‌اند؛ گاهی اوقات ضعف اطلاع‌رسانی در گویندگان است؛ گاهی در محتواست که محتوا را خوب ارائه نکرده‌ایم؛ گاهی هم در ابزارهاست.

خلاصه فصل پنجم

* همیشه در مقابل طلای ناب و یک امر باارزش، بدل درست می‌کنند. درباره مه‌دویت هم، به همین صورت است.

* در [روایات] داریم که در آخرالزمان، دجال‌ها می‌آیند؛ نه یک دجال! دجال در لغت عرب، یعنی دروغ‌گو.

* یکی از جریان‌هایی که مه‌دویت را دچار آسیب می‌کند، مسئله تطبیق‌های نادرست در علائم و نشانه‌های ظهور است.

* بعضی از علائم ظهور، حتمی است؛ دو سه تا هم بیشتر نیست؛ مثل خروج سفیانی و دجال و سید حسنی. اما اینکه این‌ها چه افرادی هستند و کجا و چه ساعتی خروج می‌کنند را نمی‌دانیم؛ بنابراین سی‌دی‌هایی که به این اسم تولید می‌شود و جلساتی که عده‌ای به اسم تطبیق علائم و نشانه‌های ظهور، با آن دکان باز می‌کنند، یک انحراف است.

* دو چیز در زمان غیبت، محکم تکذیب کنید: ۱. تعیین وقت؛ ۲. ادعای رؤیت. * ما با فهم قاصرمان معتقدیم که در عصر غیبت کبری ملاقات امکان دارد؛ ولی با شرایطی. یکی از این شرط‌ها پاکی و تقواست: آن‌هایی که توفیق دیدار پیدا می‌کنند، در بوق و کرنا نمی‌کنند.

* ما دو ظهور نداریم؛ یکی ظهور صغری و یکی ظهور کبری! پشت این تحلیل انحرافی، یک جریان انحرافی است.

* خوش بینانه‌اش این است که بگوییم یکی از عواملی که باعث می‌شود افرادی ادعاهای مختلف بکنند، مشکلات روحی‌روانی است. این هم مخصوص ایران نیست.

* اگر دیدید فردی، حتی از نزدیکان مدل حرف‌زدن و نمازخواندن و رفتارهای مختلفش، غیر از رفتار عادی است، به او شک کنید. باید یک جوری بررسی کرد و اگر از حالت عادی خارج شد و به حالت افراط و تفریط رسید، [به متخصص] مراجعه کرد.

* عامل دوم که باعث می‌شود عده‌ای ادعاهای مختلفی بکنند، بحث سودجویی‌هاست. این‌ها از نظر روحی‌روانی مریض نیستند؛ اما مرض‌های دیگری دارند: دنبال سودجویی هستند؛ گاهی وقت‌ها دنبال سودجویی اقتصادی

هستند، گاهی هم دنبال مریدبازی.

* گاهی وقت‌ها بعضی آدم‌ها به علت برخی عقاید یا مفاصد یا مشکلات اخلاقی‌شان، حتی با چهره و اداهای دینی می‌آیند؛ اما هدفشان فریب دیگران است. گاهی وقت‌ها اسم مقدسات را می‌آورند؛ اما هدفشان فریفتن دیگران است! بنابراین باید در این موضوعات احتیاط کرد.

* جریان فرقه‌سازی‌ها، عرفان‌های نوظهور، معنویت‌های نو و... اموری هستند که در حال حاضر، از طرف بیرون کاملاً هدایت می‌شوند.

* یکی از عواملی که افراد را به این شیادان جذب می‌کند، ساده‌لوحی است. در روایت داریم: «یکی از عواملی که جهل آدم را می‌رساند، این است که هرچه به او گفتند، یا فوری بگوید دروغ است یا فوری بگوید راست است!»
* اگر انسان اندیشمندی از جمع علمی و دینی جدا بشود، نصیب شیادان و گرگ‌ها می‌شود.

* چطور است که در مسائل پزشکی مراجعه به پزشک و متخصص را لازم می‌دانیم؛ اما در مسائل مختلف دینی گاهی وقت‌ها دچار غرور می‌شویم! دچار جهل می‌شویم! دچار یک جور ساده‌انگاری می‌شویم! وقتی مشکل دینی داشتی یا سؤالی برایت پیش می‌آمد، به یک کارشناس دینی مراجعه می‌کردی؟!

* در شهرها و روستاهایی که رفتیم و دیدیم و آمار گرفتیم، آنجایی که از یک عالم خوب جدا بودند، بیشتر دچار بهائیت و باییت و گروه‌های منحرف شده‌اند. آدمی که واکسینه شود و با دکتر سروکار داشته باشد و پیشگیری کند، سالم‌تر است.
* بعضی از افرادی که جذب [شیادان] می‌شوند، درست تشخیص نمی‌دهند؛

هرچیز عجیب و غریبی که دیدند، فکر می‌کنند معجزه و کرامت است!
* بعضی از آدم‌ها به علت تنبلی و فرار از تکلیف، جذب این مدعیان می‌شوند. به تعبیر روایات هرکه حق و تحمل حق برایش سخت باشد، باطل برایش سخت‌تر و مشکل‌دارتر فرود می‌آید!

* هرکه دست ولایت اهل بیت علیهم‌السلام را نفشارد، هرکه برای خدا بندگی نکند، هرکه تحمل ذکر خدا برایش سخت بیاید؛ یک عمر، اسیر این جریانات می‌شود.

* گاهی در بعضی از مسائل دینی، به تعبیر امام رضا علیه‌السلام زیبایی کلام اهل بیت علیهم‌السلام را ارائه نداده‌ایم تا مردم ببینند.

هفتکاه

۶۴

خاتم ولایت

فصل ششم مفهوم انتظار

تربیت دینی؛ رهبران دینی

یکی از موضوعات بسیار مهم و اولویت‌دار در بحث مهدویت، مسئله انتظار است؛ یعنی اینکه همه افراد، همه جامعه، همه نسل امروز و فردا تا قبل از ظهور امام‌زمان عج، روحیه انتظار و آمادگی و توجه به آینده بهتر داشته باشند.

حفظ روحیه انتظار و امید به آینده بهتر در مدینه فاضله امام‌زمان عج، یک باره و یک‌روزه فراهم نمی‌شود! این‌ها در طول زمان‌های بلند فراهم می‌شود. وظیفه ایجاد این روحیه هم به‌عهده رهبران دینی است و حضرات معصومین علیهم‌السلام هم نسبت به هرکسی، به وظیفه و تکلیف خودشان آشنا ترند.

باید بدانیم که حضرات معصومین علیهم‌السلام برای عمده‌ترین مسئله اعتقادی جامعه اسلامی، یعنی مهدویت و اولویت انتظار چه کرده‌اند؟ آیا تلاششان را شناخته‌ایم؟! قطعاً آن‌ها برنامه‌ریزی و تلاش‌هایی داشته‌اند.

دقت کنیم که تربیت، یک مقوله آموزشی است؛ یک موضوع تدریجی است؛ یک باره به وجود نمی‌آید. برای تربیت، هم باید برنامه‌ریزی کرد تا به تدریج انجام شود، هم باید آموزش داد و هم باید معرفتش را در جامعه ایجاد کرد.

امامان علیهم‌السلام و تربیت نسل منتظر

امام‌رضا ع با اهمیت دادن به مسئله انتظار می‌خواهند گامی برداشته و در مسیر تربیت نسل آینده، حرکتی فرهنگی ایجاد کنند. امام‌علی‌بن‌موسی‌الرضا ع در زمان خودشان که هنوز حضرت مهدی عج و حتی پدرشان (امام‌حسن‌عسکری ع) هم به دنیا نیامده بودند، از آن زمان، می‌خواستند نسلی را آماده و تربیت کنند که در این نسل، فرهنگ انتظار تجلی پیدا کرده باشد و به‌آسانی از کنار مسئله انتظار نگذرند.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۲ تیر ۹۲

دوروش تربیتی امام رضا

هدف امام رضا علیه السلام تربیت نسل منتظر برای یک جامعه جهانی و دولت جهان شمول بود. این تربیت که وظیفه داریم به تبعیت از امام رضا علیه السلام انجام دهیم، در دو بخش تحقق یافتنی است: بخش اول، خانواده و بخش دوم جامعه. قبل از آن به چند شاخص می پردازیم.

تربیتی را که امام رضا علیه السلام برای جامعه انجام می دهند و نسلی که حضرت علیه السلام می خواهند آن ها منتظر باشند، باید با چه خطکشی اندازگیری شود؟ معیار و ملاک این سنجش چیست؟

شاخصه های نسل منتظر

۱. باور به آینده

نخستین نکته در تربیت نسل منتظر از دیدگاه امام رضا علیه السلام این است که جامعه و نسلی که بخواهد با انتظار تربیت شود، اول باید به آینده باور داشته باشد. مسئله مهدویت و امام زمان علیه السلام درحقیقت، آینده پژوهی و اعتقاد به آینده است. آن آینده، زمان تشکیل حکومت جهانی اسلامی شیعی به رهبری یک انسان است؛ آن انسان هم، یازدهمین فرزند از فرزندان امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.

در فرمایشی که علمای بزرگوار، از جمله ابن بابویه قمی (شیخ صدوق رحمته الله علیه) در کتاب های خود نقل کرده اند، امام رضا علیه السلام خطاب به دعبل خزائی می فرمایند:

...بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنِهِ الْحُجَّةَ الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ فِي عَيْبَتِهِ الْمُطَاعِ فِي ظُهُورِهِ لَوْ
لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ
فِيْمَلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا^۱.

...بعد از حسن (امام حسن عسکری علیه السلام)، پسرش حجت قائم امام است که [اهل ایمان] در زمان غیبتش انتظار او را می کشند و در ظهورش از وی فرمان برداری می کنند. اگر از عمر دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند متعال آن روز را چنان طولانی می کند تا او بیاید و جهان را پر از عدل کند؛ همان طور که از ظلم پر شده است.



۲. آمادگی

دوّمین شاخص تربیت نسل منتظر، آمادگی است. آیا انتظار فقط خواندن دعای فرج و دعای ندبه است؟ آیا انتظار فقط شادی در نیمه شعبان یا فقط اشک در فراق و غیبت امام زمان علیه السلام است؟ هرگز این چنین نیست. انتظار یعنی آمادگی در برابر آنچه منتظر آن هستیم. شاخصه این انتظار، آمادگی است؛ آن هم آمادگی برای چیزی که به امید آن نشسته‌ایم.

ما انتظار داریم که امام زمان علیه السلام ظهور کنند و دولت تشکیل بدهند؛ پس باید برای حکومت امام زمان علیه السلام آمادگی داشته باشیم و اعلان آمادگی کنیم که هر زمان حضرت مهدی علیه السلام ظهور کردند، ما آماده‌ایم تا به عنوان یک سرباز در رکاب ایشان باشیم؛ هر مسئله‌ای هم وجود داشته باشد، آمادگی کامل داریم. آمادگی، به فراهم کردن مقدمات نیاز دارد؛ به تخصص‌ها و تعهدها نیاز دارد؛ یعنی در این دوره غیبت، باید تلاش کنم تا جامعه من رو به پیشرفت باشد؛ برای اینکه اگر امام علیه السلام ظهور کردند، هر لحظه آماده باشم. این است که افضل اعمال را انتظار فرج معرفی کرده‌اند.

وقتی منتظر نماز هستید، در صف جماعت می‌نشینید تا وقت اذان بشود و نماز بخوانید؛ شما که در این حال نشسته‌اید، چه کار می‌کنید؟ وضو گرفته و مهر را برداشته و رو به قبله نشسته‌اید؛ تسبیح به دست گرفته و ذکر خدا می‌گویید. در واقع دلتان را به خدا داده‌اید؛ یعنی همه مقدماتش را فراهم کرده‌اید. حُب [حالا] ما که می‌گوییم منتظر ظهور امام زمان علیه السلام هستیم، چقدر وضوی فرج گرفته‌ایم؟ چقدر خودمان را پاک و آماده کرده‌ایم؟ چقدر تسبیح ظهور به دست گرفته‌ایم؟ چقدر ذکر فرج گفته‌ایم؟ چقدر دلمان را به دست امام زمان علیه السلام داده‌ایم؟! منتظر یعنی این.

۳. جهانی‌اندیشیدن

سومین ویژگی تربیت نسل منتظر این است که فرد منتظر، جهانی می‌اندیشد و فقط به فکر خودش نیست. حرکت و دولت امام زمان علیه السلام جهانی است؛ پس من هم که می‌خواهم در دولت جهانی ایشان، سرباز حاکم علی‌الاطلاق جهان باشم، باید از الان تفکر جهانی داشته باشم؛ یعنی از خودم بیرون بیایم و به فکر دیگران

هم باشیم. نمی‌شود یک کشور، یک جامعه بگوید منتظر است؛ اما به فکر مردم فلسطین نباشد! به فکر مظلومان دنیا نباشد! نسل منتظر، نسلی است که به فکر همه جامعه جهانی باشد و داعیه مدیریت جهانی داشته باشد.

۴. یاد امام

شاخصه چهارم در تربیت نسل منتظر این است که به یاد امام‌زمان علیه السلام زندگی کنیم. نمی‌توانیم منتظر باشیم؛ اما دلمان از امام‌زمان علیه السلام غافل باشد! نمی‌شود بازارمان از نام و یاد امام‌زمان علیه السلام غافل باشد، اما در آنجا دعای فرج بخوانند! این فایده‌ای ندارد. یاد امام‌زمان علیه السلام باید وجود داشته باشد؛ از پشت میز کارمان تا بین خانواده. یاد امام‌زمان علیه السلام هم فقط لقلقه زبان نیست؛ دل باید در دست امام‌زمان علیه السلام باشد.

حجت الاسلام والمسلمین سیدابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۲ تیر ۹۲

ریشه اصلی انتظار

برادران و خواهران، توسل به امام‌زمان علیه السلام خوب است؛ دعای ندبه خوب است؛ جشن و شادمانی نیمه شعبان خوب است؛ خواندن دعای عهد بعد از نماز صبح، خوب است؛ ولی این‌ها همه، شاخ و برگ است!

متأسفانه مشکلات اخلاقی در جامعه ما خیلی زیاد شده است. دامنه دروغ و تهمت و شایعه‌سازی خیلی وسیع شده است. نه تنها دروغ زیاد گفته می‌شود، افراد دروغ‌پذیر هم زیاد شده‌اند! روزی نیست که شایعه تازه‌ای در این جراید و سایت‌ها نباشد!

شما را به خدا قسم بیایید به انقلابمان رحم کنیم؛ به کشورمان رحم کنیم؛ به نسل آینده‌مان رحم کنیم!

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی 'حفظه الله تعالی'، صحن جامع رضوی، ۱۵ مرداد ۸۸

ویژگی‌های کلی نسل منتظر

دین محوری و خدامحوری و عدالت خواهی، همه از شاخصه‌های تربیت نسل منتظر است. در یک جمله عرض کنم: نسلی که می‌خواهد منتظر باشد، باید تجلی‌گاه همه ویژگی‌های امام‌زمان علیه السلام باشد؛ یعنی هرچه امام‌زمان علیه السلام داشته و می‌خواهند پیاده کنند و هرچه امام‌زمان علیه السلام برای آن به امامت رسیده و حکومت تشکیل می‌دهند، همه این‌ها باید در وجودمان باشد. اگر توانستیم همه آن‌ها را پیاده کنیم، آن وقت می‌شویم یک نسل تربیت یافته در دوران غیبت برای زمان ظهور. این تکلیف، هم در خانواده به‌عهده ماست و هم در جامعه.

آمادگی و انتظار

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها (دشمنان) آماده کنید؛ هرچه می‌توانید، خودتان را برای مبارزه با دشمنان، آماده و مقابله به‌مثل کنید؛ یعنی ما انتظار نظامی هم داریم؛ انتظار سیاسی و علمی هم داریم. نباید در مقام علمی خود بنشینیم و توقف کنیم و بگوییم: «حالا امام‌زمان علیه السلام می‌آیند و دیگر نیازی نیست که تخصصی پیدا کنم!» نه! این باور غلط را که امام‌زمان علیه السلام می‌آیند و همه کارها را با اعجاز پیش می‌برند، باید از ذهنمان خارج کنیم. بلکه معجزه از شئون امام است؛ ولی کارهای دولت امام‌زمان علیه السلام قرار نیست با اعجاز پیش برود. قرار است امام‌زمان علیه السلام از همین تخصص‌های من و شما استفاده کنند. کابینه امام را که ملائک تشکیل نمی‌دهند؛ از همین انسان‌ها تشکیل می‌یابد؛ از همین علوم و تکنولوژی‌ها، تعهدها، از همین خودسازی‌ها و طهارت نفس‌ها استفاده می‌شود.

حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۲ تیر ۹۲



ویژگی های سه گانه یاران امام زمان عجل الله فرجه

اگر دوست دارید یار امام زمان عجل الله فرجه باشید، امام صادق علیه السلام راهنمایی تان کرده و فرموده اند:

مَنْ سَرَّهُ [سِرًّا] أَنْ يَكُونَ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْهُ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أُجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيَّتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ...!

هرکه دوست دارد از سربازان قائم عجل الله فرجه باشد، باید سه کار انجام دهد: منتظر آمدن حضرت عجل الله فرجه باشد، حریم خدا را نگه دارد و گناه نکند و اخلاقش را نیکو کند؛ [این گونه] او منتظر است. اگر اجلش برسد و در این حالت بمیرد و قائم عجل الله فرجه بعد از مرگ او قیام کند، ثواب او مانند کسی است که آن حضرت را درک کرده است؛ پس سعی کنید و منتظر باشید؛ خوشا به حال شما ای مردمی که خداوند شما را مشمول رحمت خود کرده است! ...!

بعضی زبانشان تلخ است! زن و مرد باید خوش اخلاق باشند.

حجت الاسلام والمسلمین عبدوس، صحن جامع رضوی، ۱۹ تیر، ۹۰.



ثواب انتظار از دیدگاه ائمه اطهار علیهم السلام

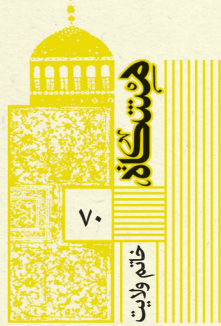
امام سجاد علیه السلام به ابو خالد کابلی فرمودند:

ای ابو خالد مردمان زمان غیبت که به امامت او (حضرت مهدی علیه السلام) معتقد شوند و منتظر ظهورش باشند، بهترین مردمان خواهند بود؛ زیرا خداوند به اندازه‌های به آنان فهم و عقل مرحمت کرده است که غیبت در نظر آنان به منزله مشاهده است. مردم آن زمان مانند کسانی محسوب خواهند شد که در مقابل حضرت رسول صلی الله علیه و آله به جهاد پرداخته باشند. آن‌ها به حقیقت بندگان خالص و شیعیان راست‌گو هستند و همین افرادند که مردم را در پنهان و آشکار، به طرف دین خداوند آشکارا دعوت می‌کنند.^۱ مردمی که در زمان غیبت مهدی علیه السلام زندگی می‌کنند، اگر واقعاً منتظر و معتقد به امام زمانشان باشند، از همه مردمان زمان سابق برترند. این‌ها در روایات ائمه علیهم السلام بیان شده است.

شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «اعمال ما ثوابش بیشتر است یا اعمال مردم در زمان غیبت؟» امام صادق علیه السلام فرمودند: «شما بگویید ثواب صدقه پنهانی بیشتر است یا صدقه آشکار؟» گفت: «صدقه پنهانی.» حضرت علیه السلام فرمودند: «اعمال مردم زمان غیبت، ثوابش از اعمال شما بیشتر است.»

براساس بعضی از روایات، این پاداش، چندین برابر است؛ چون آن‌ها امامشان را می‌دیدند، حجت خدا را می‌دیدند و به ایشان دسترسی داشتند؛ ولی مردم زمان غیبت که ما باشیم، امام ندیده را قبول داریم.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر رفیعی، رواق امام خمینی رحمته الله علیه، ۸ مهر ۹۰



۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ترجمه نظام‌الدین احمد غفاری مازندرانی، ج ۲، ص ۳۱۸؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۰۸: «یا ابا خالد إنَّ أهلَ زمانِ غیبتِهِ الثَّمانینَ یامُتِّبِهِ وِالمُنْتَظَرینَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنِ أَهلِ كُلِّ زمانٍ لِنِّكَ اللهُ تَعالیٰ ذِکْرَهُ أَغْطاهُمْ مِنَ العُقولِ وَالأَفْهامِ وَالمَعْرِفَةِ فَصارتْ بِهِ الغَیْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ المِشْاهَدَةِ وَجَعَلَهُمْ فی ذَلیکَ الزَّمانِ بِمَنْزِلَةِ المُجاهِدینَ بَینَ یَدَیْ رَسولِ اللهِ صلی الله علیه و آله بِالسَّیْفِ أَوْلَیْكَ المُخْلِصونَ حَقًّا وَشیعَتُنَا صِدْقًا وَالدُّعَاةُ إلی اللهِ سِرا وَجَهراً...»

انتظار فرج یعنی ...

پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ ...^۱

بافضیلت‌ترین اعمال امت من انتظار فرج است ...

انتظار فرج یعنی چه؟ بنشینیم و بگوییم: «عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى لَكَ الْفَرَجَ؟» همین؟! اینکه انتظار نیست! فرض کنیم شما منتظر مهمان هستید؛ چه کار می‌کنید؟ دست روی دست می‌گذارید که مهمان بیاید یا اول می‌روید برای این مهمان غذا تهیه می‌کنید؟

انتظار باید همراه با عمل باشد و الا انتظار مجرد، انتظار لقلقة اللسان (لقلقه زبان) است. انتظار فرج باید همراه با عمل باشد. در درجه اول باید برای حضرت سرباز تهیه (تربیت) کنیم. فرزندان ما سربازان امام‌زمان ع باشند و روح این‌ها روح ولایتی باشد. خودمان را اصلاح کنیم؛ خودمان را آماده ظهورش کنیم. انتظار فرج یعنی انتظاری که همراه با عمل باشد.

آیت‌الله العظمی سبحانی 'حفظه الله تعالی'، صحن جمهوری اسلامی، ۱۹ مرداد ۸۷

خلاصه بخش ششم

* حفظ روحیه انتظار و امید به آینده بهتر در مدینه فاضله امام زمان علیه السلام، یک باره و یک روزه فراهم نمی شود! این ها در طول زمان های بلند فراهم می شود.

* ما انتظار داریم که امام زمان علیه السلام ظهور کنند و دولت تشکیل بدهند؛ پس باید برای حکومت امام زمان علیه السلام آمادگی داشته باشیم و اعلان آمادگی کنیم که هر زمان حضرت مهدی علیه السلام ظهور کردند، ما آماده ایم تا به عنوان یک سرباز در رکاب ایشان باشیم؛ هر مسئله ای هم وجود داشته باشد، آمادگی کامل داریم.

* حرکت و دولت امام زمان علیه السلام جهانی است؛ پس من هم که می خواهم در دولت جهانی ایشان، سرباز حاکم علی الاطلاق جهان باشم، باید از الان تفکر جهانی داشته باشم؛ یعنی از خودم بیرون بیایم و به فکر دیگران هم باشم.

* یاد امام زمان علیه السلام هم فقط لقلقه زبان نیست؛ دل باید در دست امام زمان علیه السلام باشد.

* دین محوری و خدامحوری و عدالت خواهی، همه از شاخصه های تربیت نسل منتظر است.

* هر چه می توانید، خودتان را برای مبارزه با دشمنان، آماده و مقابله به مثل کنید؛ یعنی ما انتظار نظامی هم داریم؛ انتظار سیاسی و علمی هم داریم.

* امام صادق علیه السلام خطاب به یارانشان فرموده اند: «اعمال مردم زمان غیبت، ثوابش از اعمال شما بیشتر است.»

* انتظار باید همراه با عمل باشد و الا انتظار مجرد، انتظار لقلقه اللسان (لقلقه زبان) است. انتظار فرج باید همراه با عمل باشد.





فصل هفتم

دوران غیبت

انتظار؛ امید و بردباری

از وجود مقدس ثامن الحجج علیه السلام روایات فراوانی داریم که در آن‌ها مسئله انتظار به صورت نمایی و یک مسئله مهم مطرح شده است. چرا حضرت رضا علیه السلام مسئله انتظار را مهم شمرده‌اند؟ برای اینکه این انتظار در فرهنگ رضوی و برای جامعه، اولویت دارد و مردم باید قبل از هر چیزی به مسئله انتظار و آمادگی و امید به وجود مقدس امام زمان علیه السلام توجه کنند.

در روایتی علی بن موسی الرضا علیه السلام فرموده‌اند:

...انتظار الفرج من الفرج^۱.

...انتظار فرج، خود گشایش است.

یعنی ما باید به آینده امیدوار باشیم. اصلاً اگر امید نباشد، این زندگی تعطیل می‌شود. بسیاری از کارها و فعالیت‌های ما به دلیل امید به آینده است. در روایات آمده است که اگر امید نباشد، مادری فرزندش را شیر نمی‌دهد و پدري برای فرزندش تلاش نمی‌کند!

وجود مقدس امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ ائْتِنْتَظَارَ الْفَرْجِ ...^۲.

چه نیکوست شکیبایی و انتظار فرج ...

حجت الاسلام والمسلمین سید ابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۲ تیر ۹۲

شیوه‌های معصومان علیهم السلام برای حفظ اعتقادات مهدوی

امامان ما علیهم السلام متوجه بودند که اگر مردم در این مدت طولانی غیبت، امام زمانشان را نینند، بعضی‌ها به شک و تردید می‌افتند که نکند قضیه امام زمان علیه السلام دروغ است! چطور می‌شود امام باشد و ما از او خبری نداشته باشیم؟! چون یازده امام دیگر را مردم از اول تا آخر دیدند و با آن‌ها معاشرت داشتند؛ اما امام دوازدهم زندگی ویژه‌ای دارند و دیده نمی‌شوند.

معصومان علیهم السلام برای اینکه مردم ناامید نشوند و به شک و تردید نیفتند و اعتقادشان سست نشود، از چند شیوه استفاده کردند تا آن‌ها را امیدوار نگه دارند.

۱. عزیرالله عطاردی قوجانی، مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۷.

۲. محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۵؛ عزیرالله عطاردی قوجانی، مسند الإمام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۸ و ۳۴.



شیوه اول: ارجاع به قرآن

در قرآن کریم، ۵۰۴ آیه وجود دارد که طبق روایات ائمه علیهم السلام به امام زمان علیه السلام تفسیر و تطبیق شده است. معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، کتابی است در پنج جلد و به زبان عربی. این ۵۰۴ آیه قرآن را که دانه به دانه به امام زمان علیه السلام تفسیر و تأویل داده شده، در جلد پنجم این کتاب آورده اند.

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾

و در حقیقت، در زبور، بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد.

منظور از زبور، فقط خود کتاب زبور نیست؛ همه کتاب های آسمانی را زبور می گویند. علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر المیزان فرموده اند: «زبور یعنی همه کتاب های آسمانی.»

این نوید همه کتب آسمانی، از جمله قرآن است که روزی ظالمان و ستمگران از بین می روند و حکومت در کل کره زمین به دست صالحان می افتد. روایات متعددی هم داریم که منظور از صالحان، حکومت امام زمان علیه السلام است.

شیوه دوم: احادیث فراوان

دومین شیوه ای که امامان علیهم السلام برای حفظ اعتقادات مهدوی استفاده کرده اند، این است که احادیث زیادی راجع به امام زمان علیه السلام فرموده اند. در کتاب های شیعه و اهل سنت، سه هزار حدیث مسلم ثبت شده است. این احادیث چه می گویند؟ همه چیز: راجع به ولادت امام زمان، طول عمر ایشان، ظهورشان، حکومتشان، یارانشان، ویژگی هایی ظاهری شان و... .

می دانید چرا این همه موشکافی کرده اند؟ چون مردم بیش از هزار سال، این امام را نمی بینند و با او ارتباط ندارند! خیلی از شیاطین شیطنت می کنند، مردم را گمراه می کنند، فریب می دهند، پایه های اعتقادی ما را لرزان می کنند و به تردیدمان می اندازند. فقط در معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ۱۲۹۱ حدیث راجع به امام زمان علیه السلام داریم!

شیوه سوم: آرزوی زیارت مهدی علیه السلام

یکی از شیوه‌های معصومان علیهم السلام برای اینکه مردم را امیدوار نگه دارند، آرزوی زیارت امام عصر علیه السلام بود.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «آیا قائم علیه السلام متولد شده است؟»

حضرت علیه السلام در پاسخ فرمودند:

لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي^۱.

نه؛ اگر من به او می‌رسیدم، همه عمر به خدمتش می‌ایستادم.

شیوه چهارم: دعا

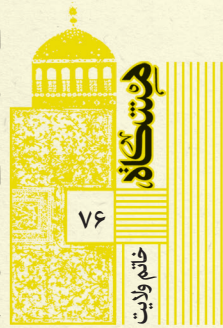
اهل بیت علیهم السلام خیلی سفارش کرده‌اند که برای ظهور دعا کنیم. این دعای ندبه را که صبح جمعه می‌خوانید، علامه مجلسی رحمته الله در جلد ۹۹ بحار الأنوار، صفحه ۱۰۴ تا ۱۱۰ نقل کرده‌اند. دعای سلامتی امام زمان علیه السلام: «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بَيْنَ الْحَسَنِ ...»^۲ در زاد/المعاد علامه مجلسی رحمته الله، صفحه ۴۹۱ نقل شده است.

خیلی توصیه شده است که دعا کنیم. ممکن است شما بگویید این دعاهاى ندبه و سمات، نماز شب چهارشنبه، زیارت آل یاسین و... خاصیت ندارد و هروقت خدا صلاح بداند، امام زمان علیه السلام را می‌فرستد! این طور نیست؛ دعا اثر دارد! امامان معصوم علیهم السلام، ما را به دعا کردن دعوت کرده‌اند. کسانی که دعای ندبه یا سمات می‌خوانند، به یاد امام زمان علیه السلام هستند.

در روایتی این طور دیدم که امام رضا علیه السلام به شیعه‌ای که در قنوت نمازش دعای عادی می‌خواند، فرمودند: «چرا در قنوت، دعای فرج نمی‌خوانی؟!»

تأثیر دعا در ظهور

علامه مجلسی رحمته الله در جلد ۵۲ بحار الأنوار، این روایت را نقل کرده‌اند که: «بنی اسرائیل (خاندان حضرت یعقوب علیه السلام) چون خداپرست بودند و فرعون را قبول نداشتند، زندانی و شکنجه می‌شدند. چهل شبانه روز کار و زندگی را رها کرده بودند و فقط گریه و دعا می‌کردند که خدا آن‌ها را از دست فرعون نجات دهد.



۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبة للنعمانی، ص ۲۴۵؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.
۲. سیدابن طاووس، الاقبال بالأعمال الحسنة، ج ۱، ص ۱۹۱؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۳۴۹.

با این دعاها، خداوند دو پیامبر را مأمور کرد که بروند و بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات دهند.

ششمین امام علیه السلام فرموده‌اند: «اگر مثل بنی اسرائیل در درگاه خداوند به گریه و زاری بپردازید، خداوند فرج ما را نزدیک خواهد کرد؛ اما اگر چنین نباشید، این سختی تا پایان مدتش، طول خواهد کشید.»^۱ دعا خیلی اثر دارد و می‌تواند مفید باشد.

حجت الاسلام و المسلمین عبدوس، صحن جامع رضوی، ۱۸ تیر ۹۰

غیبت صغری و اولین نائب

برخی زمان غیبت صغری را از تولد حضرت مهدی علیه السلام حساب می‌کنند و برخی از زمان شهادت امام حسن عسکری علیه السلام که مأمورین معتمد عباسی ملعون، برای یافتن ایشان به خانه حضرت هجوم آوردند. درهرحال، این مسئله مهم نیست؛ مهم اصل غیبت صغری و مسائل این دوره است.

در این دوره، حضرت مهدی علیه السلام چهار نفر را به‌عنوان نائب خاص خودشان برگزیدند. این چهار نفر با ایشان ارتباط داشتند و مشکلات و خواسته‌های شیعه را به اطلاع حضرت علیه السلام می‌رساندند. نام اولین نائب، عثمان بن سعید (رضوان الله تعالی) است. راوی می‌گوید به امام عرض کردم:

مَنْ أَعْمَلُ أَوْ عَمَّنْ أَخَذَ وَ قَوْلٌ مَنْ أَقْبَلُ؟

با چه کسی رفت‌وآمد داشته باشیم و مرجع مشکلاتم کیست؟

امام مهدی علیه السلام فرمودند:

الْعَمْرِيُّ ثِقَتِي فَمَا أَدَى إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِّي وَ مَا قَالَ لَكَ عَنِّي فَعَنِّي
يَقُولُ فَاسْمَعْ لَهُ وَ أَطِعْ فَإِنَّهُ الثِّقَّةُ الْمَأْمُونُ.^۲

عثمان بن سعید العمری، مورد اعتماد من است. هرچه او بگوید، من گفته‌ام. پیغامی اگر می‌آورد، حرف مرا می‌رساند؛ از او بشنو و اطاعت کن که او معتمد و امین است.

از این جملات دو نکته مهم استفاده می‌شود: [اول] اینکه انسان باید دینش را از جاهای مطمئن بگیرد. زید شحام از امام باقر علیه السلام درباره معنای خوراک در آیه ۲۴

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۲؛ البرهان، ج ۳، ص ۱۲۵؛ المیزان، ج ۱۰، ص ۳۳۱.

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۲۹ و ۳۳۰.



سوره مبارکه عبس پرسید که می فرماید:

﴿فَلْيُنْظَرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ﴾

امام باقر علیه السلام فرمودند:

عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ.^۲

[یعنی در] علمی که فراموش می‌گیرد، [دقت کند که] از چه کسی می‌آموزد.
علاوه بر این حدیث، در روایات دیگری از زبان ائمه علیهم السلام، تعلیم معنوی به «غذا» تعبیر شده است و فراگرفتن علم را تغذیه جان بشر دانسته‌اند.
[دومین نکته نیز این است که] همان‌گونه که فرمایش امام معصوم، واجب‌الاتباع است، فرمایش نائب او هم واجب‌الاتباع است و اصلاً ولایت‌مداری، خودش را در این عرصه نشان می‌دهد.

دومین نائب

دومین نائب خاص امام زمان علیه السلام، فرزند نائب اول یعنی محمدبن عثمان بن سعید است. او هم در تراز پدرش است. امام عسکری علیه السلام به اصحاب خود فرمودند:
الْعُمَرَىٰ وَابْنُهُ ثِقَتَانِ فَمَا أَدْيَا إِلَيْكَ [عَنِّي] فَعَنِّي بُؤْدِيَانِ وَمَا قَالَ لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ فَاسْمَعْ لَهُمَا وَأَطِعْهُمَا فَإِنَّهُمَا الثَّقَتَانِ الْمَأْمُونَانِ...^۳
«عمری (عثمان بن سعید) و پسرش (محمدبن عثمان) معتمد هستند؛ پس هرچه به تو می‌رسانند، از من می‌رسانند و هرچه به تو می‌گویند، از من می‌گویند؛ پس از آنان بشنو و اطاعت کن؛ زیرا آنان ثقه و امین هستند. محمدبن عثمان پنجاه سال نائب خاص امام زمان علیه السلام بوده است.

ولادت شیخ صدوق رحمته الله با دعای امام زمان علیه السلام

در عصر محمدبن عثمان (نائب دوم امام زمان علیه السلام) بود که پدر جناب شیخ صدوق رحمته الله یعنی علی بن بابویه توسط همین نائب، به حضرت ولی عصر علیه السلام پیغام داد که: «آقا جان! من بچه‌دار نمی‌شوم؛ دعا کنید تا خداوند به من فرزندی

۱. ترجمه: «انسان باید به غذای خویش [و آفرینش آن] بنگرد!»

۲. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۹ و ۵۰.

۳. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۲۱؛ محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۰.



عنایت کند.» از طریق همین نایب خاص، پیام امام زمان علیه السلام رسید که: «خداوند به زودی، دو فرزند صالح به تو عنایت می‌کند.» همین‌طور هم شد: یکی جناب محمد بن علی بن بابویه قمی، [معروف به] شیخ صدوق رحمته الله است که دنیایی خدمات به فرهنگ شیعه عرضه کرد و یکی هم برادرش.

ارجاع دادن شیعیان به ولی فقیه

در دوره پنجاه ساله، نامه‌های زیادی را جناب محمد بن عثمان (نائب دوم) به امام زمان علیه السلام می‌رساند که یکی از آن‌ها نامه اسحاق بن یعقوب^۱ است. ایشان از طریق محمد بن عثمان، سؤالات زیادی محضر آقا بقیه الله الاعظم علیه السلام رسانده و جواب گرفته است. یک سؤالش این است: «در حوادثی که در عصر غیبت شما پیش می‌آید، از چه کسی پیروی کنیم؟»

امام زمان علیه السلام در جواب مرقوم فرمودند:

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ
أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.^۲

و اما در حکم پیشامدهای تازه، به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آن‌ها حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آن‌ها هستم.

«رِوَاةِ حَدِيثِ»، آن‌هایی هستند که روایات را می‌فهمند. کسی که درست روایات اهل بیت علیهم السلام را می‌فهمد، می‌شود فقیه. در حوادثی که پیش می‌آید، باید سراغ ولی فقیه برویم. حجت امام زمان علیه السلام بر شما ولی فقیه است. این روایت، روایت معتبر و مطمئنی است. نگاهتان به ولی فقیه، تنها نگاه به یک رهبر سیاسی نباشد؛ نگاه به نایب [عام] امام زمان علیه السلام باشد.

ولایت فقیه؛ اصلی فقهی

مسئله ولایت فقیه، یک مسئله فقهی است. در این مسئله فقهی، برخی از فقها ادله ولایت فقیه را کامل می‌دانند و برخی نیز این ادله را نقد می‌کنند؛ البته این نقد هم به معنای شمشیر کشیدن از رو در مقابل ولایت فقیه نیست [و این مسئله نیز]

۱. اسحاق بن یعقوب، در سرریل ذهاب مدفون است.

۲. محمد بن علی بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۵؛ فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۵۲.

مثل دیگر مسایل فقهی نقد و بررسی می شود؛ گرچه به تعبیر صاحب جواهر، یعنی شیخ محمد حسن نجفی، اصل ولایت فقیه نزد هیچ فقیهی انکار نشده است. صاحب جواهر، پهلوان فقاقت است؛ مثلاً وقتی می خواهند بگویند سید یزدی، صاحب عروه، خیلی بزرگ است، می گویند دو دوره جواهر را مطالعه کرده است! وقتی می خواهیم توفیقات آیت الله العظمی مکارم شیرازی و آیت الله العظمی سبحانی (حفظهما الله تعالی) را بگوییم، می گوئیم آن ها پانزده سال، یک دوره جواهر را مباحثه کردند! این یعنی صاحب جواهر، فقیهی این چنینی است که مطالعه کتابش محل افتخار است.

[ایشان که] یک فقیه معمولی نیستند، در جلد ۲۱ جواهر که کتاب الجهاد است، در پایان این بحث فرموده اند که کسی که منکر اصل ولایت فقیه باشد، اصولاً فقه را نفهمیده است؛ اصولاً حرف های اهل بیت علیهم السلام را نفهمیده است: ما ذاق من طعم الفقه شیئا و لا فهم من لحن قولهم و رموزهم امرا^۱.

شمشیرکشیدن در برابر حکومت دینی

اصل ولایت فقیه جای انکار ندارد؛ ولی حتی آن ها که ادله ولایت فقیه را نقد می کنند، به صراحت می گویند که اگر درجایی یک حکومت دینی تشکیل شد، باید آن را تقویت کرد. تضعیف حکومت دینی حرام است و این فتوای همه فقهای معاصر است. یک مرجع تقلید پیدا نمی کنید که خلاف این را بگوید؛ بنابراین وقتی می گوئیم کسانی که علیه ولایت فقیه شمشیر از رو می کشند، [این کارشان] یعنی تلاش برای نابودی نظام!

روشن است که اسم مخالفت های تئوریک و طلبگی، شمشیرکشیدن نیست؛ ولی در جایی که یک حکومت دینی شکل گرفته است، کسانی که وارد میدان می شوند تا حکومت دینی را بشکنند، این کارشان حرام آشکار است؛ کاری که جریان فتنه سال ۸۸ کرد و همچنان توطئه شان ادامه دارد، همین است. اروپا، آمریکا، صهیونیست ها، سلطنت طلب ها، منافقان، استحاله شده های ضد قرآن و تعداد زیادی شبکه ماهواره ای فارسی زبان [از جمله شبکه های معاند وهابی]، مقابله با نظام را دنبال می کنند.

سومین نائب

۱. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۳۹۷.

سومین نائب خاص حضرت ولی عصر علیه السلام، جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است. او بزرگی است که استادان علم رجال در وثاقتش، اتفاق نظر دارند. در دوره این آقا حادثه‌ای رخ داد که عبرت‌آموز است.

یک آقایی به نام محمد بن علی شلمغانی که چهره بزرگ شیعه بود، کتابی دارد به نام کتاب التکلیف که حتی بعد از انحرافش، این کتاب به حضرت ولی عصر علیه السلام عرضه شد و حضرت علیه السلام فرمودند که به استثنای دو مورد از این کتاب، به باقی‌اش عمل کنند. یک آدم این چنینی، شد نماینده جناب حسین بن روح و به او حسادت کرد. او در مقابل حسین بن روح ایستاد و گفت من لیاقت نیابت امام زمان علیه السلام را دارم! کار به امام زمان علیه السلام کشید. توقعی از طرف امام مهدی علیه السلام به جناب حسین بن روح رسید که در آن، از شلمغانی که آن جایگاه را داشت، بیزاری جسته و او را نکوهش و لعن فرموده بودند. حضرت ولی عصر علیه السلام در آن توقیع چنین می‌فرمایند:

... [مردم را] آگاه کن که محمد بن علی معروف به شلمغانی که خداوند در عذاب او تعجیل فرموده و مهلتش ندهد، از اسلام، مرتد و جدا شده است... ما از وی به خدای تعالی و رسول خدا و خاندانش (صلوات الله علیه و سلامه و رحمته و برکاته علیهم) بیزاری جسته و او را لعنت کرده‌ایم. لعنت‌های خداوند پی در پی از ما بر او باد...^۱

او از دین خدا مرتد شده است! لعنت خدا و فرشتگان الهی و مردم بر او باد! این تعبیر، خیلی تکان‌دهنده است! نمی‌خواهم بگویم که نائب عام (ولی فقیه)، مثل نائب خاص است؛ هر کدام حریم خاص خودش را دارد؛ ولی ایستادن و شمشیر کشیدن از زور در مقابل ولایت فقیه، قطعاً ایستادگی در برابر امام زمان علیه السلام است.

چهارمین نائب و شروع غیبت کبری

چهارمین نائب خاص حضرت مهدی علیه السلام که مدت سفارتش حدود سه سال^۲ بود، جناب علی بن محمد سمری است. شش روز مانده بود تا این نائب خاص وفادار به دیدار خداوند برود که نامه‌ای از ناحیه حضرت صاحب علیه السلام به او رسید:

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۷۴ و ۴۷۵.
 ۲. از شعبان ۳۲۶ تا نیمه شعبان ۳۲۹.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدٍ السَّمُرِيِّ أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ
فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتَّةِ أَيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ
فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْعُيُوبَةُ التَّامَّةُ فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ
اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا
وَ سَيِّئَاتِي إِلَى شِيعَتِي مَنْ يَدْعِي الْمَشَاهِدَةَ إِلَّا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ
خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ^۱.

به نام خداوند بخشاینده مهربان. ای علی بن محمد سمری! خداوند به
برادران دینی‌ات در عزای ازدست دادن تو، اجری عظیم کرامت فرماید که
تو تا شش روز دیگر خواهی مُرد؛ پس خود را [برای مرگ] آماده کن و به
آحدی [برای نیابت] وصیت نکن که پس از وفات قائم مقام تو شود؛ چراکه
غیبت بزرگ (دومین غیبت) واقع (آغاز) شده است و ظهوری نخواهد بود؛
مگر به‌اذن خداوند عزّ و جلّ. ظهور من بعد از مدّتی طولانی واقع خواهد
شد که دل‌ها را قساوت فراگیرد و زمین از جور و ستم لبریز شود. به‌زودی
کسانی نزد شیعیان من آیند و ادّعی‌ای مشاهده مرا ادعا کنند؛ بدانید هرکه
پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادّعی‌ای مشاهده من را بکنند،
دروغ‌گویی افترازننده است و لا حول و لا قوّة إلا بالله العلیّ العظیم.



ادّعی‌ای مشاهده

معنای این جمله حضرت مهدی علیه السلام چیست که می‌فرمایند: «بعد از این، کسانی
می‌آیند که ادّعی‌ای دیدن امام‌زمان را می‌کنند! هرکه دیدن امام‌زمان را ادعا کند،
کذاب است؟» برای این مطلب، چند تفسیر بیان شده است:

۱. مراد از این مشاهده، معنای کنایی آن است؛ یعنی کسانی بیایند و بگویند: «ما
نائب خاص امام‌زمانیم!» هرکه این ادعا را کند، دروغ‌گوست و نباید حرفش را قبول
کنید؛

۲. مراد، ادّعی‌ای مشاهده با معرفت است!
در بسیاری از مواقع، ملاقات صورت گرفته، حرف و حدیثی هم به میان آمده

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۷۸.

است و بعد از اینکه آقا غائب شده‌اند، ملاقات‌کننده فهمیده است که آن آقا، حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام بوده‌اند؛

۳. مراد، انکار اصل رؤیت امام علیه السلام نیست؛ بلکه انکار ادعاست؛ یعنی آن‌هایی که در عصر غیبت توفیق تشریف پیدا می‌کنند، آدم‌هایی نیستند که [این سعادت را] اینجا و آنجا بگویند.

اصل رؤیت انکارکردنی نیست؛ اما آن‌هایی که اهل این توفیق هستند، دیدار حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام را در بوق و کرنا نمی‌کنند. سعدی می‌گوید:

این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند آن را که خبر شد، خبری باز نیامد

آیت الله خاتمی 'حفظه الله تعالی'، صحن جامع رضوی، ۶ مرداد ۹۰

گناهان؛ عامل تداوم غیبت

با توجه به روایات، درمی‌یابیم که اگر گناهان ما نبود، اگر مشکلاتی ایجاد نمی‌کردیم، از دیدار امام عصرمان محروم نمی‌شدیم؛ یعنی خود ما در ظهور امام علیه السلام و در محرومیت از امام علیه السلام نقش داریم.

درست است که گذشتگان ما، آن‌هایی که معاصر امام‌زمان علیه السلام بودند، باعث شدند که آن حضرت علیه السلام غائب شوند؛ اما برادران و خواهران، ما شاید در اصل (شروع) غیبت نقشی نداشتیم، ولی به یقین در ادامه غیبت و طول کشیدن آن نقش داریم.

آخرالزمان و تفکر امروزه غرب

بیشتر بحث درباره آخرالزمان، در کتاب مقدس و در کتاب مکاشفات است که آخرین قسمت عهد جدید است و آن کتاب، پر است از رمزهای مختلف از تفاسیر مختلف. زمانی که آمریکا با شوروی سابق در جنگ سرد بود، تعدادی از کشیش‌ها و مسیحیان جناح راست گفتند که: «ما کتاب مکاشفات را تفسیر کردیم و براساس آن، در آخرالزمان، بین آمریکا و شوروی جنگ بزرگی می‌شود که در آن، از بمب اتمی استفاده می‌کنند؛ سپس حضرت مسیح علیه السلام برمی‌گردند و آمریکا پیروز می‌شود!» بعد از تمام شدن جنگ سرد و انحلال شوروی، آن مسیحیانی که این طور پیش‌بینی

کرده بودند، خجالت کشیدند؛ چون چیزی که گفتند، اتفاق نیفتاد! برای همین، دنبال دشمن دیگری بودند که بتواند نقش شوروی را داشته باشد.

متأسفانه بعضی از آن‌ها این دشمن جدید را در اسلام پیدا می‌کنند و همان چیزهایی که درباره شوروی می‌گفتند، دوباره درباره اسلام و مسلمین یا اسلام سیاسی و امثال این‌ها تکرار می‌کنند؛ ولی باید توجه کنیم که اکثریت مسیحیان در آمریکا این نوع حرف‌ها را قبول نمی‌کنند و بیشتر آن‌ها منتظر هستند که حضرت مسیح علیه السلام برگردند؛ اما انتظار ندارند که جنگی با مسلمانان یا چیزی مثل این رخ دهد.

هماهنگی بین شیعه و مسیحیت

یکی از استادان آمریکایی به شهر قم آمد و با آیت‌الله مصباح (حفظه‌الله تعالی) دیداری داشت. آقای مصباح (حفظه‌الله تعالی) فرمودند: «شما اعتقاد دارید که در آخرالزمان، حضرت مسیح علیه السلام برمی‌گردند. ما شیعیان هم این را قبول می‌کنیم؛ ولی ما می‌گوییم که حضرت مسیح همراه با امام‌زمان ما علیه السلام برمی‌گردند.»

این استاد گفت: «من نمی‌دانستم که شما (شیعیان) این اعتقاد را دارید؛ ولی اگر امام دوازدهم شما می‌خواهد همراه با حضرت مسیح علیه السلام بیاید، به نظر من مانعی ندارد!»

خود آیت‌الله مصباح (حفظه‌الله تعالی) به ما فرمودند که [مسیحیان] از این انتظار ظهور که ما به آن معتقدیم، تفسیر خاصی دارند. [آن تفسیر] این است که چون حضرت مسیح علیه السلام و امام ما برمی‌گردند و صلح و عدالت را در جهان برقرار می‌کنند؛ پس قبل از آخرالزمان، عده‌ای از پیروان حضرت مسیح علیه السلام و تعدادی از پیروان امام‌زمان علیه السلام، یعنی شیعیان، برای آماده‌کردن شرایط ظهور آن دو بزرگوار علیهم السلام همکاری می‌کنند.

پروفیسور لیگن هاوزن، رواق دارالهدایه، ۱۰ دی ۸۴



مردم و یاری ولی خدا

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده‌اند:

أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارُوا عَلَى كِطَّةٍ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ لِأَلْفَيْتٍ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِهَا وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَدَ عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنزٍ...^۱

سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر حضور فراوان بیعت‌کنندگان نبود و یاران حجت را بر من تمام نمی‌کردند و اگر خداوند از علما عهد نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهارشتر خلافت را بر کوهان آن انداخته و رهایش می‌کردم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم؛ آنگاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی ارزش تر است.

[از این فرمایش، این طور برداشت می‌شود که] اگر مردم حضور پیدا نکرده و به ولی خدا کمک نکنند، ولی خدا دست بسته می‌شود! قرار نیست که خداوند بدون اینکه فعالیت کنیم، عالم را به هم بریزد و [متحول کند]!

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۲

درحقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. تا ما حرکت نکنیم، نباید توقع امداد غیبی داشته باشیم. امداد غیبی برای رزمندگان جنگ بدر است؛ برای کسانی است که به میدان مبارزه آمدند و غرق عرق و خون شدند. به این‌ها امداد غیبی می‌رسد؛ اما قرار نیست برای کسی بیاید که در خانه نشسته و می‌گوید: «یا بن الحسن کجایی؟»

حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، صحن جمهوری اسلامی، ۱۴ مرداد ۸۸

وظیفه اصلی ما در زمان غیبت کبری حضرت ولی عصر علیه السلام، حفظ دین است که البته کار سختی است؛ ولی خداوند به آن‌هایی که اراده کنند، عنایت خواهد کرد. خداوند به همه ما توفیق بدهد که در صراط ولایت که صراط حق است، ثابت قدم بمانیم؛ *إن شاء الله*.

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۴۸، خطبه ۳ (خطبه شفشقیه).

۲. رعد، ۱۱.



خلاصه فصل هفتم

* امام صادق علیه السلام در پاسخ به این سؤال که: «آیا قائم علیه السلام متولد شده است؟»، فرمودند: «نه؛ اگر من به او می‌رسیدم، همه عمر به خدمتش می‌ایستادم.»

* در دوره غیبت صغری، حضرت مهدی علیه السلام چهار نفر را به عنوان نایب خاص خودشان برگزیدند. این چهار نفر با ایشان ارتباط داشتند و مشکلات و خواسته‌های شیعه را به اطلاع حضرت علیه السلام می‌رساندند.

* انسان باید دینش را از جاهای مطمئن بگیرد.

* امام زمان علیه السلام فرموده‌اند: «...در حکم پیشامدهای تازه، به راویان حدیث ما

رجوع کنید؛ زیرا آن‌ها حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آن‌ها هستم.»

کسی که درست روایات اهل بیت علیهم السلام را می‌فهمد، می‌شود فقیه. حجت امام زمان علیه السلام بر شما ولی فقیه است. این روایت، روایت معتبر و مطمئنی است. نگاهتان به ولی فقیه، تنها نگاه به یک رهبر سیاسی نباشد؛ نگاه به نایب [عام] امام زمان علیه السلام باشد.

* اصل رؤیت امام زمان علیه السلام، انکارکردنی نیست؛ اما آن‌هایی که اهل این توفیق هستند، دیدار حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام را در بوق و کرنا نمی‌کنند.

* با توجه به روایات، درمی‌یابیم که اگر گناهان ما نبود، اگر مشکلاتی ایجاد نمی‌کردیم، از دیدار امام عصرمان محروم نمی‌شدیم؛ یعنی خود ما در ظهور امام علیه السلام و در محرومیت از امام علیه السلام نقش داریم.

* [مسیحیان] از این انتظار ظهور که ما به آن معتقدیم، تفسیر خاصی دارند. [آن تفسیر] این است که چون حضرت مسیح علیه السلام و امام ما برمی‌گردند و صلح و عدالت را در جهان برقرار می‌کنند؛ پس، قبل از آخرالزمان، عده‌ای از پیروان حضرت مسیح علیه السلام و تعدادی از پیروان امام زمان علیه السلام، یعنی شیعیان، برای آماده‌کردن شرایط ظهور آن دو بزرگوار علیهم السلام همکاری می‌کنند.

* تا ما حرکت نکنیم، نباید توقع امداد غیبی داشته باشیم.

* وظیفه اصلی ما در زمان غیبت کبرای حضرت ولی عصر علیه السلام، حفظ دین است که البته کار سختی است؛ ولی خداوند به آن‌هایی که اراده کنند، عنایت خواهد کرد.



فصل هشتم

ملاقات با امام زمان
علیه السلام

انواع رؤیت

هیچ کس حق ندارد ادعای ملاقات، رؤیت و... داشته باشد. من نمی خواهم بگویم انکار کنیم؛ نه! مرحوم آقای نهاوندی کتابی نوشته‌اند به نام *العبری الحسان*. ایشان در مسجد گوهرشاد نماز می خواندند و هنوز هم به آن شبستان، شبستان نهاوندی می گویند. کتاب ایشان با نام *برکات حضرت ولی عصر* ترجمه شده است و کتاب بسیار خوبی است. ایشان در آنجا هفت قسم ارتباط با امام زمان علیه السلام را برشمرده و در تمام آن ها هم از سندها و داستان های مهم استفاده کرده اند. این بزرگوار می فرماید بعضی وقت ها در زمان غیبت، عده ای امام زمان علیه السلام را می بینند و می شناسند؛ مثل سید بحر العلوم که خدمت امام عصر علیه السلام می رسیدند، آقا را می شناختند، با ایشان ارتباط داشتند و حتی حضرت علیه السلام را در آغوش گرفتند. بعضی ها خدمت آقا می رسند؛ ولی ایشان را نمی شناسند. بعضی ها در خواب، حضرت علیه السلام را می بینند؛ مثل شیخ صدوق رحمته الله علیه. بعضی ها یاران امام را می بینند؛ عده ای در گرفتاری ها این ها را می بینند و برخی متوسل می شوند و آقا هم مشکلشان را حل می کنند.

ما نمی گوئیم رؤیت ممکن نیست؛ حتی ممکن است کسی توفیق داشته باشد که هر روز امام زمان علیه السلام را ببیند؛ اما دفتر و دستک و دکان بازکردن جایز نیست!

حضور و ظهور

در زمان غیبت حضرت حجت علیه السلام، بعضی ها می خواهند فکر زیبای مهدویت را تخریب کنند! حواستان جمع باشد! چطور؟ با ادعای رؤیت، با تعیین وقت برای ظهور، با تطبیق علائم ظهور، با اشخاص و جریان ها و با غفلت از وظیفه. زیر آیه های قرآن که ننوشته است مشروط به زمان ظهور است! تمام این آیات مال تمام اعصار است. بیشتر از هزار سال امام زمان علیه السلام در پس پرده غیبت هستند؛ اما *إِتَّقُوا اللَّهَ* مال همیشه است، *وَلَا تَجَسَّسُوا* مال همیشه است، *لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا* برای همیشه است!

اگر امام زمان علیه السلام بیایند، مثلاً ما چه کار می کنیم؟ بعضی می گویند: «دیگر گناه نمی کنیم، نمازمان را اول وقت می خوانیم و...!» خُب این کارها را الان هم انجام بدهید. امام ظاهر نیستند؛ حاضر که هستند!

درخواست دیدار امام زمان علیه السلام و پاسخ آقای قاضی رحمته

یکی از علما نقل می‌کردند: «با یکی از شاگردان عارف بزرگ، آقای سیدعلی قاضی (رضوان الله تعالی) ارتباط داشتیم. یک روز محضر ایشان رسیدم و گفتم: آقای سیدعلی قاضی قطعاً با امام زمان علیه السلام ارتباطی دارد. شما که شاگرد آقای قاضی هستی و به خانه ایشان رفت و آمد می‌کنی، وقتی می‌روی یک خواهش هم از طرف من برسان و بگو فلانی التماس داشت که در این مسیر، دست ما را هم بگیر و ببر [خدمت آقا]. مدتی گذشت. در خانه بودم. نهار را خورده بودم و بعد از ظهر می‌خواستیم استراحت کنم. آمدم بخوابم؛ اما متوجه شدم که بچه‌ها خیلی سروصدا می‌کنند. عصبانی شدم و سرشان فریاد زد و مقداری بد اخلاقی کردم. بعد پشیمان شدم و با خودم گفتم: 'این‌ها که کار بدی نکرده‌اند! بچه‌اند و می‌خواهند بازی کنند؛ من چرا بد اخلاقی کردم و دلشان را شکستم!' با خودم گفتم: 'بلند می‌شوم و می‌روم بازار؛ شیرینی می‌خرم و می‌آیم اینجا و دل آن‌ها را به دست می‌آورم و آرامشان می‌کنم.' برگشتم و سرشان را گرم کردم؛ اما هنوز دل خودم آرام نشد. یک بار رفتم پیش همان عالمی که شاگرد سیدعلی آقای قاضی بود. همین‌که رسیدم، گفتم: 'فلانی، شما که محضر استاد رسیدید، خواهش مرا مطرح کردید؟' گفت: 'بله؛ اتفاقاً چند روز پیش رفتم خواهش را مطرح کردم؛ اما آقای قاضی تأملی کرده و بعد سربلند کرده و فرمودند: به فلانی بگویند چطور می‌خواهد این مسیر طولانی را به محضر امام زمان علیه السلام برسد؛ در حالی که تحمل سرو صدای بچه‌ها را نداشت. او که نمی‌تواند خودش را بسازد، چطور می‌خواهد محضر امام زمان علیه السلام برسد؟!»

دقت کنیم که یک لحظه بی‌توجهی، یک لحظه گناه می‌تواند ما را از امام زمان علیه السلام جدا کند!

حجت الاسلام والمسلمین سید ابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۲ تیر ۹۲

راه ملاقات با امام زمان علیه السلام

بسیاری از ما انتظار داریم که امام زمان علیه السلام را ببینیم. یک مثال مخصوصاً برای جوانان می‌زنم. دقت کنید. تصور کنید که در یک روز بارانی که ابرسیاه، آسمان را فرا گرفته است، سوار هواپیما می‌شویم. هواپیما بالا می‌آید. ابر را می‌شکافد. بالای ابر، آفتاب درخشان نمایان است. زیر ابر، تاریک و بالا، روشن است.

اگر بخواهیم آفتاب را ببینیم، ما باید بالا برویم یا آفتاب باید به زیر ابر بیاید؟ آفتاب به زیر ابر نمی‌آید! ما باید پرواز کنیم، ابرهای تاریک را بشکافیم، بالا برویم و آفتاب را ببینیم.

می‌خواهیم امام زمان علیه السلام را ببینیم؟ باید ابرهای تیره و تار هواپرستی، خلاف‌کاری، دوری از خدا و... را بشکافیم. وقتی رفتیم بالای ابرها، آفتاب نمایان است. آن حضرت علیه السلام تنزل نمی‌کنند؛ ما باید سیر صعودی داشته باشیم. جوانان قلب‌های پاکی دارند. آن‌ها بهتر می‌توانند این سیر صعودی را طی کنند.

آیت‌الله مکارم شیرازی 'حفظه الله تعالی'، صحن جامع رضوی، ۲۴ مرداد ۸۷

شرط دیدن

غسل در اشک زخم؛ کَهِل طریقت گویند پاک شو اول و پس دیده بر آن پاک انداز کسی که می‌خواهد امام زمان علیه السلام را ببیند، باید درونش از حرص، بُخل، کبر (خودپسندی)، کینه، ریا، عُجب، غرور، هوای نفس، دنیاپرستی، لذت‌گرایی غیرمنطقی و... پاک باشد. در بیرونش هم باید چشم، گوش، زبان، دست، پا، شکم و سایر اعضایش از هر حرامی پاک باشد؛ بعد مثل آن مرد اهوازی (بسر مه‌زیار)، سال‌ها از این پاکی مراقبت کند تا اجازه دهند که یک لحظه آن حضرت علیه السلام را زیارت کند. باید معلوم شود که این پاکی را نگه می‌دارم یا نه!

پول به سراغمان می‌آید، زن زیبا در مقابلمان جلوه می‌کند، صندلی (پست و مقام) و سوسه‌مان می‌کند و زمینه‌های اجتماعی دیگر هم برایمان فراهم می‌شود؛ اگر پاکی درون و بیرونمان را بعد از سال‌ها امتحان دادن نگه داشتیم، آن وقت اجازه می‌دهند که یک لحظه امام زمان علیه السلام را ببینیم.

حجت‌الاسلام و المسلمین شیخ حسین انصاریان، صحن جامع رضوی، ۲۶ تیر ۸۸

ملاقات سید بحر العلوم رحمته با امام زمان علیه السلام

سید بحر العلوم رحمته خدمت حضرت مهدی علیه السلام می‌رسید. اتفاقاً همراه عده‌ای در یک جلسه عمومی نشسته بودند. یکی سؤال کرد: «در زمان غیبت، امکان رؤیت حضرت ولی عصر علیه السلام وجود دارد؟» فرمود: «نه؛ انکار کنید.»

جلسه که خلوت شد، میرزای شیرازی رحمته از ایشان پرسید: «آقا جان! این جواب که عمومی بود. خود شما کی خدمت آقا رسیدید؟» سید بحر العلوم رحمته فرمود: «همین هفته در مسجد کوفه؛ دیدم که آقا ایستاده‌اند و مناجات امیرالمؤمنین علیه السلام را می‌خوانند: 'مَوْلایَ یا مَوْلایَ ...'»

مقدس اردبیلی رحمته هم محضر آقا علیه السلام می‌رسید. علامه حلی رحمته نیز خدمت آقا رسیده است. در همین سال‌های معاصر، بعضی علمای ما خدمت حضرت رسیده‌اند. ما اصل رؤیت را انکار نمی‌کنیم؛ بلکه می‌گوییم ادعا را نباید پذیرفت.

پیرمرد قفل‌ساز

[یک نفر] برای اینکه امام زمان علیه السلام را ببیند، خیلی ریاضت و سختی کشید. در عالم رؤیا به او گفتند که اگر می‌خواهد امام زمان علیه السلام را ببیند، ایشان فردا بعد از ظهر، در مغازه فلان کاسب قفل‌ساز نشسته‌اند. او که در اشتیاق دیدن بود، به آن نشانی رفت؛ اما در آن لحظه، امام زمان علیه السلام را نشناخت. دید پیرزنی، یک قفل را آورده و می‌خواهد از سر فقر، آن را بفروشد. پیرزن فقیر بود؛ ولی نمی‌خواست دست‌گدایی دراز کند!

مرد قفل‌ساز تا قفل را دید، گفت: «قفلتان را می‌خرم و تعمیرش می‌کنم ...». بعد هم آن را به قیمت خوب و منصفانه‌ای از پیرزن خرید. پیرزن تعجب کرده بود؛ چون سراغ هر کاسی که رفته بود، گفته بود این قفل ارزشی ندارد!

در این وقت، آقایی که کنار مغازه قفل‌سازی نشسته بود، فرمود: «مثل این کاسب باشید؛ لازم نیست دنبال امام زمانتان بگردید؛ امام زمان به دیدنتان می‌آید!» این را فرمود و از چشم او غائب شد. مرد یک‌باره به خود آمد و فهمید که آن آقا، امام زمان علیه السلام بوده‌اند.

توجه کنیم که در عرصه‌های مختلف باید پاک‌ترین باشیم تا توفیق تشریف محضر ولی عصر علیه السلام را پیدا کنیم.

عطاری بصری

در بصره، عطاری وجود داشت. یک روز دو نفر به مغازه عطاری او آمدند و گفتند: «سدر و کافور می‌خواهیم.» نگاهی به چهره‌شان کرد. او که سالیان سال در بصره زندگی می‌کرد، آن‌ها را غریبه دید و با خود گفت: «این‌ها اهل بصره نیستند!» دقت بیشتری کرد و احساس کرد که این‌ها آدم‌های عادی و معمولی نیستند. برای همین، سؤال کرد: «از کجا آمده‌اید؟» گفتند: «چه کار دارید! ما آمدم سدر و کافور بخریم.» عباى آن‌ها را گرفت و گفت: «به من بگوئید شما که هستید؟ از کجا و برای چه آمده‌اید؟!»

عطاری اصرار می‌کرد و آن‌ها امتناع؛ اما هرچه آن‌ها امتناع کردند، شک و تردید او هم بیشتر شد که این مشتری‌ها آدم‌هایی غیرعادی هستند! بیشتر اصرار کرد و آخر مجبور شد و به رسول گرامی اسلام ﷺ سوگندشان داد. غریبه‌ها ناچار شدند و گفتند: «فلانی، ما از ملازمان خیمه امام‌زمان هستیم. یکی از یاران ایشان از دنیا رفته است و ما از طرف مولایمان مأموریم تا سدر و کافور بخریم و آن یار و دوست امام را تجهیز کرده و در تشییع جنازه‌اش شرکت کنیم.» تا این جملات را گفتند، عطاری گفت: «شما که برمی‌گردید به خیمه امام‌زمان ﷺ، من را هم همراه خودتان ببرید.» گفتند: «ما چنین جرئتی نداریم و بدون اجازه مولایمان حرکتی نمی‌کنیم.» مرد عطاری دوباره اصرار کرد که ناامیدش نکنند و درخواست کرد که او را هم همراه خودشان ببرند و نزدیکی محل استقرار امام‌زمان ﷺ که رسیدند، آن‌ها از آن حضرت ﷺ اجازه بگیرند؛ اگر اجازه دادند، او مشرف شود و اگر اجازه ندادند، برگردد.

آن‌ها با این پیشنهاد موافقت کردند و او را با خودشان بردند. رفتند و دوست مرحوم امام‌زمان ﷺ را تجهیز کردند (کفن و دفن کردند) و بعد به راه افتادند. در بازگشت، به یک رودخانه رسیدند و مرد عطاری دید که آن دو نفر پایشان را روی آب گذاشتند و بسم الله گفتند و رفتند! او ترسید و ایستاد! آن‌ها برگشتند و گفتند: «بیا.» مرد گفت: «دریاست [؛ نمی‌توانم].» گفتند: «خدا را به وجود امام زمانت سوگند بده و بگو بسم الله؛ این آب برایت مثل جاده می‌شود.» این کار را کرد و همراهشان رفت.

به میانه دریا که رسیدند، متوجه شد که باران می‌بارد. یادش افتاد که در



عطاری، صابون سازی هم می‌کرد. صابون‌های زیادی آماده و روبه‌روی آفتاب پهن کرده بود که خشک شود تا صبح جمع کند و بفروشد. حواسش از امام زمانش غافل شد! با خود گفت: «عجبا، سرمایه زندگی‌ام رفت. الان باران صابون‌هایم را می‌شوید و می‌برد!»

همین اندازه که این فکرها را به ذهن آورد و به زبان جاری کرد، احساس کرد که پاهایش در آب فرو می‌رود. آن دو نفر، دستش را گرفتند و او را با خود از دریا بیرون بردند. در بیابان حرکت کردند. رفتند و رفتند تا به جایی رسیدند که از دور، خیمه‌ای نورانی معلوم بود. خیمه را نشان دادند و دید که این خیمه، عالم را نورانی کرده است! فهمید این خیمه مولایش امام زمان علیه السلام است. نزدیک‌تر رفتند. هنوز تا خیمه مقدری فاصله بود که همراهانش او را نگه داشتند و یکی از آن‌ها به داخل خیمه رفت. مرد عطار صدای او را می‌شنید که به امام می‌گفت: «ما یک عطار اهل بصره را همراه خودمان آوردیم. التماس کرد و ما را قسم داد؛ اجازه می‌خواهد که به محضر شما مشرف شود. اجازه می‌دهید یا بن رسول الله؟»

ملازم امام از خیمه بیرون آمد و گفت: «آقا می‌فرمایند او را برگردانید. او یک مرد صابونی است.»

یعنی دلش پیش صابون‌هایش است؛ هنوز دلش از مادیات دنیا گنده نشده است و فقط به دنبال امامش نیست!

عجبا! دلدادگی به حلال دنیا، ما را از امام زمان علیه السلام جدا می‌کند؛ پس وای به حال ما، اگر دل به حرام خدا داده باشیم! وای به حال ما، اگر دل به گناه داده باشیم! وای به حال ما، اگر حرام وارد زندگی‌مان کرده باشیم!

حجت‌الاسلام والمسلمین سید ابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۲ تیر ۹۲

مکیال المکارم

مکیال المکارم یکی از کتاب‌هایی است که به صورت تخصصی، در زمینه دعا برای امام زمان علیه السلام نوشته شده است. این کتاب دو جلدی را آیت‌الله سید محمد تقی اصفهانی رحمته الله علیه نوشته است. این عالم ۴۷ سال عمر کرد؛ مثل سید رضی، گردآورنده نهج البلاغه که ۴۷ سال عمر کرد.

سید محمد تقی اصفهانی، سی ساله بود که به مکه رفت تا اعمال حج را به جا آورد. وقتی به آنجا رسید، دید که در مکه بیماری وبا شایع شده است و حاجیان می‌میرند! نذر کرد و گفت: «خدایا، من جوانم و سی سال دارم. اگر زنده به ایران و شهرم اصفهان برگردم، کتابی راجع به امام زمان علیه السلام می‌نویسم.» متوسل شد و سالم به شهرش برگشت.

زمان کوتاهی که گذشت، مشغول کار و زندگی شد و [نوشتن کتاب را] فراموش کرد. در مقدمه جلد اول کتابش نوشته است که یک شب امام زمان علیه السلام را در خواب دید و حضرت علیه السلام [با این مضمون] به او فرمودند: «تو قراری داشتی که وقتی سالم به ایران برگشتی، کتاب بنویسی! فراموش کردی؟!» گفت: «چشم آقا.» حضرت مهدی علیه السلام فرمودند: «اسم کتاب را خودم انتخاب می‌کنم: مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم.»

هفده سال نشست و این دو جلد کتاب را نوشت. سر هفده سال از دنیا رفت و زنده نماند. در این دو جلد کتاب، ۱۷۰۰ حدیث و نود فایده در رابطه با دعا برای امام زمان علیه السلام آورده است.

حجت الاسلام والمسلمین عبدوس، صحن جامع رضوی، ۱۸ تیر ۹۰



خلاصه فصل هشتم

* هیچ‌کس حق ندارد ادعای ملاقات و رؤیت و... داشته باشد.

* ما نمی‌گوییم رؤیت ممکن نیست؛ حتی ممکن است کسی توفیق داشته باشد که هر روز امام‌زمان علیه‌السلام را ببیند؛ اما دفتر و دستک و دکان بازکردن جایز نیست!

* در زمان غیبت حضرت حجت علیه‌السلام، بعضی‌ها می‌خواهند فکر زیبایی مهدویت را تخریب کنند! حواستان جمع باشد! چطور؟ با ادعای رؤیت، با تعیین وقت برای ظهور، با تطبیق علائم ظهور، با اشخاص و جریان‌ها و با غفلت از وظیفه.

* اگر امام‌زمان علیه‌السلام بیایند، مثلاً ما چه کار می‌کنیم؟ بعضی می‌گویند: «دیگر گناه نمی‌کنیم، نمازمان را اول وقت می‌خوانیم و...!» خب این کارها را الان هم انجام بدهید. امام ظاهر نیستند؛ حاضر که هستند!

* دقت کنیم که یک لحظه بی‌توجهی، یک لحظه گناه می‌تواند ما را از امام‌زمان علیه‌السلام جدا کند!

* کسی که می‌خواهد امام‌زمان علیه‌السلام را ببیند، باید درونش از حرص، بخل، کبر (خودپسندی)، کینه، ریا، عُجب، غرور، هوای نفس، دنیاپرستی، لذت‌گرایی غیرمنطقی و... پاک باشد. در بیرونش هم باید چشم، گوش، زبان، دست، پا، شکم و سایر اعضایش از هر حرامی پاک باشد.

* دلدادگی به حلال دنیا، ما را از امام‌زمان علیه‌السلام جدا می‌کند؛ پس وای به حال ما، اگر دل به حرام خدا داده باشیم! وای به حال ما، اگر دل به گناه داده باشیم! وای به حال ما، اگر حرام وارد زندگی مان کرده باشیم!

فصل نهم

جهان پس از ظهور

انقلاب فرهنگی پیامبر اکرم ﷺ

بیش از هشتاد سوره از صد و چهارده سوره قرآن کریم، در مکه نازل شد. پیامبر ﷺ در سیزده سال حضور در مکه، کار فرهنگی کردند؛ بعد به مدینه آمدند و حکومت تشکیل داده و کار فرهنگی را ادامه دادند. مخالفان مانع این کار شدند که پیامبر ﷺ در مقابل آن‌ها متوسل به زور شدند.

قیام حضرت مهدی عج هم همین‌طور است: یک قیام فرهنگی و انقلاب فرهنگی است و اکثریت مردم جهان از طریق فرهنگ و استدلال و برنامه‌های آموزنده و دیدن معجزات، به آن حضرت عج ایمان می‌آورند؛ استفاده از سلاح، برای اقلیت است.

انقلاب فرهنگی امام زمان عج

در جلد ۵۲ بحار الأنوار، صفحه ۳۳۶، امام باقر ع می‌فرمایند:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَأَكْمَلَ بِهِ
أَخْلَاقَهُمْ.

زمانی که قائم ما قیام کند، دست خویش را بر سر بندگان می‌گذارد و بدین وسیله نیروهای مردم را تمرکز بخشیده و اخلاقشان را کامل می‌کند. جمعیتی که عقل و اخلاقشان کامل باشد، احتیاجی به جنگ ندارند. جنگ، مال بی عقل‌های دنیاست؛ مال اخلاق‌های فاسد است؛ عاقلان با اخلاق، اهل جنگ نیستند. این یک برنامه فرهنگی بسیار قوی است.

در حدیث دیگری امام صادق ع می‌فرمایند:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ [عَزَّ وَجَلَّ] لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى
لَا يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكْلِمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي
مَكَانِهِ.^۲

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند عز و جل در گوش‌ها و چشم‌های شیعیان ما چنان نیروی رسانایی قرار دهد که دیگر میان آن‌ها و [حضرت] قائم، پیکی نباشد و آن حضرت [از فاصله دور] با آنان سخن بگوید و آنان بشنوند و او را در همان جایی ببینند که هست.



۱. به نقل از: قطب‌الدین سعید بن عبدالله راوندی، الخرائج والمراجیح.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۴۱؛ محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

وسایل ارتباط جمعی در زمان ظهور امام زمان علیه السلام به قدری قوی می شود که همه اداره های پست و وزارتخانه های پست تعطیل می شود. براساس فرمایش امام صادق علیه السلام، حضرت مهدی علیه السلام در مکان خودشان هستند و از همان مکان، با یارانشان در سراسر دنیا سخن می گویند؛ به طوری که آن ها امام را می بینند و سخنان حضرت را می شنوند، امام هم آن ها را می بیند و سخنانشان را می شنوند! یعنی با این وسیله قوی ارتباط جمعی، امام زمان علیه السلام برنامه گسترده فرهنگی خود را برای جهان بشریت پیاده می کند و اکثریت مردم جهان از این راه، جزو یاران و افرادی خواهند شد که به او ایمان آورده اند! الله عالم.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی 'حفظه الله تعالی'، صحن جامع رضوی، ۱۵ مرداد ۸۸

اولین کار امام زمان علیه السلام

اولین کاری که امام زمان علیه السلام انجام می دهند، کار فرهنگی است. مسئولین دولتی ما گوش هایشان را باز کنند؛ هرکه مرید امام زمان علیه السلام است، بداند که حضرت علیه السلام اولین کاری که انجام می دهند، کار فرهنگی است؛ یعنی سطح فکر مردم را بالا می برند و فرهنگ را تقویت می کنند؛ در نتیجه، اخلاق مردم رشد می کند. امام باقر علیه السلام می فرمایند:

...تُوْتُونَ الْحُكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى إِنَّ الْمَرْأَةَ لَتَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله!

در دوران او شما از حکمت برخوردار می شوید تا آنجا که یک زن در خانه خود برابر با کتاب خدای تعالی و روش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، حکم خواهد کرد. اکثر گناهانی که مرتکب می شویم، به خاطر جهل است! در دوره امام زمان علیه السلام، مردم، آگاه و دانا می شوند.

حجت الاسلام والمسلمین عبدوس، صحن جامع رضوی، ۱۹ تیر، ۹۰

امام مهر و قهر

امام زمان علیه السلام، امام مهر و امام قهر هستند؛ یعنی همان طور که خداوند در قرآن کریم، پیغمبر صلی الله علیه و آله را معرفی می‌کند:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ﴾

محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کافران، سرسخت و شدید و در میان خود، مهربان‌اند....

پیامبر صلی الله علیه و آله با کافران شدت عمل دارند؛ ولی با دوستان مهربان هستند. هیچ انقلابی بدون این دو رفتار، به سرانجام نمی‌رسد. تمامی کسانی که انقلاب می‌کنند، باید هم مهر داشته باشند و هم قهر؛ هم شدت و برخورد و خشونت داشته باشند و هم مهربانی و دوستی؛ در غیر این صورت، موفق نمی‌شوند.

شاید بپرسید: «کدام انقلاب؟» انقلاب اسلامی خود ما. امام، انقلاب کرد؛ خُب می‌توانست با هویدا مهربانی داشته باشد؟ با آن رئیس ساواک (نصیری) که اعدام شد، مهربانی داشته باشد؟ نه، این کار را نکرد؛ چون باید اعدام می‌شدند؛ حقشان بود؛ جنایت کرده بودند! می‌توانست با منافقانی که در عملیات مرصاد تا عمق خاک ایران آمده بودند و با صدام همکاری کرده بودند، مهربانی داشته باشد؟ نه. اما همین امام خمینی رحمته الله علیه مقابل اشک یتیم اشک می‌ریزد و خانواده شهدا را که می‌بیند، متأثر می‌شود.

امام زمان علیه السلام هم مثل رسول خدا صلی الله علیه و آله، «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و «رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» هستند.

حکومت مهربانی

زیارت آل یاسین، شناسنامه امام زمان علیه السلام است. این زیارت را زیاد بخوانید؛ مخصوصاً در عصرهای جمعه که حال معنوی خوشی پیدا می‌کنید. دقت کنید که در زیارت آل یاسین، چطور امام زمان علیه السلام را صدا می‌زنید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ... وَالرَّحْمَةُ الْوَابِعَةُ... ۲.

سلام بر تو ای رحمت گسترده خداوند.

۱. فتح، ۲۹.

۲. احمدین علی طبرسی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۴۹۳؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.

ما باید برای مردم از بُعد رحمتی امام بگوئیم تا بدانند که در زمان ظهور، بسیاری از مردم، یارو یاور امام زمان علیه السلام هستند. ۳۱۳ نفر، کابینه حضرت هستند و اصلاً بدون لشکر و یاور نمی شود حکومت تشکیل داد!

حکومت مهدوی، حکومت مهربانی است؛ حکومت دوستی و عدالت است. البته اگر کسی سلاح در دست بگیرد و بخواهد با امام زمان علیه السلام مقابله کند، عقل حکم می کند که باید با او مبارزه کرد؛ بنابراین مهربانی هست، ولی با دوست؛ شدت و قهر هم هست، ولی با دشمن.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر رفیعی، رواق امام خمینی رحمته، ۸ مهر ۹۰

اسامی حکومت مهدوی

در روایات برای حکومت امام زمان علیه السلام، پنج اسم بیان شده است. شاید هم تعداد بیشتری باشد، ولی من بیشتر از پنج تا پیدا نکردم. اولین اسم، «دولت کریمه» است. این دولت هایی که بعد از انقلاب روی کار آمدند، هر کدام در زمان خود، برای مملکت و مردم زحمت کشیدند. این آبادانی جمهوری اسلامی که شما امروز می بینید، نتیجه زحمت مجموعه دولت هایی است که بعد از انقلاب روی کار آمده اند و کار یک دولت نیست؛ منتها در یکی، کمتر و در یکی، بیشتر تلاش شده است. با تمام این اوصاف، هیچ کدام از این ها دولت کریمه نبودند و نیستند...؛ دولت کریمه، دولت امام زمان علیه السلام است. در دعای افتتاح (دعای شب های ماه مبارک رمضان) می خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْعُبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُدِلُّ بِهِ التِّفَاقَ وَ
أَهْلَهُ...!

بار خدایا، مشتاقانه مسئلت داریم که دولتی باشکوه برانگیزی که اسلام و اسلامیان را عزت بخشی و نفاق و منافقان را به خاک ذلت کشی... .

«آخرین دولت ها»، دومین اسم حکومت امام زمان علیه السلام است. امام باقر علیه السلام فرموده اند: دَوْلَتُنَا اخِرُ الدَّوَلِ وَلَنْ يَبْقَى اَهْلٌ بَيْتٍ لَهُمْ دَوْلَةٌ اِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لَيْلًا يَقُولُوا اِذَا رَاؤا سَيْرَتَنَا اِذَا مَلِكْنَا سِرْنَا مِثْلَ سَيْرَةِ هُوَلَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿وَالْعَاقِبَةُ



لِلْمُتَّقِينَ ﴿١﴾^۲

دولت ما (اهل بیت علیهم السلام) آخرین دولت هاست. هر خاندانی که لیاقت سلطنت دارند، پیش از ما به سلطنت می‌رسند تا هنگامی که ما بر سر کار آمدیم و روش دولت ما را دیدند، نگویند: «اگر ما به سلطنت می‌رسیدیم، مانند اینان (آل محمد) عمل می‌کردیم» و معنای آیه شریفه **﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾** این است.

دیگر نام‌های حکومت امام‌زمان علیه السلام، دولت صالحان و دولت مستضعفان و دولت حق است. در آیات و روایات مربوط به حکومت امام‌زمان علیه السلام، این پنج اسم آمده است.

حجت الاسلام والمسلمین عبدوس، صحن جامع رضوی، ۱۸ تیر ۹۰

برکات ظهور

از مجموع آیاتی که به قیام امام‌زمان علیه السلام اشاره دارد و روایاتی که در منابع شیعه و اهل سنت در این باره نقل شده است، مشخص می‌شود که با قیام آن حضرت علیه السلام، شش برکت عاید جهان بشریت می‌شود.

اول: جانشینی

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾^۱
خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد...
اولین چیزی که در این آیه به آن اشاره شده است، «خلافت روی زمین» است. در جای دیگر، از این خلافت، به ائمه علیهم السلام تعبیر می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَنَجْعَلُهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۲

...و آنان را پیشوایان [مردم] و وارثان روی زمین قرار دهیم!
یعنی حکومت جهان از دست ظالمان و ستمکاران و خودکامگان گرفته می‌شود و



۱. اعراف، ۱۲۷؛ قصص، ۸۳.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

۳. نور، ۵۵.

۴. قصص، ۵.

به دست بندگان صالح خدا و مؤمنانی سپرده خواهد شد که می توانند عدل و داد را اجرا و برقرار کنند. به عبارت دیگر، خلافت روی زمین و امامت جهان بشریت، به دست صالحان سپرده می شود.

دوم: گسترش اسلام

دومین بشارت، این است که خداوند، اسلام را در سراسر جهان گسترش می دهد.

﴿وَلْيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ﴾

...و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت...

در حدیثی، امام صادق علیه السلام فرموده اند: «هنگامی که قیام حضرت مهدی علیه السلام رخ می دهد، در سراسر زمین، نعمه لا اله الا الله و محمد رسول الله شنیده می شود.»

سوم: امنیت

امنیت، سومین وعده الهی است:

﴿...وَلْيُيَسِّرَنَّ لَهُمْ دِينَهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...﴾

...و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند....

ناامنی از جهان برچیده می شود و امنیت همه جا را فرا می گیرد؛ نه جنگ جهانی، نه جنگ منطقه ای و نه صلح توأم با ترس و وحشت. الان ظاهراً در دنیا صلح برقرار است؛ اما این صلح، شکننده و آمیخته با وحشت است. انبارهای دولت های استکباری، مملو از بمب های اتمی است!

در این کشورها، موشک هایی آماده است که می توانند کلاهک های اتمی را به هر نقطه ای از جهان حمل کنند! بنابراین اگر امنیتی هم هست، شکننده و آمیخته با ترس و وحشت است؛ اما براساس قرآن، وعده الهی این است که زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، امنیت واقعی همه جا را فرا می گیرد.



چهارم: عبادت خالصانه

چهارمین نوید، برچیده شدن آثار شرک و بت پرستی از تمام جهان است. بت‌های کوچک و بزرگ، شکسته شده و آثار توحید در همه جا نمایان می‌شود:

﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾

... آنچنان که فقط مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند کرد.

پنجم: تمام ثروت‌های زمین؛ ارث صالحان

براساس وعدهٔ پنجم، صالحان، وارث تمام ثروت‌های زمین می‌شوند:

﴿وَنَجْعَلُهَا أُمَّةً وَنَجْعَلُهَا الْوَارِثِينَ﴾^۲

... و آنان را پیشوایان [مردم] و وارثان روی زمین قرار دهیم!

یعنی تمام ثروت جهان از دست مستکبران و ظالمان گرفته می‌شود و به دست صالحان می‌افتد؛ ثروت‌های عظیمی که تمام مردم دنیا را تأمین می‌کند و در نتیجه، زندگانی آمیخته با فقر و بدبختی و درد و رنج، از صفحهٔ جهان برچیده می‌شود.

ششم: عدالت و مبارزه با ظلم

آخرین وعدهٔ خداوند هم این است که ظلم و تبعیض در اشکال مختلف از جهان برچیده می‌شود. چنان نیست که در یک طرف دنیا غذاها را به زباله‌دان‌ها یا دریا بریزند و در طرف دیگر دنیا، گروه عظیمی از گرسنگی بمیرند و جان بدهند! این شش امتیاز و وعدهٔ الهی، با ظهور حضرت ولی عصر در جهان پیاده خواهد شد. سند آن هم آیات مسلم قرآن و روایات متواتر و معتبر است.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی 'حفظه الله تعالی'، صحن جامع رضوی، ۱۵ مرداد ۸۸



۱. نور، ۵۵.

۲. قصص، ۵.

امنیت و عدالت و رفاه در زمان ظهور

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءٌ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرُقاً إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخَصْبُ.^۱

سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیت و عدالت و فراوانی (رفاه).

امام زمان علیه السلام با ظهورشان برای مردم امنیت می‌آورند؛ به‌گونه‌ای که مثلاً خانمی از مشهد به تنهایی راه می‌افتد و به شهر دیگری می‌رود؛ هیچ‌کس هم نگاه چپ به او نمی‌کند! این [یعنی] امنیت.

حضرت مهدی علیه السلام، عدالت را هم اجرا می‌کنند. در حال حاضر، عده‌ای آن قدر ثروت دارند که نمی‌دانند چه کار کنند؛ عده‌ای هم از گرسنگی نمی‌دانند چه کار کنند! در روایتی از ابوسعید خدری، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَّالٍ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا [قِسْطًا وَ عَدْلًا] كَمَا مِلَّتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ يَفْسِمُ الْمَالَ صِحَاحًا... السَّوِيَّةُ بَيْنَ النَّاسِ.^۲

شما را به ظهور مهدی مژده می‌دهم که هنگام انقلاب احوال مردم و اوضاع متزلزل، قیام و زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ همان‌طور که از ظلم و ستم پر شده باشد. ساکنان آسمان و زمین از او راضی خواهند بود و اموال را به‌طور صحیح [یعنی] علی‌السویه میان مردم تقسیم می‌کند.

این سه چیز، امنیت و عدالت و رفاه، چیزهایی است که هر جامعه‌ای، مسلمان یا غیرمسلمان، به آن احتیاج دارد:

به این ترتیب، در زمان ظهور، خرابی‌ها آباد می‌شود و مردم برقراری رفاه و امنیت و عدالت را به وضوح می‌بینند؛ پس این‌طور نیست که امام با شمشیر، همه را به راه بیاورند؛ سیل جمعیت [با مشاهده این وضعیت] به طرف امام زمان علیه السلام می‌ریزند و از آن بزرگوار اطاعت می‌کنند.

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدوس، صحن جامع رضوی، ۱۸ و ۱۹ تیر، ۹۰.

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۳۲۰؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار ج ۷۵، ص ۲۳۴.
۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار ج ۵۱، ص ۸۱؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمّة، ج ۲، ص ۴۷۱.

حضرت مسیح علیه السلام و زمان ظهور

یکی از مسلماتی که درباره امام زمان علیه السلام وجود دارد، پیوستن حضرت عیسی علیه السلام به وجود مقدس امام زمان علیه السلام است. البته ما در باب مهدویت، یک مقوله معرفتی، به نام رجعت داریم که در هنگام ظهور امام زمان علیه السلام اتفاق می‌افتد.

رجعت یعنی بازگشت. در رجعت، همه مردم برنمی‌گردند؛ عده‌ای از خوبان برمی‌گردند. بدان هم می‌آیند؛ برای اینکه زیاد ظلم کرده‌اند و عذاب آخرت برایشان بس نیست و باید در این دنیا هم از آن‌ها انتقام گرفته شود. امام زمان علیه السلام از آن‌ها انتقام می‌گیرند!

پیامبر خدا، حضرت عیسی علیه السلام هم می‌آیند؛ ولی آمدنشان رجعت نیست! چون رجعت به معنای بازگشت از آن دنیا به این دنیا، قبل از قیامت و بعد از مردن انسان، برای یاری امام زمان علیه السلام است. حضرت عیسی علیه السلام زنده هستند. در دوره‌ای که امام زمان علیه السلام ظهور می‌کنند، این بزرگوار علیه السلام هم می‌آیند و پشت سر امام زمان علیه السلام نماز می‌خوانند؛^۱ در نتیجه، بسیاری از مسیحیان آن زمان هم مسلمان می‌شوند. این، جزو مسلمات ظهور است.

مقام نبوت بسیار بالاست. عیسی مسیح علیه السلام پیامبر بوده‌اند؛ اما دوره نبوتشان قبل از آمدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تمام شده است. این حضرت علیه السلام الان هم برای ما محترم هستند. امام زمان علیه السلام هم ایشان را به عنوان یکی از انبیای الهی محترم می‌شمارند و به نبوت حضرت عیسی علیه السلام اقرار دارند؛ اما در زمان ظهور، حضرت عیسی علیه السلام از یاران امام زمان علیه السلام هستند. هیچ منعی هم ندارد که پیامبری بیاید و پشت امام زمان علیه السلام قرار بگیرد؛ چون دوره امامت است.

حجت الاسلام والمسلمین سید ابوالفضل طباطبایی، صحن جمهوری اسلامی، ۲ تیر ۹۲

۱. هاشم بن سلیمان بجزانی، الانصاف فی النص علی الأئمة علیهم السلام، ترجمه رسولی محلاتی، ص ۱۰۲، به نقل از امام حسن مجتبی علیه السلام و ص ۲۳۵، به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله.

جهش علمی پس از ظهور

در جلد ۵۲ بحار/الانوار، صفحه ۳۳۶، حدیثی از ششمین معصوم علیه السلام وجود دارد که براساس آن، در زمان ظهور، یک جهش علمی فوق العاده ایجاد می شود. امام صادق علیه السلام در این حدیث نورانی فرموده اند:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أُخْرَجَ الْحَمْسَةُ وَالْعَشْرِينَ حَرْفًا فَبَتَّهَا فِي النَّاسِ وَصَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبْتَهَا سَبْعَةٌ وَعِشْرِينَ حَرْفًا. علم ۲۷ حرف است؛ یعنی به اندازه ۲۷ مرحله. آنچه پیغمبران آورده اند، دو حرف است و مردم هم تاکنون بیش از آن دو حرف ندانسته اند؛ پس موقعی که قائم ما قیام می کند، ۲۵ حرف دیگر را بیرون می آورد و آن را در میان مردم منتشر و آن دو حرف را هم به آن ها ضمیمه می کند تا آنکه ۲۷ حرف می شود.

تمام علوم و دانش هایی که از روز اول تا زمان قیام حضرت مهدی علیه السلام پیدا شده است و می شود، به اندازه دو حرف است و آن ۲۵ حرف باقی مانده را امام زمان علیه السلام و یارانشان تعلیم می دهند؛ یعنی در تمام دانشگاه ها و مکاتب علمی و همه جای جهان، یک جهش علمی دوازده ونیم برابر پیدا می شود.

آیا این جهش علمی که در آن، نسبت علوم و دانش ها دوازده ونیم برابر بشود، یک انقلاب فرهنگی قوی نیست؟! بنابراین تصور نکنیم که کار امام زمان علیه السلام کشتن و خون ریختن و از میان بردن انسان هاست تا عده ای وحشت کنند! این طور نیست. کار امام زمان علیه السلام، تعلیم و تربیت است؛ پرورش اخلاق است؛ پرورش عقل است؛ توجه دادن بشریت به نتیجه عدالت است؛ توجه دادن به آثار سوء ظلم و بیدادگری و جنایت است.

به این ترتیب، ما که ادعا می کنیم منتظر امام زمان علیه السلام هستیم، باید در میان خودمان یک انقلاب فرهنگی ایجاد کنیم تا سطح معرفتمان ارتقاء پیدا کند و اخلاقمان پاک شود. این انقلاب فرهنگی در میان ما هم مقدمه ای می شود برای ظهور آن امام بزرگوار علیه السلام.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی 'حفظه الله تعالی'، صحن جامع رضوی، ۱۵ مرداد ۸۸

پروندهٔ ظلم و دوران عدالت!

اولین برنامهٔ آن آقایی که می‌آیند (امام زمان علیه السلام)، اجرای عدالت است. برادران و خواهران، از شما سؤالی دارم: «من که زیر بغلم پروندهٔ ظلم دارم، در آن فضا چه نقشی خواهم داشت؟» زیر بغلم از راه رشوه‌خواری، غصب مال یتیم، رباخواری، عرضهٔ جنس تقلبی و... پروندهٔ ظلم دارم! اگر کسی چنین پرونده‌هایی دارد، در آن زمان رو می‌شود! آیا می‌توانم بگویم منتظر امام زمان علیه السلام هستم و چنین پرونده‌هایی هم داشته باشم؟! حضرت علیه السلام می‌آیند تا دین جدّشان را کامل کنند. جدّشان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.^۱

مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را به حدّ کمال برسانم.

این، یعنی آمده‌اند تا مفساد اجتماعی را برچینند. [دوباره می‌پرسم: «اگر پروندهٔ فساد اخلاقی، زیر بغل‌های من است، در آن فضا، نقشم چه خواهد بود؟» مفساد اخلاقی مثل: ماهواره‌های فاسد، فیلم‌های مبتذل، مجالس مختلط زن و مرد به نام عروسی و کارهای فسادانگیز دیگر!

بیاید بار دیگر با آن حضرت علیه السلام بیعت کنیم؛ پرونده‌های خلافمان را با آب توبه بشوییم و برای استقبال از چنین آقای بزرگواری آماده شویم.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی 'حفظه الله تعالی'، صحن جامع رضوی، ۲۴ مرداد ۸۷

احیای حق و ازبین رفتن ظلم

به این آیات توجه فرمایید:

﴿وَأَمْزُتْ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ﴾^۲

... [بگو] مأمورم که در میان شما [به] عدالت [رفتار] کنم ...

﴿إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾^۳

۱. پیام پیامبر، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی و مسعود انصاری، ص ۳۲۸. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۸۲؛ حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ترجمه سیدابراهیم میرباقری، ج ۱، ص ۶؛ نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ص ۳۴۵؛ علی مشکینی اردبیلی، تحریر المواعظ العددیه، ص ۶۳؛ احمد جنتی، نصایح، ص ۴۱. علاء‌الدین علی بن حسام (متقی هندی)، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۱۵۱.

۲. شوری، ج ۱۵.

۳. مائده، ج ۸.

[به] عدالت [رفتار] کنید که [آن] به پرهیزکاری نزدیک تر است!

وجود مقدس ولی عصر علیه السلام می خواهند بساط ظلم را برچینند و باطل را از میان بردارند و عدل را در سراسر جهان بگسترانند. در این رابطه، احادیثی وارد شده است که شاید شنیده باشید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ فِيهِ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي يَمْلُؤُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.^۱

اگر از عمر عالم یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند تا مردی از خاندان من که همنام من است، ظهور کند و زمین را همان طور که از ظلم و جور پُر شده است، مملو از عدل و داد کند.

یکی از پیام های دین، احیای عدل و برچیدن ظلم است. اگر ما می خواهیم امروز قلب رسول الله صلی الله علیه و آله، ارواح ائمه طاهرين علیهم السلام، روح آقا امام رضا علیه السلام، قلب مقدس ولی عصر و درحقیقت خداوند متعال از ما راضی باشد، همت کنیم و ارزش های اسلامی را ارج نهاده و احیا کنیم.

حجت الاسلام و المسلمین نظری منفرد، رواق امام خمینی علیه السلام، ۲۱ تیر، ۹۰.

دوران ظهور در روایت طبری

طبری در صفحه ۴۶۸ *دلائل الامامه*، به صراحت درباره آقا امام عصر علیه السلام روایتی آورده است که هم شیعه و هم سنی نقل کرده اند. براساس این روایت، وقتی حضرت مهدی علیه السلام حکومتشان را می گسترانند، آن چنان عدالت فراگیر است و آن چنان نعمت خدا بر تمام مردم از زمین و زمان فرو می ریزد که تمام ساکنان زمین و آسمان با حکومت آقا ولی عصر علیه السلام شاد می شوند.^۲

این کجا و آن شبهاتی که وهابی ها مطرح می کنند کجا؟!

آیت الله حسینی قزوینی 'حفظه الله تعالی'، دارالحججه (رواق شیخ طوسی علیه السلام)، ۲۸ آبان ۸۸.

۱. محمد بن محمد بن نعمان بغدادی (شیخ مفید)، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۳۴ و ۳۴.

۲. سیدابن طاووس، الملاحم والفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیه السلام، ص ۱۴۲: «... یفرح به أهل السماء وأهل الأرض والطيور في الهواء والحيتان في البحر... واهل آسمان وزمین و مرغان هوا و ماهی های دریا به وسیله آن حضرت خوشحال خواهند شد.»

خلاصه فصل نهم

* قیام حضرت مهدی عج، یک قیام فرهنگی و انقلاب فرهنگی است و اکثریت مردم جهان از طریق فرهنگ و استدلال و برنامه‌های آموزنده و دیدن معجزات، به آن حضرت عج ایمان می‌آورند.

* اولین کاری که امام زمان عج انجام می‌دهند، کار فرهنگی است.

* امام زمان عج هم مثل رسول خدا ص، «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» هستند.

* زیارت آل یاسین، شناسنامه امام زمان عج است. این زیارت را زیاد بخوانید.

* خلافت روی زمین و امامت جهان بشریت، به دست صالحان سپرده می‌شود.

* امام صادق ع فرموده‌اند: «هنگامی که قیام حضرت مهدی عج رخ می‌دهد،

در سراسر زمین نغمهٔ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ شنیده می‌شود.»

* امام صادق ع فرموده‌اند: «سه چیز است که همهٔ مردم به آن نیاز دارند:

امنیت و عدالت و فراوانی (رفاه).» در زمان ظهور، خرابی‌ها آباد می‌شود و مردم

برقراری رفاه و امنیت و عدالت را به‌وضوح می‌بینند.

* حضرت عیسی ع زنده هستند. در دوره‌ای که امام زمان عج ظهور می‌کنند، این

بزرگوار ع هم می‌آیند و پشت سر امام زمان عج نماز می‌خوانند؛ در نتیجه، بسیاری از

مسیحیان آن زمان هم مسلمان می‌شوند. این، جزو مسلمات ظهور است.

* تمام علوم و دانش‌هایی که از روز اول تا زمان قیام حضرت مهدی عج پیدا

شده است و می‌شود، به اندازهٔ دو حرف است و آن ۲۵ حرف باقی‌مانده را

امام زمان عج و یارانشان تعلیم می‌دهند.

* بیايید بار دیگر با آن حضرت عج بیعت کنیم؛ پرونده‌های خلافتان را با آب

توبه بشوییم و برای استقبال از چنین آقای بزرگوار آماده شویم.

* وجود مقدس ولی عصر عج می‌خواهند بساط ظلم را برچینند و باطل را از

میان بردارند و عدل را در سراسر جهان بگسترانند.



۱. هاشم بن سلیمان بجزائی، الاصفاف فی النص علی الائمة عج، ترجمهٔ رسولی محلاتی، ص ۱۰۲، به نقل از امام حسن مجتبی ع و ص ۲۳۵، به نقل از پیامبر اکرم ص.

فصل دهم

عصر غیبت؛ نسل منتظر

امام رضا علیه السلام و احترام به امام زمان علیه السلام

اینکه بین ما رسم است با شنیدن نام امام زمان علیه السلام قیام می‌کنیم و دست روی سرمان می‌گذاریم، برگرفته از روایتی است که از امام رضا علیه السلام داریم. [این کار] سنت امام رضا علیه السلام است.

نقل شده است که وقتی در حضور امام رضا علیه السلام کلمه قائم بیان شد، «وَضَعَ الرَّضَا يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ وَ تَوَاضَعَ قَائِماً وَ دَعَا لَهُ بِالْفَرَجِ؛ دستشان را روی سرشان قرار دادند و متواضعانه ایستادند و برای فرج دعا کردند.» سپس فرمودند:

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ.

خداوندا! بر فرجش شتاب کن و راه ظهورش را آسان گردان.^۱
راوی درباره این رفتار امام رضا علیه السلام می‌گوید: «و تَوَاضَعَ قَائِماً»؛ یعنی امام برای تواضع، بپا خاستند.

آقا دستشان را روی سر گذاشتند و ایستادند! همه ائمه علیهم السلام احترام دارند! این قیام و ایستادن ما فقط برای احترام نیست که کسی بگوید چرا برای بقیه ائمه علیهم السلام نمی‌ایستید؟! قیام فقط برای احترام نیست؛ نشانه آمادگی است؛ یعنی همان طور که آن آقا قیام می‌کنند و حکومت واحدی برای جهان انتخاب می‌کنند، ما هم می‌ایستیم و اعلام آمادگی و همراهی می‌کنیم.

دعای قوم حضرت یونس علیه السلام

قوم حضرت یونس علیه السلام وقتی پیامبرشان از میانشان رفت، قرار بود که عذاب شوند؛ اما دور هم جمع شدند، از گناهان توبه کردند، خالصانه در خانه خدا رفتند و شروع کردند به انجام دادن اعمال صالح. آن‌ها از خدا پیامبرشان را خواستند و یونس پیامبر علیه السلام دوباره برگشت.
سخت‌ترین عذاب خدا، محرومیت از ولی خداست؛ چون بهترین نعمت خدا، ولی خداست.



دعا برای امام زمان علیه السلام در قنوت نماز جمعه

ابوالحسن الرضا علیه السلام از ابن مقاتل سؤال فرمودند: «در قنوت نماز جمعه چه دعایی می خوانی؟»

عرض کرد: «آنچه مردم می گویند.»

امام رضا علیه السلام فرمودند که او آنچه مردم می گویند، نگوید و توصیه فرمودند که این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حُقِّقَهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ أَيْدِيهِ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اسْلُكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَبْدَلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَ لِيُكَ سُلْطَانًا وَ أذنْ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۱

خداوندا! برای بنده و جانشین خودت، کارسازی کن؛ آن گونه که برای پیامبران و رسولانت کارسازی کردی و گرداگرد او فرشتگان را قرار بده. او را از ناحیه خودت به روح القدس تأیید فرما، از پیش رویش و پشت سرش مراقبانی را همراهش کن تا او را از هر بدی حفظ کنند و آرامش و آسودگی را جایگزین ترس و بیم او بگردان تا [هرکس] تنها تو را عبادت و بندگی کند و چیزی [یا کسی] را با تو شریک نکند. نیز برای هیچ یک از آفریدگانت بر ولایت تسلطی قرار نده و به او اجازه جهاد با کسی که دشمن تو و دشمن اوست را مرحمت فرما و مرا از یاوران او قرار ده که تو بی گمان بر هر چیز توانایی.

تفاوت بین امام زمان علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام

یک تفاوت بین ما و مردمان زمان ائمه است و آن این است که آن ها جای امامشان را می دانستند، ولی ما جای امام زمانمان علیه السلام را نمی دانیم؛ و الا هیچ تفاوت دیگری نیست. غیر از امام عصر علیه السلام، جای تمام ائمه علیهم السلام معلوم بود؛ مثلاً امام صادق علیه السلام در مدینه بودند یا امام رضا علیه السلام در مدینه و مدتی هم در ایران بودند؛ اما امام زمان علیه السلام در مکان های مختلف حضور دارند و محلشان معلوم نیست:

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۲۵۱؛ جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع؛ ص ۴۱۳.

أَبْرَضَوَى أُمِّ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طُؤَى عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لَا تُرَى وَ لَا أَسْمَعُ
لَكَ حَسِيساً وَ لَا نَجْوَى...^۱

این تفاوت وجود دارد؛ اما از نظر اصل حضور امام، بین امام زمان ارواحنا فداه و سایر ائمه علیهم السلام تفاوتی نیست.

کی شود مهدی بیاید یا حسین! عقده‌ها از دل گشاید یا حسین!
کی شود خورشیدروی فاطمه از پس پرده درآید یا حسین!

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر رفیعی، رواق امام خمینی رحمته، ۸ مهر ۹۰

خلاصه فصل دهم

* اینکه بین ما رسم است با شنیدن نام امام زمان علیه السلام قیام می‌کنیم و دست روی سرمان می‌گذاریم، برگرفته از روایتی است که از امام رضا علیه السلام داریم. [این کار] سنت امام رضا علیه السلام است.

* سخت‌ترین عذاب خدا، محرومیت از ولی خداست؛ چون بهترین نعمت خدا، ولی خداست.

* یک تفاوت بین ما و مردمان زمان ائمه است و آن این است که آن‌ها جای امامشان را می‌دانستند، ولی ما جای امام زمانمان علیه السلام را نمی‌دانیم؛ و الا هیچ تفاوت دیگری نیست. این تفاوت وجود دارد؛ اما از نظر اصل حضور امام، بین امام زمان ارواحنا فداه و سایر ائمه علیهم السلام تفاوتی نیست.



۱. فرازی از دعای شریف ندبه: سید بن طاووس، الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۱، ص ۵۱؛ محمدباقر مجلسی، زاد المعاد، ص ۳۰۷؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۰۸.

حرف آخر

قدری تأمل کنیم: تا به حال چقدر و در چه مواقعی به امام زمان علیه السلام و وجود بابرکت آن حضرت احساس نیاز کرده ایم؟!

از صبح که از خواب برمی خیزیم، نماز می خوانیم، صبحانه می خوریم، سر کار و درس و شغلمان می رویم، نماز می خوانیم، ناهار می خوریم، استراحت می کنیم، به امور خانه یا کارمان رسیدگی می کنیم، نماز می خوانیم، شام می خوریم، فیلم می بینیم، مطالعه می کنیم، به رختخواب می رویم و... به راستی در حال انجام کدام یک از این رفتارها با همه وجود و آه و سوز او را فریاد کرده ایم؟ در کدام مرحله زندگی جای او را در جمع خودمان خالی احساس کرده ایم؟!

واقعاً چقدر بدون او احساس کمبود می کنیم؟

امام رضا علیه السلام فرموده اند: «امام مانند آب گوارا، خورشید نورانی، ماه شب تاب و... است.»

چقدر در فراق امامان احساس عطش داریم؟

چه اندازه از ظلمت جهل و تردید خودمان خسته شده ایم؟

آیا این روزمرگی ها سراب زندگی مان نشده است؟!

آیا چشم دلمان به تاریکی ها عادت نکرده است؟!

واقعاً چقدر به امام زمانمان نیاز داریم؟! چقدر خود را «مضطرب» به ظهور و حکومت او می دانیم؟!

آیا کوفیان منتظر حسین علیه السلام نبودند؟! آیا مشتاق دیدارش نبودند؟! آیا در فراق

او ناله ها سر ندادند؟! نامه ها نفرستادند؟!

پس چرا با نایب او چنین کردند؟!

حق این است که حسین فاطمه علیها السلام عیار مردم کوفه را با میزان همراهی شان

با حضرت مسلم علیه السلام محک زد. آیا حسین فاطمه علیها السلام در این زمان، یعنی

امام مهدی علیه السلام، عیار وفاداری ما به خودش را در میزان وفاداری با نایبش

نمی سنجد؟!

الحق نسل گذشته ما، به ویژه شهیدان و ایثارگران عزیزمان، وفاداری بی نظیر خود

را به نایب بحق حضرت مهدی علیه السلام، امام راحل، نشان دادند؛ اینک هنگامه سنجش

عیار وفاداری ما به جانشین امام راحل، مقام معظم رهبری (دامت ظلّه) است.

در این روزها که موج بیداری اسلامی و اسلام خواهی در حال فراگیر شدن است، ما و نسل ما برای این میدان آزمون چقدر آماده ایم؟! بر این باوریم که اگر تداوم نبوت جز با امامت میسر نیست، تداوم خط امامت در زمان غیبت امام زمان (عج) نیز جز با نیابت عامه آن حضرت شدنی نیست. «ولایت فقیه» جلوه تکامل یافته نیابت حضرت ولی عصر و هدیه آسمانی غدیر به انسان امروز و راه رسیدن به ساحل نجات حکومت عدل جهانی است.

این نعمت بزرگ الهی را قدر می دانیم، آن را با زبان و عمل شکرگزاریم و به درگاه الهی این گونه نجوا می کنیم:

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَفَدِّ نَبِيَّنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ غَيْبَةَ وَّلِيَّتِنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا
وَ قَلَّةَ عَدَدِنَا وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بَيْنَا وَ تَطَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ
اَعْنَا عَلٰى ذٰلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ بَضْرٍ تَكْشِفُهُ وَ نَصْرٍ تُعِزُّهُ وَ سُلْطَانٍ حَقِّ
تُظْهِرُهُ وَ رَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَ عَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِيْنَ^۱.

خدایا! به تو شکایت می کنیم از نبودن پیامبرمان که دروهای تو بر او و آتش باد و از غیبت مولایمان و از بسیاری دشمنان و کمی افرادمان و از سختی آشوبها و از کمک دادن اوضاع زمانه به زیان ما! پس بر محمد و آتش درود فرست و ما را بر این اوضاع کمک ده، با گشایش فوری از طرف خود و برطرف کردن رنج و ناراحتی و یاری با عزت و ظاهر ساختن سلطنت حق و رحمتی از سوی تو که ما را فراگیرد و نیز تندرستی از طرف تو که ما را بیوشاند؛ به رحمت ای مهربان ترین مهربانان.



۱. محمدباقر مجلسی، زاد المعاد، ص ۸۹؛ به سند معتبر از امام زمان (عج) نقل شده است که به شیعیان نوشته اند این دعا را بخوانند.